

ن

ت وکلتور

Ketabton.com



# اختصار وقایع مهم هفته

درداخل

با قرائت پیام ښاغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدر اعظم تجلیل از هزارو صد مین سال تولد حکیم ابونصر محمد فارابی که یکی از چهره های تابنده علم و فرهنگ کشور عزیز می باشد روز سی میزانی محفل علمی افتتاح گردید .

محفل ساعت ده صبح با قرائت چند آیت از کلام الله مجید در تالار بزرگ رادیو افغانستان آغاز گردیده و پس از آنکه سرود ملی نواخته شد پیام مؤسس جمهوریت ښاغلی محمد داؤد بمناسبت افتتاح این مجلس علمی توسط پوهاند دکتور نوین وزیر اطلاعات و کلتور قرائت گردید .

در جلسات قبل از ظهر و بعد از ظهر ۲۲ میزان سیمینار فرهنگی افغان و هند در طول قرون بیانیه ها و مقالاتی پیرامون ادب و پشته نقش افغانستان در ورود و انتشار زبان دری در هندوستان و یک سلسله موضوعات دیگر مربوط به دو کشور توسط دانشمندان افغانی و هندی ایراد گردید .

بامصرف یک میلیون و دو صد و پنجاه هزار افغانی برای اهالی قریه های پاچا صاحب و شینه ولایت کابل آب مشروب صحتیه تهیه گردیده است .

جمعیت افغانی سره میاشت در سال گذشته ۳ میلیون و ۸۰۰ هزار افغانی در داخل و هژده هزار



ښاغلی رئیس دولت و صدر اعظم هنگامیکه اعتماد نامه سفیر کبیر جمهوریت مردم بلغاریا را در قصر ریاست جمهوری می پذیرند.

دکتور هنری کیسنجر وزیر خارجه امریکا روز ۲۸ میزان ملاکرات خود را درباره مسائل مورد علاقه با مقامات حکومتی جمهوریت مردم چین در پکنک آغاز کرد .

کنفرانس (قوانین جهانی) در واشنگتن پایان یافت .

درین کنفرانس نظر خاصی به وضع قوانین برای زنان وجود داشت .

کنفرانس (قوانین جهانی) همه ساله در همین موقع دایر میشود ولی برای اولین بار امسال درین کنفرانس این موضوع جای عمده داشت که چگونه می توان قانون رادر خدمت تحصیل حقوق زن مورد استفاده قرار داد .

در شهر پانامه مرکز کشور امریکا ای پانامه یکی از مهم ترین گام ها بسوی تاسیس بازار مشترک امریکای لاتین برداشته شد .

یعنی نمایندگان (۲۳) کشور امریکای لاتین اساسنامه یک سیستم اقتصادی جدید را امضا کردند .

انور السادات رئیس جمهور مصر بار دیگر بر علیه خطرات ناشی از سرازیر شدن سلاح های مدرن امریکایی با اسرائیل هشدار داده است .

ایگال الون وزیر خارجه اسرائیل نسبت به تعهداتی امریکا برای تقویه نیرو های آن کشور داده اظهار رضایت کرد .

دالر در خارج کشور طی یکسال اخیر به آسیب رسیدگان نقدا و جنسا مساعدت کرده است .

بروتوکول تمویل یکمده پروژه های افغانی در تهران امضاء شد .

در خارج

والری ژیسکار دستن رئیس جمهور فرانسه روز ۲۶ میزان پس از یک اقامت رسمی پنج روزه در اتحاد شوروی از مسکو عازم پاریس شد در یک اعلامیه سیاسی مشترک که توسط ژیسکار دستن و لیونید بریژنف سر منشی حزب کمونیست اتحاد شوروی امضا شده هر دو طرف خواهان یک کنفرانس بین المللی برای خلع و سلاح توسط تمام قدرت های ذروی و توسعه دیتانت شرق و غرب تا ساحات نظامی شدند .



پوهانو دکتور غلام صدیق مجبسی رئیس پوهنتون کابل هنگام ایراد بیانیه به مناسبت هزار و صد مین سال تولد ابو نصر فارابی در جلسه افتتاح مجلس علمی روز ۳۰ میزان

## خبریه

سیمینار مدیران معارف ولایات کشور دیروز در تالار شوونگی تخنیک ثانوی افتتاح گردید. در مجلس افتتاحیه سیمینار پس از آنکه چند آیت از قرآن عظیم الشان قرائت گردید و سرود ملی نواخته شد پوهاند عبدالقیوم وزیر معارف طی بیانیته گفت: باساس رهنمایی های شاعلی محمد داود رئیس دولت و صدراعظم اخیرا تقریراتی در سیستم معارف بوجود آمده و در نظراست در روشنی این تحولات پروگرام های صحیح و درست تربیتی وضع شود که دارای جنبه های عملی بوده و بطور متداوم موازی بانکشاف درستگور های مختلف دیگر جریان داشته باشد.

وزیر معارف ضمن شرح مبسوطی پیرامون هدف تعلیم و تربیه در کشور در پرتو ریفرم بنیادی معارف توضیحات داده گفت: پیپود امور معارف به تماسها و مشوره های نزدیک و بیهم در زمینه ضرورت دارد و ایجاب می کند تا همچو سیمینار ها، کنفرانسیا و رکشاپها بمقصد تفاهم بیشتر تدویر گردیده و زمینه تطبیق ریفرم معارف به حسن صورت انجام پذیرد.

وزیر معارف در ختم بیانیته اش از همکاری اداره یونسف در تدویر سیمینار اظهار تشکر نموده و ابراز امیدواری کرد تا نتایج سیمینار مفید و موثر واقع گردد.

در مراسم افتتاح معین های معارف، رئیس پوهنتون، روسای بعضی از پوهنځی ها و دوایر مختلف وزارت معارف، مدیران لیسه ها و مکاتب شهر اشتراک ورزیده بودند.

خبرنگار باختر علاوه میکند که سیمینار مدیران معارف ولایات کشور تا اول عقرب دوام میکند و طی جلسات آن روی موضوعات مربوط به ریفرم معارف و تطبیق آن مطالعه طرق بهتر ساختن سویه تعلیمی شاگردان با وسایل دست داشته و یک سلسله مسایل مورد علاقه بحث و مذاکره صورت خواهد گرفت.

کمیته های مربوط به جلسه سالانه مدیران معارف ولایات روی موضوعات اختصاصی در تخنیک ثانوی به بحث و مذاکره ادامه دادند. در کمیته تعلیمات ابتدایی مسوده لایحه جدید امتحانات مکاتب، در کمیته تعلیمات ثانوی مسایل امتحانات و طرز بهتر ساختن روشن آن، در کمیته تعلیمات مسلکی مسوده مقررات، اهداف لایحه و پروگرام های کورسهای حرفوی در کمیته تربیه معلم، تربیه معلمان مکاتب ابتدایی، ثانوی مطابق سیمیه معینه و ارتقای سویه تعلیمی معلمان که از صنف ۱۲ و ۱۳ فارغ شده اند مطرح شده و تصامیمی اتخاذ شد.

همچنان در کمیته اداری روی موضوعات مربوط بحث بعمل آمد.

پوهنوال ولی الله سمیعی معین دوم وزارت معارف در مباحث کمیته ها اشتراک داشت.

گرفته نمی تواند در صدد معا لجه این حوادث برآیند. بدینتر تیب برای معالجه و کمک برای کسانی که حوادث و ناگواری های طبیعی بیچاره شان میسازد، جوامع بین المللی چون هلال احمر، صلیب احمر و شمس - خورشید سرخ تاسیس یافت تا به آسیب رسیده گان کمک و معاونتی صورت بگیرد.

اگر چه اکنون مادر پایان هفته سره میاشنت، که هفته خیراندیشی، کمک و نیکو کاری به بیوانان است، قرار داریم، باز هم لازم است متذکر شویم که خیر خواهی و کمک به هم نوع و همکاری با موسسات خیریه از وظایف عمده یک انسان است.

این تعاون و همکاری نباید در محدوده زمانی هفته سره میاشنت با قسی بماند بلکه همکاری برای مصیبت رسیده گان و مستحقان از جمله رسالت های است که باید توانگران همیشه در مدنظر داشته باشند.

باید متذکر شد که هنوز در مرحله از تاریخ قرار داریم که انسانها در جوامع غیر متجانس زندگی میکنند و هنوز در پیشرفته ترین اجتماعات بسیاری از مردم نا دار و ناتوان اند.

و بیهمین ترتیب در برابر این ها مردمان توانگر قرار دارند. این موضوعی است که بر همه چون روز روشن است. بیهمین سبب است که باید بخاطر حسن انسا نیت و بشر دوستی انسانهای توانگر به اشخاص بیچاره و مستحق کمک کنند. منظور ما در این چند سطر اینست که همانطور که یک مو سسات خیریه وظیفه دارند تا به اشخاص آسیب دیده و مصیبت رسیده کمک نمایند این وظیفه و مسؤ لیت بدوش هر انسان با عاطفه هم است. چنانچه، شاعلی - محمد داود رئیس دولت و صدراعظم در پیام شان به مناسبت هفته مخصوص سره میاشنت میفر مایند: هفته مخصوص سره میاشنت نه تنها کار گران و مر بو طین جمعیت افغانی سسرره میاشنت را بیش از پیش متوجه وجایب انسانی شان میگرداند، بلکه فرصت آنرا میدهد تا مردمان نوع دوست و با عاطفه مادرین ایام غر خنده و خیریه سسهم شوند و روحیه تعاون شانرا بیش از پیش که از سجایای عالی اسلام می و لازمه حیات اجتماعی است، در یک سطح عالی تری تقویه نمایند.

## سپیک شونون

دولت جمهوری افغانستان مساعی جمعیت های صلیب احمر بین المللی، هلال احمر ها و شیر خورشید سرخ را در گذشته و آینده میساید و متوجه آنست که موسسه افغانی سره میاشنت بیشتر تقویه یابد. تا بتواند فعالیت خویش را بیش از پیش با فعالیت این سازمانها توحید بخشد.

از بیانات رئیس دولت و صدراعظم

پنجشنبه اول عقرب ۱۳۵۴ - ۱۸ شوال ۱۳۹۵ - ۲۳ اکتوبر ۱۹۷۵

## هفته سره میاشنت

علل مشهود و پر واضح دارد، زیرا سجا یای انسانی همانطور یکسره نمره محیط است. بدی و زشتی ها نیز نمره محیط همین انسان است که در اثر خود خواهی ها، کینه توزی و حرص و حسد و جو د می آید و باعث ایجاد جنگ های مد حش و خانمان سوز، آدم کشی و دشمنی و نفاق میگردد که حاصل آن جز ویرانی وید بختی بشر چیز دیگری نیست. مادر طول تاریخ شاهدند بروز حوادث بسیار طبیعی چون زلزله های مد حش آتش سوزی ها سیلاب های خانه برانداز و ویرانگر، مریضی های بی درمان، جنگ ها و غیره بوده ایم. بخاطر حدوث همین واقعات درد ناک است که انسانهای نوع دوست و خیر خواه برای جلو گیری از این حوادث و کمک به نوع بشر در پی آن شدند تا اگر از حوادث پیشگیری ووقایه تاحد که خواست بشریت است صورت

انسان با همه توانایی و نیرویی که در اختیار دارد و توانسته است به قدرت علم و تکنالوجی از بسیاری حوادث پیشگیری نموده و قوای سرکش و لجام گسته ای طبیعت رامهار زند و برای استفاده بشریت قرار دهد. ولی با وجود این در برابر بسیاری حوادث و وقایع ناتوان و بیچاره است. همین بیچاره گی انسان در برابر بسی وقایع طبیعی و غیر طبیعی است که باعث بروز حوادث دلخراش و ماجرهای شگفت انگیز در تاریخ زندگی انسان میشود.

بروز بلا های طبیعی بر همگان واضح است که با وجود تلاش فراوان بشر هنوز هم بطور غیر مترقبه حادث میشود و افراد یک منطقه را دچار بیچارگی و بدبختی های اندوناک میسازد. بیهمین ترتیب وقایع غیر طبیعی یعنی حوادث که ساخته و پرداخته همین انسان قرن بیست و متمدن است نیز

# پیام بناغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدر اعظم

## بمناسبت یادبود ابو نصر محمد فارابی

پالیسی کلتوری دولت جمهوري افغانستان واز جمله موثر ترين عوامل رشد فرهنگي است .  
اميد و ارم تحقيقات و مباحثات علمي اين مجلس در باره زندگي و آثار و افکار معلم ناني سيم بزرگ اوراد و نشر فرهنگ و معارف بشري بيش از پيش روشن کند . حق آن دانشمند بزرگ به خود بي ادا شود .  
توفيق دانشمنداني را که در اين کار برارزش علمي اشتراک دارند آرزو مينمايم .

۳۰ میزان ۱۳۵۴

وی که خود او آنها را در ضمن بیشتر از یکصد جلد کتاب و رساله گنجایده است نمایانگر سهم زیاد وی در پیشرفت علم و دانش بشري است .  
تجلیل و یاد بود چنین شخصیت گرانمایه از طرف وزارت اطلاعات و کلتور که به قول مودخ معاصرش ابن الندیم از فاراب خراسان بوده و به گفته امام غزالی در میان فلاسفه اسلام هیچکس به پای او و ابن سینا نرسیده است در حقیقت تجلیل و قدردانی علم و معرفت می باشد که این خود یکی از اهداف

وی حل نموده اند .  
نظرات و آراء ابو نصر فارابی در اخلاق و سیاست که حسن اخلاق را حاصل دانش و سر آغاز سعادت انسانی می دانست و همکاری و تعاون ارادی افراد جامعه را برای تنظیم حیات و حفظ جامعه ضروری می شمرد هنوز هم بعد از گذشت بیش از هزار سال مایه تحسین صاحب نظران است و او را در صف اول بنیاد گذاران تمدن بشري قرار میدهند و بر همین قیاس سایر اندیشه های فلسفی و ابتکارات علمی

تشکیل مجلس و قدردانی از ابو نصر فارابی مایه خوشی همه کسانی است که به دانش و اندیشه های انسانی بنظر احترام و قدر دانی می نگرند . بدون تردید ابو نصر فارابی یکی از چهره های تابنده علم و فرهنگ این سر زمین باستانی است که به بلند ترین مقام اندیشه انسانی راه یافته است .  
دانشمندانی چون ابو سلیمان منطقی سیستانی و ابو علی ابن سینای بلخی کسانی بودند که از مکتب فکری ابو نصر فارابی استفاده کرده و مشکلات علمی خود را از طریق مطالعه آثار و تالیفات

## متن بیانییه پوهاندد کتور نوین وزیر اطلاعات و کلتور

در مجلس علمی تجلیل از ابو نصر محمد فارابی

جای مسرت است که پس از تجلیل سته تن از سر آمدان جهان علم و ادب، مولانا جلال الدین بلخی، بایزیدروشان و امیر خسرو بلخی، که در سال گذشته به پیروی از پالیسی کلتوری دولت جمهوری صورت گرفت.

اینک مجلس علمی تجلیل از یک فرزند دیگر افغانستان یعنی معلم نانی ابو نصر محمد فارابی که از بزرگترین فلاسفه اسلام و تربیت یافتگان مکتب فکری خراسان است، با اشتراک عده ای از دانشمندان و محققان برگزار می شود.

ابو نصر فارابی که هزار و یکصد سال شمسی از ولادتش و هزار و بیست و پنج سال شمسی از وفاتش می گذرد از جمله دانشمندان عالیه قدریست که در گسترش علم و فضیلت و جهان سیم بزرگی داشته است تا آنجا که وی را معلم نانی لقب داده اند . و بطوریکه حضار محترم می دانند لقب معلم، لقبی است که تا زمان فارابی تنها به ارسطو فیلسوف بزرگ یونان اختصاص داشت و پس از آنکه فارابی را نیز شایسته این لقب تشخیص دادند، ارسطو را معلم اول و او را معلم ثانی خواندند.

زندگانی فارابی، در دوران

او و نبوغش در تحقیق و ابتکار دلالت می نماید .

فارابی اولین کسی است که به تالیف یک دایرة المعارف علمی بنام (احصاء العلوم) اقدام نمود و دانش های زمان خود را یکایک تقسیم، توضیح و تعریف کرد و همین کتاب که خوشبختانه موجود است، دو بار در قرن هفدهم میلادی به لاتینی ترجمه شد و در اروپا بسیار مورد توجه واقع گردید و سبب شد که دانشمندان آن سر زمین در جستجوی سایر آثار وی برآیند و به ترجمه و نشر آنها پردازند . معلم نانی در نشر فلسفه و علوم عقلی و آشنا ساختن دانشمندان اسلام به افکار فلاسفه یونان بیشتر از هر کس شایستگی به خرج داد و بسا نوشتن کتابهای متعدد در توضیح و تفسیر اندیشه های ارسطو و دیگر فلاسفه توانست راهی را در جهان فکر بشر باز کند که پس از او نخست ابو سلیمان منطقی سیستانی و سپس ابن سینای بلخی آن راه را ادامه دادند .

تجلیل و قدر دانی و نیز

طالب علمی او برای همه دوستانان فرهنگ و دانش، نمونه و سرمشقی عالی از همت و کوشش و علاقه به درک و فهم موضوعات علمی می تواند باشد زیرا به طوریکه نوشته اند او کتاب سماع طبیعی ارسطو را بیش از چهل بار خواند تا منظور مصنف را به خوبی دریافت و هم گویند، در نسخه ای از کتاب النفس ارسطو یادداشتی به خط او دیده شد که حاکی از صد بار مطالعه آن کتاب بوده است . و او باین چنین شوق و علاقه به دانش توانست بر تمام علوم که در آن عصر مرسوم و مروج بود احاطه پیدا کند و به تالیف و تصنیف شروع نماید، چنانکه تعداد تصنیفاتش در اخلاق در سیاست، در ریاضیات، در موسیقی، در ادب، در طب در منطق و حکمت و در همه دانشهای مرسوم آن زمان، به یکصد و سه کتاب بالغ میشود که اگر چه امروز بسیاری از آن کتابها موجود نیست ولی آنچه باقی مانده است برکمال فهم و وسعت دامنه اطلاعات

تحقیق و جستجو در احوال و آثار دانشمندی چون ابو نصر فارابی که سیم بزرگ و مهمی در استحکام بنیاد فلسفه و علوم عقلی در تمدن اسلامی دارد گذشته از اینکه در حکم ادای حقی است که دانشمندان می مانند و به گردن همه علاقه مندان علم و فرهنگ دارند، ازین بابت هم در خور توجه و سودمند است که تسلی جوان را به ارزش علم و اهمیت عالم در جامعه متوجه می سازد و علاوه بر آن سبب میشود تا همان طور که به آینده بناک خود و وطن و جامعه خویش علاقه دارد، گذشته بر افتخار را نیز فراموش نکند و خلقه اتصال گذشته و آینده باشد.

خوشبختانه میدان تحقیق در احوال و آثار فارابی وسیع است و شک نیست که دانشمندان شرکت کننده درین مجلس علمی از نتایج تحقیقات و مطالعات خویش مطالب سودمند و ارزنده ای به علاقه مندان فرهنگ و معرفت هدیه خواهند کرد . به آرزوی سعادت دایمی هموطنان عزیز و آبادی روز افرون کشور در پرتو نظام مردمی جمهوریت، مجلس تجلیل و قدردانی از معلم نانی را افتتاح میکنم .

## پیام‌نخوانندگان

بامراجعه به گذشته می بینم در اجتماع ما زنان همیشه در پهلوی تریه سلیم فرزندان شان و وادسی از امور خانواده همیشه همش مردان مشغول خدمت به اجتماع بوده و کرامت انسانی شان بی‌حیث بامراجعه به گذشته می بینم در اجتماع عضو فعال اجتماع در حدود مقتضیات و خواسته های جامعه محفوظ بوده است.

باخوشی باید یاد کرد که پانزده سال پیش از امروز نهفت نسوان بنابر ضرورت عرصه و زمان برای سهم گیری فعالانه خواهران افغانی در انکشاف کشور اساس گذاشته شد آرزوی یگانه ازین اقدام آن بود تا همه خواهران افغانی همش برادران شان در خدمات اجتماعی سهم بگیرند و در حدود عدالت انسانی و قوانین اجتماعی از حقوق مدنی خویش بر خوردار باشند.

خوشبختانه اکنون می بینم این نهفت به همکاری زنان منور به موفقیت دنبال میشود و در حدود امکان، زنان افغان همش برادران شان در ساحات مختلف انکشافات ملی مشغول کار و خدمت اند.

خواهران و دختران عزیز!

نباید ناکفته گذاشت که افراط در هر چه باشد نتیجه خوب ندارد تقلید ظاهری و بیجا و تجمل پسندی بعد مبالغه که متناسب به سویه اقتصاد و روحیه انقلابی ملی مانع باشد نور نمیکم بسیار معقول و پسنیده باشد لذا غور و تعمق داوطلبانه شما خواهران و دختران با احساس و وطن پرست رادر این موضوع که نباید بسیار کوچک و بی اهمیت تلقی شود جلب میکنم و امیدوارم راه معقولی برای اصلاح آن جستجو نماید.

یقین دارم ساحه این همکاری روز بروز وسعت می یابد و زنان افغان با شجاعت و مقام خاص شان در گردانیدن چرخ اجتماع با مردان سهم فعالانه میگیرند.

در جامعه ما چون سایر جوامع رو با انکشاف در پهلوی سایر موانع موضوع بیسوادی و وجود یک سلسله رسم و رواجهای بیجا هنوز در برابر تثبیت حقوق زنان و سهم گیری واقعی شان در خدمات اجتماعی قرا ر دارد.

اما محققا طرح یلانهای جامع و تنویر بیسم و وسیع اجتماع، مشکل ما و جوامع مشابه را در دین زمینه حل خواهد کرد.

## دین شماره

|                                    |      |                              |
|------------------------------------|------|------------------------------|
| صنایع افغانستان در مارکیت های جهان | ص ۶  | راپور از : نوری              |
| حوادث دلخراش ترافیکی               | ص ۸  | مزارش از: گل احمد زهاب       |
| میرزا قلم ها                       | ص ۱۰ | راپور از : م. فلونیا         |
| محمد علی کلی قهرمان سنگین وزن ...  | ص ۱۲ | ترجمه: ع. د                  |
| آیا هلیود هنوز زنده هست ؟          | ص ۱۴ | ترجمه از: رز                 |
| ازدواج مجدد الیزابت تیلور ...      | ص ۱۶ | ترجمه از: پرومند             |
| زنان و برابری های اجتماعی          | ص ۱۹ | نوشته : راحله راسخ           |
| دعینی سوغات                        | ص ۲۰ | دعنت یار ژباړه               |
| هم زورنالیست هم هنرپیشه            | ص ۲۲ | ترجمه : زلیخا نورانی         |
| اولین خانه که با انرژی ....        | ص ۲۸ | ترجمه: حبیب الله حبیب فرهمند |
| راکسن و ادامه حیات                 | ص ۲۹ | ترجمه : بوهندوی گوهری        |
| اساسات آموزش لغت                   | ص ۴۰ | ترجمه : عبدالجانی هبا        |
| حسادت                              | ص ۴۲ | ترجمه: صدیقی                 |
| خوجه خس پول کرد                    | ص ۴۶ | دالف ، الف ژباړه             |





آثار چوبی افغانی در غرفه برلین سخت مورد توجه قرار گرفته بود

## صنایع افغانستان در مارکیت های جهانی

امتعه افغانستان در غرفه اختصاصی نمایشگاه برلین غربی  
چشمگیر بود...

عده یی از تجار بین المللی برای خرید صنایع افغانی آفر داده اند.

سین د همین نمایشگاه برلین -  
غربی، از ۳ تا ۷ میزان در آن شهر  
دایر گردید و در آن پنجاه و پنج  
کشور آسیایی، آفریقایی و  
امریکایی حصه گرفته بودند.  
نمایشگاه وارداتسی ماوراء

بهار برلین غربی امسال در ساحه  
نمایشگاه معروف (آ. ام. کا) در  
شهر برلین دایر شده بود، که به  
صورت عمومی ساحه ۲۳۴۴۵ متر  
مربع زمین را در بر می گرفت.  
افغانستان از سال ۱۹۶۵ به  
اینسو، درین نمایشگاه اشتراک  
می ورزد و امسال نیز، صنایع وسیع  
افغانستان در غرفه اختصاصی  
نمایشگاه برلین سخت مورد  
توجه تجار بین المللی و موسسات  
تجارتی قرار گرفت.  
یک منبع وزارت تجارت پیرامون  
نمایشگاه جهانی برلین، گفت:  
ساین نمایشگاه، از سال ۱۹۶۲  
به اینسو همه ساله به جز سال



میوه خشک، لاجورد، اشیای ساخته شده از سنگ رخام، اشیای ساخته شده از چوب، البسه، خامک دوزی، بوت آمو و جرم های مختلف، پوستینچه، بالا پوش های پوستی، تکه های نسا جی، کمبل های پشمی، نباتات طبی، زیورات و عسل به نمایش گذاشته شده بود.

شیاعلی امان الله افزود: -امتنه که در غرفه های مربوط کشور ما به معرض نمایش قرار گرفته بود مورد توجه خریداران عمده و تماشاچیان واقع شده بود. حدود شصت و پنج فیصد آنها به فروش رسید.

علاوه بر آن یکتعداد از تجار عمده توزیع کنندگان و وارد کنندگان آلمان و سایر کشورها، با دیدن امتعه افغانی آن را پسندیدند و برای تهیه مقادیری از آنها، آفر دادند. وی راجع به آفر های تجار خارجی میگوید:

-ما به آثار حکاکی شده و ساخته شده چوبی، میوه خشک، عسل، صنایع دستی، لاجورد، پوستها، زیورات فلزی، گلیم، کمبل و پوستینچه آفر هایی گرفته ایم که البته علاقمندی موسسات تجاری خارجی، به آثار چوبی، لاجورد و قالین افغانی بسیار قابل توجه بود. در اخیر این گفت و شنود مدیر عمومی مارگتنک وزارت تجارت گفت:

-غرفه افغانی درین نمایشگاه امسال چه از لحاظ دیکور و تزئین و چه از نگاه امتعه و صنایع مرغوب محلی، سخت تماشاایی بود و علاقمندی بازدید کنندگان باعث امیدواری ما گردیده است. وی افزود:

-تا حال امتعه و صنایع افغانی در مارگیت های جهانی طرفداران فراوانی پیدا کرده است.



شرح عکس ها از بالا به پائین

برای پوستینچه ها و پوستین های افغانی موسسات تجاری مختلفی آفر داده اند

گوشه ای از یک غرفه افغانستان در نمایشگاه برلین غربی

۱۹۶۷ دایر میگردد.

منبع افزود:

-نمایشگاه امسال تحت نام (اشتراک کنندگان ارتقاء) برگزار شده بود و در آن ۲۱ کشور آسیایی ۱۸ کشور آفریقایی و ۱۵ کشور آمریکایی لاتین، بشمول بعضی شرکت های اضلاع متحده آمریکا اشتراک ورزیده بودند.

شیاعلی امان الله نظر زی، مدیر عمومی مارگتنک وزارت تجارت که برای تدویر غرفه افغانی درین نمایشگاه، به برلین غربی رفته بود، گفت:

-بشمول افغانستان، بیش از نهصد و پنجاه موسسه تجاری پنجاه و پنج کشور در نمایشگاه امسال حصه داشتند که در میان آنها امتعه افغانستان نیز مورد دلچسپی بازدید کنندگان قرار گرفت.

می پرسیم:

-هدف از تدویر این نمایشگاه چیست؟

مدیر عمومی مارگتنک وزارت تجارت میگوید:

-نمایشگاه وارداتی برلین غربی، محلی است برای وجود آوردن تماس ها بین وارد کنندگان این نمایشگاه و کشور های اروپایی، با موسسات صادر کننده کشور های ما و با بکار به عبارت دیگر این نمایشگاه سبب بازار بایی بیشتر و تقاضای وارد کنندگان اروپایی برای مال التجاره کشور های ما و با بکار می شود. وی می افزاید:

-این نمایشگاه مختص به نمایش امتعه تجاری بخصوص نیست بلکه همه کشور های مذکور، تمام متاع صادراتی خود را به نمایش گزارده بودند. از ساحه آسیا، کشور های ترکیه، بنگله دیش، مصر، هانگ کنگ، هندوستان، اندونیز، جاپان، اردن، کوریا، لبنان، مالتا، نیپال، پاکستان، فیلیپین، سنگاپور، سیریلنکا، سوریه، تایلند، تایوان و قبرس، غرفه هایی در نمایشگاه ۱۹۷۵ - برلین غربی دایر کرده بودند.

وی علاوه میکند:

-افغانستان یک غرفه رسمی و چند غرفه از تجارت و موسسات تجاری درین نمایشگاه داشت، که بصورت عمومی در آنها، قالین،





جسد جوانی که در شاخ مقابل سرویس گیرمانده

ستوديوم ميرسد، به شدت، باریکشایی تصادم میکند، ریکشا، در زیر سینه غول پیکر سرویس در هم میریزد، مردی در میانش اسیر میماند و همراه با آهن هادر هم فشرده میشود و مرد دیگری، جوان دیگری به شاخ پیشروی سرویس گیر می افتد و از میان آهن های له شده، بیرون کشیده میشود ....

منبع می افزاید : سالتنه عراجات ولایات دیگر که به کابل می آید، موتر های جهانگردان ، وسایط ترانسپورت های بین المللی نیز، بر این ارقام باید افزوده شود ...

شاعلی میر محمد سعید واعظی آمر عمومی بررسی حادثات ترافیک کابل، ضمن تذکر حادثه تصادم سرویس و ریکشا، میگوید:

- نصب علائم و لوازم ترافیکی به ستندرد بین المللی از یکطرف و ایجاد تاسیسات ترافیکی و تلاش های پیگیر موظفان ترافیک از سوی دیگر، باعث کاهش گراف حوادث، در ماه های اخیر گردیده است .

وی می افزاید :

- در حال حاضر با وجود ازدیاد دوازده

مادرین شماره گزارشی داریم از حوادث دلغراتر ترافیکی در شهر، از طرز بررسی حادثات ، از سرعت وسایط نقلیه و گراف های حادثات ، تعداد عراجات و ....  
یک منبع مدیریت عمومی ترافیک کابل میگوید :  
- بیش از (۱۵۹۷۱) موتر شخصی تیر وفتار (۵۶۱۶) تکی، (۳۳۶۴) موتر حکومتی ، (۶۷۶) موتر موسسات ملل متحد، (۱۸۱۹) موتر خارجی ها، (۶۵۳۹) موتر لاری، (۶۸۲)

گزارش از : گل احمد زهاب نوری

# حوادث دلخراش ترافیکی

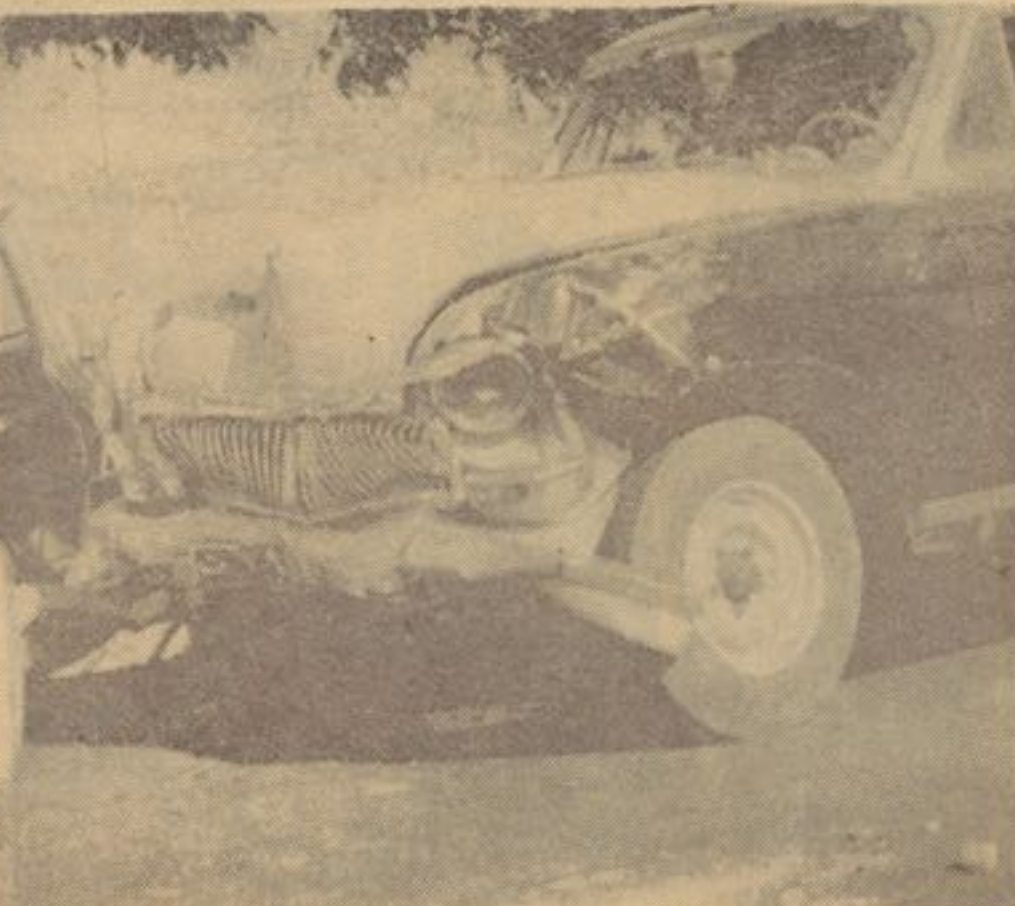
\* دو جوان در زیر عراده های سرویس هلاک شدند.

\* روزانه چهل هزار وسیله نقلیه در شهر، کابل حرکت می کند.

صبح زود است ، عقربه های ساعت ۳:۰۴ را نشان میدهد، جاده چمن حضوری خلوت است کمتر عابری به چشم میخورد، مردی به پشت فرمان موتر نشسته است، ذوق زده مینماید، پایش را بر اکسیلتر موتر می فشارد و لحظه به لحظه سرویس با جسته عظیمش، سرعت می گیرد ...

ناگاه ، در یک لحظه کوتاه، چشمان دروور برقی می زند، سیاهی بی در برابرش دیده میشود و بعد ...

در آن صبح زود، صدای در هم ریختن شیشه ها و شکستن آهن یاره ها، بلند میشود، ناله های شنیده نمیشود، به جزء غرش موتر و فریاد وحشت یکی دور و رو، دیگر صدای بلند نمیکرد... دروور تازه بخود می آید، به



واقعه ای دلخراشی که زاده بی احتیاطی درووران است.



عدم مراعات حق اولیت سبب این حادثه شده است

و استفاده از دهلیزهای ترافیکی و توجه رانندگان

به علائم و اشارات تحدید سرعت و سبقت ،

یکانه علاج موثر جلوگیری از حادثه ها است .

وی در اخیر می افزاید :

- فصل زمستان عرسال گراف حوادث را

بلند می برد، البته علت آن هم عدم استفاده

موثره از چنین لوازم زمستانی است. امیدواریم

موثر داران اعمال با ادراک و جایب اجتماعی

شان و حفظ سلامتی خود ، بکوشند تا مانع

حادثات دلغراس ترافیکی گردند .

میروند .

وی میگوید:

- ترافیک از تمام رانندگان توقع دارد ، تا

برای حفظ جان خود و دیگران، به مقررات

ترافیکی و لوازم آن، توجه کنند تا به این ترتیب

هم خود و هم شهریان خود را، از گزند حادثه

های ترافیکی در امان داشته باشند .

بنام علی واعظی علاوه میکند :

- همکاری مردم با مراعات راه های پیاده رو

می پرسم :

- به نظر شما عوامل عمده حادثات ترافیکی

چیست ؟

آمر بررسی حادثات ترافیک در پاسخ

میگوید :

- عده بی اذدوریان در گذشته، بدون

سپری کردن کورس ترافیک لایسنس گرفته

اند، عده بی هنوز آشنایی کافی به علائم

و اشارات ندارند، دسته بی به تیژ رانسی

می پردازند و گروهی هم به مقررات ترافیک

توجه بی نمی کنند، که در نتیجه سبب حادثه

های دلغراس می گردد .

وی ادامه میدهد :

- البته نواقص تخنیک عراجات کهنه ،

عدم مراعات چراغ های دیم و فول در شب ،

دور خوردن بدون اشاره در چهارراهی ها ،

سبقت جستن و حتی ضیق خود جاده ها

از عوامل مهم حادثه های ترافیکی به شمار

هزار عراده وسایط نقلیه دیگر در جریان

ترافیک و ضیق جاده ها، باز هم گراف حادثات

نشان میدهد، که گاهشی قابل ملاحظه یسی

بر حادثه های ترافیکی دوشیر ، به تناسب

سال های گذشته رخ داده است .

آمر بررسی حادثات ترافیک میگوید :

- بطور نسبی، نظریه سال های ۱۳۵۱-۱۳۵۲

در سال ۱۳۵۳ و نیمه اول سال ۱۳۵۴، در

حادثاتی که منجر به قتل میشود چهل فیصد ،

مجروریت، سی و پنج فیصد و خسارات مالی

هفده فیصد کسر و تقلیل رونما شده است.

بنام علی میرمحمد سعید واعظی ، در برابر

پرسشی راجع به طرز بررسی حادثات ترافیکی

میگوید :

- موقعی که آمریت بررسی حادثات از واقعه

ترافیکی اطلاع میابد حیات به سرعت با وسایط

نقلیه ترافیک و امبولانس ها، خود را به محل

حادثه می رسانند، البته برای پولیس ترافیک

فرقی نمیکنند ، که این حادثه در داخل شهر

رخ داده، یا بیرون از شهر و نقطه دور دستی ....

نخستین وظیفه موظفین بررسی حادثات،

انتقال مجروحین به نزدیکترین شفاخانه ها

است، سپس محل حادثه و وسایط نقلیه را ،

از لحاظ کمیت و کیفیت بررسی می نمایند ،

اخذ کروکی محل واقعه، وضع ساختمان و

موقعیت سړک به ترتیب اساسی یادداشت

می گردد، در صورت لازم عکس هایی از حادثه

تهیه می گردد، جمع آوری مدارک و دلایل الزام

و نظرات شهود حادثه نیز از فعالیت های

موظفان این آمریت است .

ترافیک انتقال مجروحین را به وسیله

امبولانس های خود، به عهده دارد، علاوه

کسانی که در جریان حادثه هلاک می شوند ،

به وسیله وسایط ترافیک به طب عدلی و سپس

تا منزل خود، یا قارب آن نقل داده میشود .

وی علاوه میکند :

- موثر های که در جریان حادثه صدمه

می بینند، توسط موثر (گرین) ترافیک، به

شهر انتقال داده میشود .

تکمیل دوسیه موضوع و ارجاع آن از طریق

خارنوالی جرایم ترافیک به محکمه اختصاصی

ترافیک جزء فعالیت های این آمریت بشمار

می رود.



سقوط موثر در ماهی پر

این کمیدی نقش های چسپیده بدیوار بیرو کراسی را نمایان می سازد. نمایشنامه که خودسخنگوی و خود سخن ساز است حمید جلیا مثل يك تابلو میدرخشد. استادیسودو کامران دو همبازی که از یکطرف نقش های خود را لمس می کنند و از جانب دیگر احساسات بینندگان را نوازش میدهند.

## میرزا قلم ها

بقلم : م. فلونیا



خورشید در یکی از صحنه های درام مرزا قلم ها

درست در لحظه مصروف تما شای فوتوهای ویرین کابل تدارک بودم ناگهانی پوستری نظرم را بخود جلب کرد که در فضای نیمه تاریک به شکل میشد خطوط کج و معوج پوستر را خواند سرانجام موفق شدم بخوانم (کمیدی مرزا قلم ها). در این پوستر که گویی همه بازیگران آن از یک قماش اند پنج عکس ویا تصویر همه عینک داران و یک تیپ به نظر میخوردند.

وقتی وارد سالون شدم یکسره فضا احترام انگیز احساس میشد هر یک از تماشاچی برویت تکت های دست داشته خود به جا هایی معینه اخذ موقع نموده بودند که این خود نشانه از یک نظم بود اخص تر اینکه نمایش پوره به ساعتیکه روی پوستر ها و پامفلت ها نقش بود آغاز گردید.

آغاز نمایشنامه با حرف ها و ژست های سی بود که بصورت مستقیم بیماری های روشنفکرانه یکی از ادارات را معرفی مینمود. این معرفی کوتاه و موقت و بظاهر ساده بیننده ها را تا حدود متناهی بسوی یک جریان پرافشاد معطوف و متوجه مینمود دیکوریشن این اتاق فقر ظاهری نداشت ولی بعضی کمبود ها ی که آنهم از ملحوظات مایه میگرد در اتاق کار آمربه نظر میخورد.

برخورد خانه سامان بایکنفر از مامورین روشنفکر که بقول خودش شامل گروه چاپلوس ها و مرزاقلم ها نیست تقریبا اكمال کنندۀ همان رابطه و تکرار همان سلسله حرف های خانه سامان است و بصورت یک کل آمیزه ایست از برخورد های فکری و عقیدوی و احساسی که در دو جانب هم فراز دارند و بعضی از علمای تیاتر شناس آنرا بعنوان اجتماع ضدین قبول کرده اند. مامور روشنفکر که تلقی و احساس و بیان متفاوت با دیگر مامورین دارد و از زندگی دیگر شخصیت های بازی که همانا (دلار و بپادر) میباشد جداست با تفاوت عمل و بیان ابعاد و پهلوهای دیگر نمایش ربه تماشاچی انتقال میدهد که این عمل در نقش خود آینه هایی را جلو قرار میدهد که هر کس می تواند بسپولت خود را در آن منعکس بیند و این خود بزرگترین برداشت و مایه نمایشنامه است که نویسنده کمال مطلوب خود را در آن خلاصه نموده است در این تصویر دو جانبه قیافه ایست از بیروکرات ها و چهره ایست از روشنفکران صادق و وظیفه شناس که بصورت تدریجی پرورش موضوع در چهار جوبه کلام سرانجام شخصیت ها و موقعیت های بازیگران را یکی در پی دیگر روشن می سازد. دایر کتر درام که بدون تردید تیاتر را خوب می شناسد و بینندگان تیاتر را خوبتر و زیباتر لهذا و بهمین دلیل خصوصیات نمایشنامه و شخصیت های بازی نمایشنامه را بخوبی در روی سن تصویر

می کند. فرم نمایش نامه اگر چه از نگاه نمایشنامه نگاری بدون حرکت و در یک کشمکش ساکن قرار دارد ولی بازم او به مهارت تمام نمایشنامه را در همین سکوت بطوری عیار نموده که بسپولت شیوه بیان و احساس بودن کیفیت نمایشنامه را مانند یک ناقل قوی در بینندگان انتقال میدهد.

در نمایشنامه مرزاقلم ها از کلیه عوامل نمایشی بصورت منظم بجا و مناسب و با دقت کار گرفته شده که موفقیت آن مرهون بازیگران خوب و دایر کشن خوب آن میباشد.

این نمایشنامه که سو مین محصول هنری امسال افغان ننداری است در نفس خود بافتی دارد صریح و قوی و محتوایی است ارزنده که فریادگر است نه فریاد رس - این فریادها تماس دارد آنهم بطور مستقیم با پسر وژه اصلاحات اداری که منبع الهام آن محیط کار و زندگی و مخصوصا محیط اداری و بعضی از چهره های بیروکرات ادارات ما است و نباید این موضوع را مربوط به پروگرام مرزاقلم های رادیو افغانستان خواند، زیرا اگر چنین باشد آمیزه ایست از اشتباهات عاجل خود ما. چه موضوع بیروکراسی و حکایت از بیروکراسی افسانه ایست قدیمی که گونه و چهره آن در نفس خود چیزی نیست که در یک حرکت ابتکاری قالب ریزی شود بلکه این گونه ایست دوزخ که در محیط زاییده می شود در محیط نمورشد میکند و نمونه های آن هر روز در برخورد با محیط، در محیط ادارات ما و در پهلوی حیات ما و کلیه ممالک روبه توسعه و حتی ممالک پیشرفته با ابعاد و تفاوت ها و موضوع ملاحظه میشود از اینرو اگر مرزاقلم ها در رادیو افغانستان ویا در نمایشنامه افغان ننداری ارزیابی و بررسی شود باین نتیجه خواهیم رسید که این سوژه درونمایه ناب و دست ناخورده ندارد بلکه سلسله و مراتبی است از رویداد ها و کج خلقی ها و کج رفتاری های عده از ماموران بیروکرات و کارکن سود چو و نفع پرست که همه گونه تلاش هارا برای وصول بهرام های شخصی و نفع پرستی های شخصی بخرچ میدهند.

در نمایشنامه مرزاقلم ها گونه و نمونه از هم جواشخصی مشاهده میشود مردی تملق پذیر و کرنش دوست و تمکین خواه بحیث آمرموسه معرفی میشود. اواز دلبری و دلربایی و سلیقه سکر ترش شادمان است از دارایی موسسه که در واقع دارایی عامه است به نفع شخصی خود و امور شخصی خود بشکل افراطی استفاده می کند. بیج زای که علاقمند است بکمال نخوت و بی تفاوتی منبهک میشود. خدمت بوطن و خدمت به مردم - وظیفه شناسی و انجام و جانب ملی و اجتماعی برایش کلمات بدون قاموس است. زورگویی و خود خواهی و خود رای و



غرور از جمله اوصاف اوست ولی درنمایشنامه این موضوع هم واضح شده که آنچه‌هایی که عامل حقیقی این همه نخوت و خود خواهی و انحراف و عدول او از دایره وظایف روزانه شده همانا خوش‌گویی و تملق‌گویی و انکسار بی حد و حصر و دوفر از مدیران اوست که بمنزله شدت و افراط در گفتار کردار حرکات و سکنات او شان مطالعه میشود.

درنمایشنامه مرزا قلم هاسیمبول و نمونه از این قماش افراد خیلی خوب ترسیم شده است این دوگرتر خاص که ارزیابی و مطالعه آن استادانه صورت گرفته بروایت نمایشنامه اشخاصی استند بنام های دلآور و بهادر که هر یک آن در واقع تیپ و نمونه مشخصی است از ردیف مرزا قلم ها که بازیگران نقش های عمده نمایشنامه محسوب میشوند. زیرا اگر این دوبازیگر در نمایشنامه موجودیت نمیداشت در نمایشنامه کشمکش خلق نمیشد و کشمکش هاسیوی نقطه اوج پیش تیرفت و سر انجام حاصل نتیجه از نمایشنامه بوجود نمی آمد.

فلذا بایک بررسی کامل میتوان گفت این دوبازیگر عاملین پیشبرد بازی در نمایشنامه استند که اسباب و وسایل کشمکش هارافراهم می‌کند و این شیوه درست تازمانی ادامه دارد که آمراسبق از کار برکنار ساخته میشود و به عوض او آمر جدید مقرر و معرفی میگردد.

آمدن یا تقرر آمر جدید کشمکش های ساکن و اجباری را تبدیل به کشمکش های باجهش و تصاعدی می‌کند و باین طریق در تم و تپج حرکت نمایشنامه دگرگونی ایجاد مینماید و تحولی پدید می‌آورد که این تحول و دگرگونی را بصورت مشخص تر تحول دراماتیکی میتوان گفت.

آمدن آمر نو یا تحول دراماتیکی در نمایشنامه مرزا قلم هابه بازیگران قماش منفی مجال بازیابی هایی را میدهد که این بازیابی ها عامل و مسبب تلاش های مذبحانه می‌شود که برای نمایشنامه با تهر و تصاعدی ولی برای بازیگران بی تهر و منفی میباشد. زیرا تلاش ها و تپش های این دوبازیگر نمونه یی که در محیط ادارات مایگانه و نادر نیست بجایی میرسد و به نقطه متمرکز میشود که میتوان نقطه اوج و اوج نتیجه کلی نمایشنامه آنرا خواند.

بقیه در صفحه ۵۶

از بالا به پائین:

حبیبه عسکر و کامران  
جلیا در نقش خود خوب درخشید.  
یسر و کامران تملق و چاپلوسی را به  
اوج رسانیده بودند.

# محمد علی کلی قهرمان سنگین وزن فرایزر

که این ورزشکار قوی الهیکل و ملیح نمیتواند  
رقص کند .

هنگامیکه علی برای مسافرت به فلپین  
جبهه مسابقه با جوفرایزر ترتیبات می گرفت  
پیتربون و نتر نهائید نیوزویک با دسته  
همراهان علی پیوست و تمام حرکات این  
قهرمان بزرگ رادر طول این مسافرت مشاهده  
کرد .

کلی برای روز عابا سخنان مخصوص خود  
وقت این نویسنده را خوش نگذاشت . شبی  
ب ساعت ۳ هنگامیکه علی نمیتوانست بخوابد  
بر اتاق بون و نتر دق الباب کرد و اصرار نمود  
تا تمام شب رابه صحبت سپری کنند .  
هنگامیکه داخل اتاق شد یک ورق کاغذ راز  
روی ماشین تایپ گرفت و در حالیکه انگشت  
خود را از زیر هر کلمه حرکت میداد گفت :  
(من از خواندن خراب هستم ! ) بعد به بالا نظر انداخت  
و گفت : (من این چیزها را خوش دارم .) او  
به سخنانی اشاره میکرد که از وی نقل قول  
شده بود . سپس گفت : (آرزو دارم خوبتر  
میتوانستم بخوانم . علم زیادی وجود دارد که  
آموخته شود . از همین جهت من سعی میورزم  
تا به اطفال خود تعلیم و تربیه خوبی بدهم .  
آنها همین اکنون لسانهایی مانند عربی و  
فرانسوی را می آموزند . این دیگر خجالت  
است که من درس را سر جهان مسافرت نموده ام  
ولی نمیتوانم با ملیون هامردمی که مرادوست  
دارند سخن گویم .)

معبدا علی حتی بدون لسان بایگانگان حرف  
می زند . اطفال را می بوسد ، مردم را آزار  
میدهد و حتی با اطفال هم صحبت میشود . وی  
در کشور افریقایی زایر بعد از اینکه بزرگترین  
پیروزی نصیبش شد ساعت عاربا اطفال  
افریقایی سپری کرد . درین ساعات ولحظات

نیول وقتی بخوبی شناخته میشود که افتخار  
نامیده شدن (علی تینس) یا (علی خیزدن)  
را کمایی نماید . حتی خود علی هم شخصی  
بهتر از خود را تصور نمی کند مخصوصا وقتی  
که در روبروی آئینه بایستد .

طرز تفکر و روش نویسندهگان هم در برابر  
علی تغییر نموده است . کنسلاان ژمانی  
بروی پوزخند می زند . بعدا پسران بلور  
وی جمع شدند ولی علی توجه بیشتر دیگران  
رانسبت بخود مطالبه میکرد : نادین اواخر  
ورزشکاران سنگین وزن بروی او آوردند .  
نورمان میلر مانند جوفرایزر بر کلی تاخت .  
ولفرید سید سعی ورزید تا از دور وی رابزانو  
در آورد ولی علی بشکلی از چنگ هر دو  
حادثه نجات یافت .

رابرت لیسایت ، ستون نویس سابق  
نیویارک تایمز در کتابیکه در آینده بنام  
(جهان سیورث) بچاپ میرساند در مورد کلی  
حرف های زیادی زده و علاوه کرده است که  
بر علاوه سمبولیزم جهانی که در علی دیده  
میشود ، وی واجد خصوصیاتیکه در دیگران  
کمتر سراغ می گردد .

معبدا در علی رمز ها و تضاد هایی بمشاهده  
میرسد . اینها با وی همراه بوده و ادامه دارند .  
علی گاهی روف و مهربان وزمانی طفلانه منش  
میشود ولی ناگهان ظالم و خشن میگردد .

با تمام کارهای شگفت انگیز و نبوغ آسای

که از خود در حلقه مسابقات چندین ملیونی  
نشان میدهد علی باز هم گاه گاهی ساده لوح

میگردد . وی به سختی میتواند بخواند . علی  
در مکالمات و صحبت ها و حرکات خود شوخی

هایی دارد . هنگامیکه در یک مجلس رقص  
جیمز برون ستاره سینمایی از علی تقاضا کرد  
تا حرکات قدم های خود را درست سازد دریافت

محمد علی کلی قهرمان سنگین وزن بوکس  
جهان هفته گذشته باز با همان غرور پیروزمندانه  
که پیوسته حین مسافرت های اخیر به زایر  
مالیزیا و جاهای دیگر از خود نشان میداد  
وارد فلپین گردید . هزاران نفر ورود وی را  
با هیله و شادمانی در مایلا جبهه مقابل  
با جوفرایزر استقبال کردند .

مردم بعدا رفتند تا دستکش های بوکس  
علی رابه بپوشند از این هم گذشته حتی در کنار  
جاده هادرتاریکی صف بستند تا کلی راز  
نزدیک حین عبور از جاده عابا ببینند .

علی مانند همیشه جمعیت های بزرگ  
مردم را دوست میداشت و از ایشان کسب  
قدرت و انرژی میکرد . وقتی که انبوه بزرگی  
از مردم رادر اطراف خود دید که بوی چشم  
دوخته اند با یک بی نفسی پرسید : (جمعیتی  
باین بزرگی) (ولی بزرگی آن نظر نکند .  
چهره هارا به ببینید .)

چهره های که بر علی نگران می شود .  
پیوسته متغیر و متحول است و شاید انعکاسی  
از تغییر کردار هانش ها و پیش آمدها نیست  
که کلی در برابر مردم از خود نشان میدهند .  
مخالفین مسلمان و پسر دبدبه علی به  
اشخاصی معقول و شتابزده جاده تبه یل  
شده اند . لبرال هایی که علی رابحث سمبول  
طرفدار سیاهپوستان و مخالف روش های جنگی  
می پروردند به اشخاص بصیر و خیر عوفی  
شده اند که میخواهند چهره واقعی کلی را  
تبارز دهند .

حتی خانم های علی که رویهمرفته قشنگ  
و سیاهپوست بوده اند اکنون از عقب اتاقها  
بیرون برآورده شده اند و جلوه نمائی میکنند .  
اطفال و نوبالغان خود را به بحث یک قوت دایمی  
در جمعیت ها پیوسته از علی بگرمی استقبال  
میکند ، انتظارش را می کشند و با عقیده عمیق  
وراسخ تاکید میکنند که وی مشهور ترین  
شخص جهان است .

کشش و جاذبه که در علی موجود است  
حاجت به تقویه زیاد ندارد . وی درین آوانیکه  
۳۳ سال از عمرش سپری میشود بعیت یک  
ورزشکار ، یک مجاهد ، یک مبلغ و یک هنرمند  
ظریفی شناخته شده که ازده سال بدینطرف  
تماشاگران زیاد در همه جهان داشته است .  
عناصر و نقش هایی که در شخصیت علی  
بالتدریج تراکم نموده وی را یک موجود  
پیچیده و منطاطیسی ساخته است .

وی بعیت مقیاس و معیاری گشته است که  
ستارگان و هنرمندان در برابر آن مقایسه  
میشوند . یک جیمی کولورز و یایک ایسول



جو فرایزر



محمد علی کلی آماده نبرد



نوکری خودت باش من نوکر قدرت خود هستم



چی گفتید؟ مشت های راست جوفرایزر؟  
امید دارم دستکم یکی از آنها را نوش جان کنم

# بو کس جهان دیگر حریفی چون ندارد

میکرد و سرانجام گفت: (وی چنان مطیع و فروتن است که همیشه علی صاحب، علی صاحب میگوید. او هر چیزی را که خواسته باشید انجام میدهند. حتی پوتیهای تانراهم از پای شما بیرون خواهند کرد. وی متعین و مهذب است.)

علی یک سلسله خصلت ها و تمایلات پول طلبی خود را غالباً از پدر خود کانس مارسیلوس کلی کسب کرده است. پدر کلی مرد ذریک هنرمند و ناامیدی بود که خواب تولیو آثار گرانبهای هنری را می زدولی در عین حال زندگی را از طریق رنگ آمیزی لوایح تأمین میکرد.

کانس کلی به پسر خود حس شجاعت و سلیقه را آموخت و بوی تلقین کرد که هیچگاه روزی را در خارج حلقه انعام و جایزه بکارگیری نکند. نتیجه این شد که علی مورد توجه طبقات متمول و مقتدر قرار گرفت.

محمدعلی بایک گروپ از همراهان سی و هشت نفری به مانیلا وارد شد. در این گروپ عناصر مختلف و متنوع گرد علی جمع شده اند. یکی از همراهان ملای دوره طفلی علی است. وی در وقتیکه طیاره حامل علی بر فراز پاسیفیک پرواز داشت از وقت استفاده کرده و یکپژار دالر برای کلیسای مربوط اعانه حاصل کرد.

سایر همراهان علی آنقدر خوش قسمت نیستند. علی نفرهای خود را علیه یکدیگر تقریباً با سلوب تکسوتین بمبارزه می اندازد و خود با نشاط و شادمانی سیل آنها میکند. باری وی حتی دو نفر از پیروان خود را مجبور ساخت تا داخل حلقه مسابقه درآیند و برای خوشی وی با هم بجنگ درآیند.

مشکل است زمانی را فراموش کرد که در کشور افریقایی زایر علی بیراهنی واریشخند و مسخره کرده یکی از موظفین د شش همراهانش با اشتیاق زیاد برایش ساخته بود. و بعد او را در حضور دیگران به سیلی زد و فطرات اشک را از چشمان وی سرازیر ساخت. حتی انجیلوندی مربی سفید پوستی که علی را کمک کرد تا در ذروه شهرت برسد، از این نوع آزارهای علی نیز در امان نماند. علی باری باین ادعای خود که وی خودش را تربیه میکند زیرا مربیون آقا یون غلام اند نیشی بر معلم خود یعنی انجیلوندی دندی حواله کرد.

ولی دندی احترام علی را نگه داشته و گفت: بقیه در صفحه ۴۸

درصد شد تا برخلاف آنچه که گفته میشد خانم لاغر اندامی را بگیرد.

اولین کسی که علی برای همسری خود وی را انتخاب نمود (سونجی روی) یادختر زیبارویی بود که قبلاً در یک میخانه خدمت می کرد. سپس با اثر فشار مسلمانان علی خانم اولی را بخاموشی رد کرد و خانم دومی یعنی ییلندا را در قید ازدواج درآورد.

ولی اکنون چنین به نظر میرسد که علی دیگر به عنعنه ازدواج پایبند نیست. هفته گذشته ییلندا در خانه خود در شیکاگو بسر می برد که ویرونیکا پورچ که بعضاً بنام (خانم دیگر) علی نامیده میشود با علی به مانیلا مسافرت کرد. هنگامیکه ییلندا در کشور زایر مواصلت کرد و خانم ویرونیکارا حاضر دید وی برآشت و روی زیبای محمدعلی کلی را پرت کرد و برای چند روز در وی نشان پرت کردن باقی ماند. مهلاً از آن وقت به بعد ویرونیکا بحیث تکمیل و مراقب چهار طفل علی قبول و پذیرفته شده است. میرمن اودیسه کلی، مادر محمد علی کلی هنوز هم برویونیکا غالمغال میکند و نگاه های تندمی اندازد.

ولی اکنون ویرونیکا در بعضی از حلقه های بالا تماماً قبول شده است و قتیکه هفته گذشته محمدعلی کلی با فردیناند مارکوس رئیس جمهور فلیپین ملاقات نمود مارکوس بوی گفت: (من خانم شما را دیدم) مقصدش ویرونیکا بود که قبلاً او را دیده بود.

در بسا مواقع در مانیلا علی بالاتر از هر چیزی که در اطرافش قرار داشت به نظر میرسید. این قهرمان سنگین وزن و رفیق زعمای جهان بزودی مورد توجه مردم قرار گرفت. در هتل هلتن، یکی از ستایش گران مالیزیایی به علی پیوسته او را در هرجادنبال



من فهمیدم که چطور همچنان جوان و چالاک بمانم راز جوانی را یافته ام

جاذبه و کشش وی باندازه افزایش می یابد که مشکل است غیر از رفت و مهربانی چهره های دیگری در وی تصور کرد.

بصورت عموم باید گفت که علی به مشت زنی مدرن حیات، شکل و وسعت داده است. کلی میگوید من معمولاً پدر خود میگفتم: (پدر روزی من چهار هزار دالر از درک سیورت درمیدین گاردن بدست خواهم آورد.) (امروز من برای آشپزهای خود چهار هزار دالر را بخشش میدهم.)

دون کنگ یکی از سیورتمین های سفید پوست امریکا در ماه گذشته دعوتی بافتخار کلی و مینیجر او عربت محمد ترتیب داد و در آن سه صد نفر را دعوت کرد.

درین دعوت کنگ پرده از صحنه موجوده حیات کلی برداشت. دعوت در شیکاگو در حویلی برگزار شد که از طرف پدر فقیده برت یعنی عالیچاه محمد بانی دسته مسلمانان سیاه بنایافته بود.

درین دعوت سفید پوستان حاضر بودند و زنان لباس های کوتاه بپوشیدند. ساز و رقص مجلس رابه شغف و شادمانی آورده بود. تا همین اواخر علی درباره تمایلش ب زنان حتی شوخی هم نمیکرده است. در نظر مردم وی بحیث یک مسلمان سرسخت شناخته شده و همه خواهش ها و تمایلات خود را وقف خانم دومی خود ییلندا کرده است.

هنگامیکه بچه بود علی را نسبت بسدوقش ب زن آزار میدادند. شوخی که در مسود وی میکردند این بود که علی زمانی را که دارای پاهای پرموی و بیروت هاباشد ترجیح میدهد. بازی یکی از مربیون وی رنجیلو دندی خنده کرده و گفت: آنچه که واقعا علی در صد آنست دختر است که از حیث جسامت و بزرگی مانند سونی ستون باشد. ولی علی



باور کنید من قلب مهربانی دارم نمی خواهم کسی را زیاد بزنم، حتی جو فرایز را



محمد علی کلی بعد از مسابقه با فرایز

# آیا هالیوود هنوز زنده هست؟



«مارلون براندو» در صحنه‌ای از «پدرخوانده» که به دست «فرانسیس فورد کوپولا» کارگردانی شده است.

استودیوهای فلپرداری از تماشاگران سطحی تبلیغات غیر موثر و ذوق غیر قابل پیش بینی مردم شکوه سر میدادند. در نتیجه، پیشگویان ناله و ندبه را آغاز کردند.

به نظر میرسید که بساط شرکت‌های (پارامونت) و (برادران وارنر) شاید هم (فوکس قرن بیستم) برچیده شده است.

جنگ‌های توانفرسا (متروگولدن میر) را تقریباً از پای انداخت، و حتی هنگامی که موسسات دیگری به کمک آمدند و سرمایه‌های شان را در شرکت‌های تولید فیلم ریختند، این کار شان چیزی نبود مگر گویندن میخ‌های بسزدرگتری بر تابوت هالیوود.

سخن از انحلال و فروش استودیو ها به میان آمد. زیرا فکر میشد که این استودیو ها بهتر است به‌مرند تازه‌نده به‌مانند. نا قوس مرگ واقعا زمانی شنیده شد که شرکت (متروگولدن میر) لباسها و افزارهای قدیمی خودش را به لیلام گذاشت. درین هنگام مردم میگفتند که اگر (متروگولدن میر) چلیپا یی را که (جودی کارلند) در فیلم (جادوگر اوز) پوشیده بود، بفروشد، دیگر کار هالیوود ساخته است.

ارزش دارایی‌های هالیوود در قیمتی‌ترین نواحی لوس آنجلس پایین آمد. نویسندگان راه لندن را پیش گرفتند. کارگردانان شانه هان شان را بالا انداختند و روبه سوی تلویزیون نهادند.

بدین‌صورت، صنعت فیلم در سال ۱۹۷۰ و ۱۹۷۱ به‌غول زمینگیری میماند که بیکسر عظیمش تلوتلو می‌خورد زیرا عاید غرقه‌های فروش تکت نمیتوانست این غول بزرگ را تغذیه کند. این روز هاروزهای سرشار از نویدی بود و تپیدن‌هایی را باخود داشت. درین دوره پدیده‌های شگفتی انگیزی در هالیوود نمودار گشت. یکی ازین پدیده‌ها، و شاید هم خنده دارترین

کمتر از بیست و پنج سال داشتند، به‌سینما علاقه‌ی نشان نمیدادند. فلم‌هایی هم که به تقلید از فلم (ایزی رایدر) ساخته شدند، نه تماشاگر یافتند و نه پذیرفته شدند. این فلم‌ها به دست پخته سالانی طرح ریزی شده بودند که تماشاگران شان را درست نمیشناختند.

مردم از فلم‌های موزیکال خسته گن، کاسیک‌های مومایی شده و فلم‌های نامناسب برای خانواده‌ها شکایت میکردند. در مقابل

نمی‌خریدند و فلم‌ها در سینما های خالی‌نمایش داده میشد. در نتیجه دسراسر اضلاع متحده دروازه های سینما هارا میبستند. استودیو های هفت سازمان بزرگ سینمایی (متروگولدن میر، برادران وارنر، فو کس قرن بیستم، کولمبیا، یونایت آرטיستس، یونیورسل و پارامونت) با کسر بودجه عظیم روبه رو بودند و شبح ورشکستگی را میدیدند. این سازمان هالفلم‌های زیاد نمایش داده نشده در اختیار داشتند که پول‌های هنگفتی روی آنها خرچ کرده بودند. ولی این فلم‌ها رابه نما یش نمیگذاشتند، زیرا میترسیدند که مبادا با تاکامی روبه رو گردند.

فلم (هلو، دالی) به روی خورده بسود. به همین‌گونه فلم‌های (استار)، (کچ - ۲۲) (گیلی گیلی) که با مصرف ملیونها دالرساخته شده بودند، با ناکامی روبه روشده بودند. فلم‌های کم خرچ نیز روی پیروزی را ندیده بودند. فلم‌های مخصوص جوانان که بازارها را بر کرده بود، تماشاگر نداشت. کسانی که

(ویلم بایر) مقالات بسیاری در باره سینما نوشته و کتابی دارد بسیار پر آوازه به نام (فلم‌های بزرگ).

برخلاف شایعات، هالیوود، کاملاً زنده است. در واقع، بسیاری از مردم بدین باوراند. که هالیوود در آستانه داخل شدن به یک (عصر طلایی) نوین آفرینندگی، حیایت و قدرت است.

با اینهم آوازه نا خوشایند مرگ هالیوود بی پایه نبود. اصلاً بهتر است بگوییم چند سال پیش هالیوود به سختی بیمار بود و این بیماری، بیماری بدی تشخیص داده شده بود. مزد ابرستارگان کاهش یافته بود، بازیگران، کارگردانان و فلمنامه نویسان بر چسته در کنار دفتر های کاریابی قطار شده بودند و کارمندان اتحادیه های تولید فلم از مزدهای خیلی کم سخن میگفتند.

نشانه اصلی این بیماری، کاهش شماره تماشاگران بود. دیگر مردم تکت سینما



لحنه حساسی از فلم «جن‌گیر». این فلم سرگذشت دختر خرد سالیست که روحش را ارواح خبیثه تسخیر کرده است. «جن‌گیر» را «ویلم فریدکن» کارگردانی کرده است. این فلم نیز از محصولات سال ۱۹۷۴ است.



پالتیوم در نقش های مختلف

سالم با مخالفت این فرضیه هالیوود روبه رو بود که فلم يك نمايش كار نيوايست و باكمك اعلان وتبليغات ميتوان مردم رابه ديدن آن نطميع كرد .

مشكل اصلي هاليوود - گذشته از ساختمان فيودالي استديوها و روشهاي كهته توليد وجود اين اندیشه بود که فروش فلم مهمتر است از ارزش خود فلم . بالاخر مردم از ديدن فلم بدخسته شده بودند . بدینصورت، صنعت سينماي امريکا که فلم پشت فلم باگاش در آمد روبه بود، سرانجام برای نجات خودش به يك نتیجه رسيد: باید ترويجش را بسر ساختن فلمهای بهتری متمرکز سازد و بگذارد که خودجنس خودش را معرفی کند تا تبلیغات. آنچه گفته شده، کلیات حوادث است . از آن به بعد، فلمها بهتر شده و واکنش مردم نیز رنگ مطلوب تری گرفته است . درحالی که چندسال پیش سينماي امريکا تصادفاً یکی دو فلم پردرآمد مسانند (داستان عاشقانه) و (فرودگاه) میداشت - فلمهایی که عده کمی واقعاً فکر میکنند که خوب اند - حالا سالانه بقیه در صفحه ۱۸

فلمهایی که در آنها کیفیت داستان ، بسازی و کارگردانی مهمتر از مصرف هنگفت و محیطی برخاشگر باشد .

به صورت فشرده ، سرانجام زمان دریافت این نکته رسیده بود که اگر لازم است مردم دوباره به سینما کشانیده شوند، باید فلمهای (خوبی) روی پرده سینما بیفتد .

این نکته که چندان انقلابی به نظر نمی رسید

چنین فلمهایی نیز نمیخواستند سه دالرشان را تسلیم کنند.

مساله نه افسرده ساختن مردم با (دیالیزم) بود و نه گریز دادن آنها بود با سرگرمی . سرانجام این اندیشه در هالیوود زاده شد که آنچه مردم رابه سینما میکشاند، تجربه ایست که مردم با آن بتوانند به جنبش در آیند . مردم فلمهایی میخواهند که از کسانی سخن گوید که مردم به آنان علاقمند هستند .



صحنه‌یی از فلم «کاباره» که هشت جایزه اکادمی را ربود.



«میا فارو» و «روبرت ریچد» در فلم «گتسی بزرگ» . این فلم از يك رومان «اسکات فیتز جرالده» اقتباس شده است.

شان، پدیدار شدن يك مدیر مالیخولیا بود. این پیرمرد مالیخولیا بایستی درازش همان رئیس استدیو بود که در داستانهای امریکایی خیلی مسخره شده است . ولی این بار اولیاس دراز میپوشید، ریش کوچک داشت، ماری جوانا استعمال میکرد و به زبان ضد فرهنگی جوانان سخن میگفت . وقتی فلمهای این آدم نتوانست پول لازم رابه دست آرد ، به زودی از اذهان ناپدید شد .

پدیده دیگری که شاید بیشتر وقت انگیز معلوم میشد، بزرگ جلوه دادن تشنجات دهه شصت بود. این کار با ساختن فلمهای به اصطلاح (مبارز) انجام میشد و غالباً عصیانهای دانشجویان را نشان میداد. در این سلسله میتوان از فلمهای (آر. پی. ام)، (باریک شدن) (بیانیة توت زمینی) و مانند اینها نام برد . اشکال اصلی در آن بود که این فلمها چندین سال از جریان عقب مانده بودند و وقتی روی پرده می آمدند، مردم علاقه شان را به موضوعات آنها از دست داده میبودند. در نتیجه این تلاش ها و تلاشهای مانند آنها که میخواست غول درحالت نزع سینما را از مردن نگه دارد، چیزی نبود مگر تعدیلهای کوچک و ضعیف حاضر. حالانکه سینما به يك انقلاب واقعی نیاز داشت . سرانجام، در پایان سال ۱۹۷۱ هالیوود نویی نمودار شد .

برای نخستین بار در طول چندین دهه پرسشهای مهمی به میان آمد و به شکل فناعت بخشی پاسخ داده شد. پیش از همه این نکته روشن گشت که برای وادار ساختن شخص به اینکه خانه اش را ترک گوید و به سینما برود، باید چیزی بخصوصی ارائه کرد.

این چیز بخصوص لازم نیست فلمهایی باشد درباره اعتیاد به مواد مخدر، سقط جنین ، افسردگی و عذاب کشیدن . این شخص که میتواند درخانه اش به صوت رایگان تلویزیون تماشا کند، برای رفتن به سینما ناگزیر بود تکت بخرد، پول پارکینگ موتر بدهد و مصارف متفرقه دیگری رابه کمر بندد. مردم همانگونه که حاضر نبودند برای تماشای لباسهای پر مصرف پول بدهند، برای دیدن



ماریا دختر ۱۴ ساله که ریچارد برتون آنرا بفر زندگی گرفته است

برتون او را فر هنگ شکسپیر لقب داده بود.

ریچارد برتون در استودیو خویش چندین اثر بر گزیده شکسپیر را که بشکل مجموعه درآمده بود داشت و این یگانه هدیه بود که الیزابت برای او داده بود... ریچارد که هر آن یادگار گرانبها و خاطره آفرین را مقابلش میدید بیشتر بیاد الیزابت می افتاد، مخصوصا که او آرزو داشت روزی یکی از آثار بلند آوازه شکسپیر روی سینمای امریکا بیاید و بس آورده شدن چنین آرزوی بدون وجود تایلور برای برتون میسر نبود.

البته هیچ کلمه شکسپیر وجود نخواهد داشت که ریچارد برتون با آن آشنایی کامل نداشته باشد و از تفسیر آن عاجز باشد و هنرمند ز مانی یک هنرمند موفق است که با تمام جملات و کلمات که در آن رول دارد وارد باشد، آنقدر کلمات شکسپیر در اعماق وجود و تار و پود برتون تأثیر

# از دواج مجدد الیزابت تایلور و ریچارد برتون

برتون لطمه وارد نماید امانه تنها اینکه به این تصمیم شوم خود پیروز نمی شود مردم ذ هنیت بدی نسبت به او پیدا کرده و این اندیشه او را غیر انسانی و نادرست خواندند. الیزابت تایلور و ریچارد که در حیات زنا شوهری و کارهای هنری شان خیلی هابا هم گرم و صمیمی بودند متار که ناگهانی آنها سروصدا های در محافل هنری ایجاد کرد و پیوسته این سوال نزد ایشان مطرح میشد که چرا دو موجود صمیمی باعث وجود آوردن این واقعه در اماتیک شده و از هم جدا گردیدند و آیا اکنون چه انگیزه سبب شده که ریچارد و الیزابت تایلور دوباره از دواج نمایند.

ریچارد برتون با لای فهم و لیاقت الیزابت تایلور بخوبی می توانست حساب کند، زن - شوهر هر دویوانه وار عاشق آثار شکسپیر بودند، از آنجا یکسره تایلور معنی اصطلاحات و کلمات و موارد استعمال آنرا یوره میداند



روابط الیزابت تایلور و ریچارد برتون ناگستنی بود

خوش بختی آندو سد واقع شود بنا همه فدا کاری و از خود گذری با وجود اینکه برتون را با تمام وجودش دوست داشت بد و زآنکه برتون را از تصمیمش آگاه سازد خموشانه بقصد خانه بیلاقی اش رهسپار گردید و از مر دایده آل اش یکسره چشم پوشید.

ریچارد قبل از (جینی بل) با یکزن یوگوسلاویایی بنا م (برنس الیزابت) طرح دوستی ریخته بود... و تایلور از همان لحظات جدا یی نیز بسان ریچارد دنبال عشق دیگری رفت و بامرد دیگری بنام (هنری وینبرگ) دوست شد.

هنری وینبرگ با دوستی این واقعیت که برتون نسبت به الیزابت خوشبینی و علاقمندی پیدا کرده سخت ناراحت شده و تصمیم گرفت که قبل از شایع شدن این خبر از آنکه (هارن فوروشی) - نماینده سینما ویا (هانی شرینگلر) نماینده مطبوعات شمر از جریان آگاه شود عقیده برتون را نسبت به تایلور عوض کند و پایه شهرت



این دو هنر پیشه معروف - سینما پس ازدو سال مفارقت بار دیگر ازدواج کردند.

در شهر هورنبرگ واقع سوئیس قصری باشکوهی که متعلق به الیزابت تایلور است جلب نظر میکند، تیاتری که درین قصر قرار دارد از تیاترهای معروف آن شهر بحساب میرود. اتفاقا دوسال قبل روزی درین تیاتر بین دو هنر پیشه معروف ریچارد برتون و الیزابت تایلور که در عین حال زن و شوهر خیلی صمیمی بودند هنگام تمرین و مشق روی یکی از نمایشنامه های بلند آوازه ویلیام شکسپیر بگو مگویی رخ میداد و چون ریچارد اضافه از حد مشروب خورده نمی تواند جلو احساساتش را بگیرد، اوضاع تیره گمی میگردد و از همان لحظه بین دو همسر باوفا و دو هنرمند سرشناس دیوار جدایی کشیده میشود.

... و مادرست دوسال بعد این دو هنر پیشه در حالیکه از کرده خویش سخت نادم اند در همین قصر بهم اظهار محبت و علاقه می کند، همینکه (جهانی ژبل) آخرین معشوقه ریچارد برتون احساس کرد که برتون بار دیگر به الیزابت تایلور متمایل شده و میخواهند به اوری بیاورد نخواست بین



### الیزا بت تایلور با ریچارد برتون

باز هم زن و شوهر باشیم و در هنر پیشه تادر دنیای هنرو تیارو سینمایاز هم غوغایی برپا کرده باشیم و ریچارد که چنین آرزوی را از خدا میخواست در حالیکه تبسم خفیفی روی لبانش نقش بسته بود سرش رابه عنوان موافقت نکلان داد.

وبدینترتیب دو زوج هممفکوره دوهنر پیشه معروف و دو شکسپیر شناس بار دیگر در کنار هم قرار میگیرند، تا کارهای هنری شانرا از سر گیرند.

عمر دوستش خواهم داشت و عاقبت روزی باز هم بهم خواهد رسیدیم (ریچارد چندی بعد از اطلاع - مریضی برای عیادتش روانه قصر (اریل) گردید، الیزابت که معلوم شد ازین مفارقت سخت دلتنگ و نادم بوده و توانسته از سیمای محبوبش اسرار درونی اش را بخواند در حالیکه صحبانه برتون را روی میز مقابلش میگذارد آهسته و شوخی آمیزد همنش را بیخ گوش برتون برده و میگوید: حاضری دوباره باهم عروسی کنیم بگذار

بخشیده بود که سحر کلمات - شکسپیر یاد تایلور را در مفکوره اش بخاطر این هماهنگی زنده ساخت، و یگانه انگیزه که پس از دوسال باعث تشویق و تمایل برتون نسبت به تایلور گردید همانا نمایشنامه (برنس) است که قبل از جدایی شان ناتمام مانده بود و هیچکس جز الیزابت قادر نبود از ایفای نقش آن موافقت بدهد. چون علاقه هنری آنان بالا تر از علایق قلبی شان بود اینبار نیز باعث پیوند آنان گردید و برتون ناگزیر خواست بهر نحوی میشود این مرز را از میان بردارد، این جاست که ریچارد درک میکند وجود الیزابت تایلور برای او زیاد اهمیت دارد تا جینی بل، و الیزابت - یوگوسلاویایی، و بهمین ملحوظ این عقیده در او نفوذ کرد که او تایلور لازم و ملزوم یکدیگرند. - تصادفا الیزابت تایلور در روم مصروف تهیه فلم (را مسی نافرمان) یک آله شیشه ای بفرق سرش افتید و شدید جراحت برداشته و به بستر افتاد، یک هفته در بستر ماند تا اینکه دکتور آن شهر روم بوسیله آلات مخصوص چندین بارچه شیشه را از فرق سر وی بیرون آوردند درینوقت شدت درد تایلور را شکنجه کرد بعدی که تایلور میترسید که رگهای اعصابش فلج نشود اما دکتوران با تزریق ادویه های لازمه و مسکن از شدت درد کاهش بعمل آوردند البته الیزابت یک هفته تمام جز آب میوه، مشروب و آب و یسکی چیز دیگری رابه لب نزد.

- الیزابت و قتی به بستر افتاد بیشتر در رویاها و تفکر آتش - سیمای برتون جان گرفت، درین لحظات احساس میکرد که قوه مرموزی اورا بسوی برتون بکشانند. برتون نیز با شنیدن جراحت الیزابت اعصابش بسرحد خورد شدن رسید زیرا او تازه درک کرده بود که تایلور همه چیزش در - زندگیت زیرا او ترسیده بود که اگر زنی که با او در تمام مساجات زندگی توافق همه جانبه و سازش کامل داشته از بین برود دیگر زندگی او از هم خواهد پاشید - گرچه نه برتون و نه الیزابت هیچکدام در برابر عشق همدیگر باوفا نماندند و پس از متار که -



«مارلون براندو» و «ماریا شتايدر» در فیلم «آخرین تانگو در پاریس». این فیلم با ملیونیا دالر درامه ریکارد «برباد رفته» افسانه‌ی راشکست.



فیلم «کاباره» به کارگردانی «باب فوسه» که هشت جایزه اکادیمی را برد، از فراورده های سال ۱۹۷۳ است

نیست. هالیوود امروز بیشتر يك كتايه است تا يك مكان. بدینمعنی كه هرجایی كه فیلم امریکایی شوت میشود، همانجا هالیوود است. یعنی نام هالیوود نه تنها به نیویارک، فلوریدا و سانفرانسیسکو صدق میکند، بلکه اسپانیای جنوبی، مراکش، یوگوسلاویا و مناطق دیگر جهان رانیز دربر میگیرد. دفتر تولید شاید هنوز هم در هالیوود باشد، و کارهای پیوندگری

صدا برداری و مانند اینها هنوز هم در هالیوود انجام شود، ولی فیلمبرداری بیرون از استودیو دیگر خیلی عام شده است. اگرچه این کار نامناسب و پرخرج است، اما جزیی از مشخصات سینمای امروزی امریکا شده است. همانگونه كه فیلمبرداری درون استودیو از مشخصات دعه قبل این سینما بود.

بقیه در صفحه ۵۶

## آیا هالیوود

پنج یانشش فیلم بزرگ و چندین فیلم متوسط با درآمد سرشار تولید میکند.

سال ۱۹۷۳ سه فیلم بزرگ به جهان عرضه کرد: (پدرخوانده)، (کارباره) و (آخرین تانگو در پاریس). هر سه فیلم با پیروزی چشمگیری روبه روشدند. (پدرخوانده) بزرگترین فیلم پولساز است که با ملیونیا دالر اضافی ریکارد (برباد رفته) افسانه یی راشکست.

سال ۱۹۷۴ نیز سال شکوفانی بود. درین سال (گتسی بزرگ)، (سریکوی)، (جن گیر) و (نیش) روی پرده آمد، اگرچه (نیش) از فراورده های پایان سال ۱۹۷۳ به شمار میرود. به همین گونه از (روزدولفین) و (آنچنانکه ما هستیم) میتوان نام برد.

صنعت سینما همواره نشیب و فراز داشته است، و این ضرب المثل در هالیوود عام بوده که يك پیروزی بزرگ ده ناکامی را در بر میآورد. وجود همین حقیقت فلمهای متوسطی را که ارزش هنری دارد، حمایت میکند.

در سال ۱۹۷۳ چارکارگردان جوان امریکایی (بایین تراز سی ساله) نمودار شدند. هر يك ازین چار کارگردان دستاورد های درخشانی عرضه کردند: (جان هنگاک) با فیلم (دهل را آهسته به صدا درآور)، (پاول لوکاس) با فیلم (علایم امریکایی) و (مارتین اسکورسیزی) با فیلم (خیابانهای خسیس) و (بریان دوپالما) با فیلم (خواهران).

ظهور چار کارگردان با استعداد با فلمهای برجسته در درازای يك سال شا هکاریست که به ندرت همانند آن دیده شده است. این رویداد نه تنها گواه خودنوسازی و حیاتیست سینمای امریکاست، بلکه از دلچسپی مجدد مردم به سینما و فلمهای کمتر تجارتي نیز حکایت میکند.

همراه با این دگرگونی اساسی که عبارت است از تاکید بر کیفیت و آفرینش فلمهای درخور علاقه مردم، هالیوود از جهات دیگری نیز تغیر کرده است. هفت سازمان بزرگ سینمایی (متروگولدن میر، برادران وارنر، کولمبیا، یونایتد آرتیستس، فوکس قرن بیستم، یونیورسال و پارامونت) دیگر تمام قدرت را در دست ندارند دیگر بازیگران با قرارداد های هفت ساله کشف نمیشوند و

پرورش نمیابند. دیگر (ساختمانهای نویسندگان) - شکنجه گاه هایی که کسانی چون (اسکات فیتزجرالد) و (ویلیام فاکنر) در آنجا ناگزیر میشدند که روح شان را در برابر پول بفروشتند - وجود ندارد.

پیوند های فیودالی درون استودیو ها نیز از میان رفته است. دیگر دیده نمیشود که کارهای پیوند گری، صدا برداری و طراحی را استعداد های ناشناخته یی در استودیو ها

انجام بدهند و جوایز اکادیمی به آمران استودیو هاتعلق بگیرد دیگر مدیران سنگدل و بیسواد در کار فلمسازان مداخله نمیکند. دیگر لابراتوار های سینمایی به کارخانه های دیترایت همانند نیست.

حالا هالیوود کوچکتر شده و سیستم مرکزیت در شرف نابود شدن است. به درجه اول،

# زنان

## وپر ابله‌های اجتماعی

روزها گذشت سالها پیهم آمدند و رفتند و قرن‌ها سپری شد مگر مردها حاضر نشدند دست از ظلم و تعدی علیه زنان بردارند و معترف گردند که زنان نیز چون مردان در اجتماع حقوق مساوی دارند و این حق ناشناسی هاست سفاکانه در ممالک کم‌رشد آسیا، افریقا و آمریکای لاتین بیشتر به مشاهده می‌رسد.

گرچه سازمان ملل متحد از نیم قرن بدینسو فعالیت‌های را غرض آزادی و حقوق مساوی زنان با مردان برانداخته و سعی و مجاهدت‌های بسیاری در راه نابرابری و مظلوم‌ستداری علیه زنان خاتمه داده و این نیمه از دیگر اجتماع که نیمه دیگر در دامان برعکس فتنه‌های پرورش می‌یابد از یوغ استعمار و استثمار رهایی‌یافته و در نتیجه تساوی حقوق زنان تأمین گردد و مسئله دیگر یکی می‌تواند کلید حل پرو بلم‌ها و مشکلات زنان در جوامع باشد اینست که بایست توجه زنان را جهت ساختمان جامعه نوین جلب نمود و شرکت فعالانه ایشان را در امور حیاتی حتمی دانست زیرا استفاده همه جانبه از کار زنان

در تولید اجتماعی یکی از شرایط آزادی اجتماعی زنان است و زما نیکه زنان در کار تولید همراه با مردان تشریک مساعی می‌نمایند آنگاه است که وضع زنان با مردان یکسان می‌شود که البته درین صورت خواسته‌ها و آرزوهای زنان خود بخود برآورده خواهد گردید.

اما با وجود این همه تو جهات سازمان‌های دیمو کراتیک و ترقی پسندان نهضت‌های زنان با زعم بیش از پیش احساس می‌شود که تبعیض پسندان در فکر آنند تا زنان را موجود طفیلی، باروش مرد و جز لوازم و اشیای غیر مؤثر منزل شمرده و زحمات مؤثریت قدرت و استعداد شگرف زن را در امور زندگی خانوادگی، فامیل و اجتماع بشری بدیده‌بی‌اعتنایی نگردانند و شخصیت برانده و خلاق او چشم ببوشند و به اساس همان مفکوره قرون وسطی و تلقیات سیاه که میراث دوران بی‌دانشی است به او به‌دیده تحقیر نگاه کنند.

اما باید اذهان نمود که در حقیقت زن محور است که خانواده، جامعه و حتی تمام بشریت در اطراف آن می‌چرخد، نقش زنان در عدایت و تعیین سرنوشت ملت‌ها اهمیت حیاتی دارد. با پیشرفت علوم و

ممالک دیگر آزادی‌های ایشان حدود روشنی ندارد و با محدودیت‌های پرو بلم‌های زیادی مواجه می‌باشند. مگر متأسفانه بشکل فور مو لته در همه جا و همه نقاط جهان چه در ممالک متمدن و چه در کشورهای روبه انکشاف از آزادی زنان نام برده می‌شود و گفته می‌شود فرصت آن رسیده تا زنان به حقوق اجتماعی و انسانی خویش نایل گردند مگر بایک عمیق نگرانی مختصری دیده می‌شود که تا اکنون هیچیک از سازمان‌های جهان موفق به چنین امری نگردیده‌اند.

اما بر زنان آگاه و پیشگامان نهضت‌های دیمو کراتیک و روشنفکران است تا بآبادی مستو لیت‌های ایمانی در یک صف قرار گیرند و برای استحکام صلح و سلم گیتی از هیچ گونه سعی و مجاهدت دریغ نورزند و برای حقوق اجتماعی و انسانی خویش که یک امر طبیعی است به مبارزه بیکس و دوامدار آغاز نمایند تا بآبادی که به پیروزی نایل گردند و هم تحت شعار انکشاف صلح و مساوات برای بلند بردن سطح آگاهی خود و هم‌توانان خود کوشیده

و درین سال بین المللی زن و تحت شعار سترگ مساوات شاهد پیروزی را در آغوش گیرند و در پناه صلح همیشگی و در سایه دیمو کراتی واقعی که ضامن همه پیروزی‌ها است زیست نمایند.

تکنالوژی دنیا با سرعت زیاده‌بیش می‌رود و به پیروی از زمان و مکان تغییر یافته، زنان نیز باید نقش دنیا میک را درین جهان بازی کنند باید یاد آور شد که برای آورده شدن اهداف و مقاصد سال پس سال المللی زنان تنها با فعالیت طبقه انات امکان پذیر نخواهد بود و برای حصول مو ثر اهداف تعیین شده شرکت فعالانه همه روشنفکران اعم از زن و مرد ضروری محسوب می‌شود تا بآبادی که در اثر تشریک مساعی و احساس مستو لیت مشترک زنان و مردان و بآبادی مستو لیت‌های اجتماعی و انسانی در نو سازی و بهسازی جوامع بشری گام‌های مفید ارزنده برداشته شده و رسالت تاریخی خویش را منجیت مشعلداران اجتماع بشری فرا موش نکرده و از هیچگونه سعی و مجاهدات دریغ نورزند.

با وجود تمام گفته‌ها و نظریات و کوشش‌های جوامع بین المللی تاکنون آزادی زنان منحیت موضوع حل نشده در اکثر ممالک جهان مطرح بحث می‌باشد و در برخی

دمنت بار ژباړه

## دمینې سوغات

دوهمه برخه

لکه چې دبانک دمدير فکر هم نه دی شوی ، هغه به پولیس ته اطلاع ورکړی وای او یا به یې په تېلفون کښې ورسره تماس نیولی وای چې زه تاسې غلا کړی يم ښاغلی ریکو زما موټر پیژنی او ګاونډیان می زما په دغه کرونده باندې خبردی او کولی شئ چې پولیس ته مستند راپورونه وړاندې کړی .

داړه مار و خندل اووه یی و پیل : په داسې خبرو باندې زړه مخوشالوه کله چې مونږ په بانک باندې حمله وکړه غیر دبانک دمدير اویو ګار کونکي ته بل سړی هلته نه ؤ مونږ هم ددوی خولې ، پټې او لاسونه ور وتړل او په میز پورې مو وتړل ، نوڅکه مونږ دا ویلې شو چې چا ستا موټر نه دی لیدلی .

سوفی ورو سوږ اسویلی وویست ځکه چې ددی ټوله امید واری یې خایه وه .

ځوانه نجلی دخوړ څو تکلیفونه وروسته دزیاتو نا آرامیو سره مخامخ شوی وه او داسې معلومیده چې خپل ته ضرورت لري نو ځکه یې زیار ایست چې په هر ترتیب وی خان بیدار او وینس وساتي خو دوی ویره ورسره مو جوده وه چې دوینستیا قدرت یې له لاسه وځي او خوب ورباندې غلبه کوونکی دی . «سوفی» دخپل سالون یوه خنده دخپل خان دناستی دپاره غوره کړی وه یو «غل» چې ددی دحالاتو خارنه به یې کوله کله به یې په دروغو سره سترګې پټولی او کله به یې «سوفی» ته کتل .

دخه مختصری غذا خخه وروسته چې «سوفی» په نازکولاسو جوړه شوی وه ددایره مارانو خیتي ډکي شوی او «سوفی» دلوتیو دپریو لڼو په چارو بخته شوه خو دا چې ورته په دغو شپو ورځو کښې یوه خطرناکه ناروغی هم پیدا شوی وه نودناروغی سره سره به یې شپې او رځې په شوګیر باندې سرته رسولی خو له بلې خوا ددایره مارانو سره هم ددی ویره وه که په روښانه ورځ «سوفی» په تعمیر کښې وگرځي نو خلک به یې پیژنی او په دی توګه به یې دقانون منګولو ته وسپاري ، خو دا چې له یوې خوا هوا ډیره توده وه نو ددی خیال نه کیده چې څوک دی په توده هوا کښې په تګ راتګ باندي دمزاحمتو نو وسیلې ځانته برابری کړی . «سوفی» چې زیات سکوت ډیره بی حوصله کړی وه زودپوه دایره مار څنګ ته ورغله او په قهرجنه لېجه یې ورته وویل :

— کولی شم چې دومره پوښتنه وکړم چې تاسې له دی ځای نه کله ځئ ؟

داړه مار خپله ستړیا وویستله او په موسکا یې ورته وویل :

هرکله چې مونږ ته ددی ډاډ پیدا شو چې کوم خطر را ته نه منو چې کپړی او دا کار هم په خپل ذات کښې زیات وخت نیسي او تاسې باید دخپلې میلمه بالنی علاقه زموږ نه کمه نه کړی که تاسې رادیو ته غوږ کښېږدی او اخبارونه ولولی نو ډیر خلک به مونږ پسې گرځي او زموږ په لټه کې

دی هغه علامې او مشخصات چې زموږ دبانک دمدير له خوا پولیس ته وړاندې شوی پټ او مبهم دی او هغوی نه شي کولی چې په دغه ارزښتوعلامو مونږ پیدا کړي داځکه چې مونږ دغلا او دایرې په وخت کښې خپل مخونه په نیلونی جرابو کښې نه باسو . سره ددی شک نه شته چې دزیاتې بی احتیاطي نه به مو هم کاراخیستی وی او مونږ کولی شو چې ستا سې موټر دځان سره واخلو او په سملاسي توګه له دغه ځایه لاړ شو او کله چې ستا دکور نه ووځو نو ښه به داوی چې ستا خوله ، لاسونه ، او پښې ټینګې وټپو او هرڅه چې درباندې راغلل راغلي به وی لکه څنګه چې مونږ ته ثابت شوه تاسې په یوازینوالي سره ژوند کول غواړی اولتر اوسه پوری مخپه مخ مراده مینه له پام نه نه ده ایستلې نو په همدغه علت داسې فکر نه کوم چې دهغه چا په یاد کښې پاتې شئ چې دهغه دبی وفایی په واسطه مو دومره زجر په ځان منلی دی .

او له بلې خوا به ګرانه وی چې ستاسې او دبانک په موضوع باندې دی څوک خبروی او یادی اطلاع پیدا کړی «سوفی» ته ثابت شوه چې هره لحظه په ویری او وار خطایی باندې زیاتوالي منځ ته راځي ددایره مار سره توضیحات ددی سبب شوی وو چې دخپل ژوند دناوېو دولو دپاره لاس په کار کړی دڅو لحظې سکوت نه وروسته دایره مار په لوړ آواز وخنډل او ویی ویل .

— پوهیږم چې څه فکر کوی او غواړم چې په دی برخه کښې خپله بزرګواری درته ښکاره کړم تاسې تر اوسه پوری زیاته میرانه اوشجاعت ښکاره کړی دی او په ما باندي میرنی خلک ډیر ګران دی که بیا ستاسې غوندې جذاب او ښکلی هم وی زه که یو غل یم خو انسانان می نه دی وژلی او له دغه عمل نه کرکه کوم که باورنه کوی نو ښه به داوی چې خپلې خبرې ثابتې کړم ، له هغه وروسته دایره مار خپل ټوپک را واخیست او «سوفی» څنګ ته ورغی سوفی ته ثابت شوه چې دژوندانه دوروستنیو شپو ورځو به سختو شرایطو کښې ولاړه وه نو خپلې سترګې یې پټې کړې همدغه لحظې وی چې ورته ثابت شوه چې دایره مار دزیاتو مؤدیو خبرو څخه کار اخلی داوولنی پر خورده نه را په دیخوا یې هغی ته د «تاسې» خطاب کړی دی خو دا ددی دلیل نه شي کیدلی چې په

زیات ادب او نزاکت کښې دی د «سوفی» دژولو قصد ونه لري . سوفی خپلې سترګې په هغه شان تپلې وی او دمرګ په انتظار کښې به یې لحظې او دقیقې شمیرلې ددوهم ځل دپاره یې ددایره مار خنده ترغوږ شوه اوسوفی ته معلومه شوه چې لیونی شوی دی سترګې یې خلاصې کړې خو دایره مار ټوپک ور وړاندې کړه او ورته یې وویل : — واخله ویره مه لره داتوپک هیڅ خطر نه لري دایوازی دکوچنیو ماشومانو دلوبو ټوپک دی چې دبانک مدیر هم ورته نه دی منو چې نه شوی .

سوفی په خلاصو سترګو باندې ټوپک ته وکتل او په چرت کښې شوه چې په دغه ټوپک باندې یې څومره اطاعتونه په ځان منلي او یایې څومره تکلیفونه په ځان کاللي دي . «سوفی» ته ثابت شوی وه چې په دغه مشکلاتو کښې یې خپل «مین» «پرتو» هم پسې هیر کړی دی دماشو مانو دټوپک نه یې سترګې پورته کړې او هغه دایره مار ته متوجه غوندې شوه چې مخامخ ورته ولاړ ؤ کله چې هغه ته هم «سوفی» نا آرامی ثابت شوه نوپه کټ کټ یې وخنډل او دو مړه یې وخنډل چې دسترګو ته یې او ښکې روانی شوی دشیبي خبرونه یې چې واوریدل نو دشیبي ډوډی یې وخوړله پولیس ته لاتر اوسه پوری ددوی پته نه وه معلومه خو یوازی ددایره مارانو هغه موټر یې چې دبانک په منځ کښې ولاړ ؤ لاس ته وروپړی ؤ چې هغه هم په تیره شپه کښې دغلو په واسطه غلا شوی ؤ چې دبانک دغلو یې پیژندنه کښې یې کوم رول نه شو لوبولی . خو لحظې وروسته «جو» دچکر وهلو دپاره دکوتی نه باغ ته ووته په دی ځل هم سوفی دځوان دایره مار سره یوازی پاتې شولسه سوفی دوخت څخه دگټې اخیستلوپه نوم دایره مارسړی ته وویل :

— ولی بانک ته خپلې پیسې بیرته نه ورکوی . ددی کار دپاره لا اوس هم وخت لري ستاسې وسله یوه دروغجنه وسله وه او زه دی ته چمتو یم چې ستاسې په ګټه شهادت ورکړم داځکه چې زما سره مو نا وړه سلوک نه دی کړی سړی خپل سر وڅو ځاوه او ویی ویل :

— په دی برخه کښې هیڅ بحث مه کوی زه دی پیسو ته احتیاجات لرم داوولنی او آخرنی واردی چې زه په غلا باندې لاس پوری کوم او یا ترینه ګټه ترلاسه کوم تاسې هم به یې

خایه توکه زما دقانع کولو دپاره هلی  
خلی مه کوی. هیڅ قدرت نه شی  
کولی چه زمانه دی پیسی واخلی یعنی  
څنگه؟

زه به دیوی بهانی نه کار واخلم  
اووه به وایم چه په دی پیسو باندی  
دخپلی زهیری مور تداوی کوم تاسی  
به دی مه راضی کیږی چه دپند او  
نصیحت له لیاری ما پدی کار راضی  
کړی زه دهر څه نه زیات په ښواوېدو  
پوهیږم خو دا چه زه هم مجبوریت  
لرم نو باید خپلو ضرورتونو ته  
ځواب ور باندی ووايم. زه په دی  
هم پوهیږم هغه پیسی زیات ارزښت  
او اهمیت لری چه په شرافتمندانه  
توکه لاس ته راغلی وی څنگه همداسی  
نه ده؟

ولی نه همداسی ده...  
دیره ښه ده په دغو پیسوباندی  
به باند نیو هیوادونو ته سفر وکړم  
او خپل راتلونکی ژوند په آسوده  
حالی او آرام زړه سرته ورسوم که  
چیری می دغه پیسی دتندی په خولیو  
لاس ته راوړی وای نو مجبور وم چه  
کالونه می رېږونه کاللی وای نوهیله  
کوم چه په دی برخه کښی راته نوری  
خبری ونه کړی.

نیمه شپه وه چه سوفی په ناڅاپی  
توکه دخوب نه را پاڅیدله داسی  
معلومیده چه کوم آوازی اوریدلی دی  
خپلی جامی پی واغوستلی او به لوڅو  
ښو باندی دزینی نه راښکته شوه  
داړه ماران په لوی سالون کښی آرام  
ویده وو «سوفی» دهغی روښنایی نه  
چه دکړکی نه سالون ته را لویدلی  
وه دجوکیو په منځ کښی راتیره شوه  
ددی احساس ورته هم پیدا شوی ؤ  
چه ددغو داړه مارانو په موجودیت  
پیا هم دنیگرمغی او امنیت احساس  
کوی او داله هغی سبب نه وو چه  
دداخلیدو دروازه نه قلفک کیدله  
کوټی ته دننوتلو په وخت کښی  
سوفی ټول خایونه لټولی وو چه  
«کلی» پیدا کړی خو په پیدا کولو پی  
نه وه بریالی شوی نو غلو به زور  
باندی دسالون دروازه خلاصه کړی  
وه او په نتیجه کښی قلف هم مات  
کړی و ښایی چه کلی دسوفی دلاس  
ته هغه وخت لویدلی وی چه داړه  
مارانو په زور موټر ته پورته کوله.  
همدغه راز به تیاره کی روانه وه او  
ښی پی به څه شی باندی و لکیده  
او له دردنه پی جیغی شروع کړی  
ښایی په گوډ حال باندی به دیوال  
لاس کښیښوده دېر ښا سوچ پی  
ومیند او جرا غونه پی روښانه کړل

«سوفی» به دی فکر کښی وه چه  
دجراغو نو په روښانولو به داړه ماران  
بیدار شی او یا خو به لږ سترگی  
خلاصی کړی خو چا دخپل ځای نه  
ټکان نه وخوړ خو کله چه سوفی  
ښه ورته متوجه شوه کوزی چه  
هیڅوک په سالون کښی نه لیدل  
کیږی وروسته پی به هغه کاغذباندی  
سترگی ونښتل چه دمیز به سر  
باندی ایښودل شوی ؤ «سوفی»  
نژدی ور غله کاغذ پی دمیز دسرنه  
راواخیست چه داسی پکښی لیکل  
شوی وو.

ما زیات جرت وواهه او په پای  
کښی دی نتیجی ته ورسیدم چه له  
دغو پیسو څخه صرف نظر نه شم  
کولی او دغه راز کار غیر ممکن دی  
او داچه تاسی زیار وویسته چه ما به  
نیکه لیاره سم کړی ستاسی نه زیات  
تشکر کوم او کور ودانی درته وایم.  
دا به ښه وی چه ته په خواړه خوبا  
ویده پی موټر درنه لاړشو.

سپارنی لحظی وی چه «سوفی»  
دموټر دغره اواز واورید خو کله  
چه ورته متوجه غوندی شوه کوزی  
چه موټر د «سوفی» دکور په لور روان  
دی. سوفی دخوښی نه په کالیو کښی

نه خایده او دا ورته ثابت وه چه ددی  
دژوندانه ستن «پرتو» ور پیسی  
سر گردانه شوی دی. سوفی ځان  
ویده وچاوه او «پرتو» خپل کړندی  
موټر ورته ددروازی په مخکښی  
ودراوه او په جیغو و هلو پی شروع  
وکره.

سوفی... پورته ښه خوب به  
دی پوره شوی وی زه همدا اوس خپل  
هیواد ته راغلی یم او غواړم چه  
درسره وگورم.

«سوفی» به چالاکی سره دزینی  
نه راښکته شوه کوزی چه «پرتو»  
ددروازی په مخکښی ولاړ دی خوداچه  
«پرتو» هم دخپلی «سوفی» په مینه  
کښی دزیدلی و نو ورته پی وویل:  
- کوره چه ستا دپلورنځی پسه  
مخکښی می څه شی پیدا کړی دی  
دا می دزنځیر نه و پیژند له چه ستا  
دکوټی کلی ده. دا ځکه چه زنځیری  
مادر ته په سوغات کښی در کړی  
ؤ لکه چه په یاد دی نه دی؟ کله چه  
می ومیند له نو سملاسی راته داسی  
فکر پیدا شو چه ته بی له کلی نه  
طاقت نه شی کولی نو ځکه می پی  
دځنم نه حرکت وکړ او ځان می درته  
راورساوه برون می کار در لوده او

درته ونه شوم رسیدلی؟  
سوفی لږزی واخیستله او دځان  
سره پی وویل که «پرتو» پروډ راغلی  
وای تو څه به ورباندی تیر شوی وای.  
رښتیا ددی نه علاوه «پرتو» پروډ  
دسوفی دپلورنځی په مخکښی څه  
کول؟ دا هغه سوال دی چه خپله

«پرتو» ځواب ورکړی دی.  
- پوهیږی... ما په تیرو باندی  
ښه څغلند فکر کړی دی او په خپلو  
اشتبا هگانو باندی وپوهیدم. زما په  
زړه کښی یوازی او یوازی د «سوفی»  
مینه پرته ده او توری مینی پکښی  
نه شی ځانیدلی رښتیا دغه ځای  
خومره آرام او هوسا ځای وی په دی  
ځای کښی که ټولی ستریا وی لیری  
کیږی نو دمیڼی او محبت دپاره هم  
دیر ښه او په زړه پوری ټاټوبی  
گرځیدلی شی زه نور قول درکوم چه  
تیری خاطری به تکراری توکه منځ  
ته نه وی راغلی اوزه او ته دواړه په  
مینه سره دژوندانه ټولو غوښتنو ته  
ځوابونه ووايو «سوفی» که په ناڅاپی  
توکه به کټ کټ باندی وځنډل نو په  
زوره زوره پی هم وژړل د «پرتو» په  
منځ باندی هم دا ښکونکی سیلاب را  
پاتی په ۴۸ مخ کی





ای به ساوینه در فلم « خانم وسگ ملوس » اثر چخوف

ترجمه : زلیخا نورانی

## هم ژور نالیست

### هم هنر پیشه

در اولین فلم قهرمان یکی از داستان های چخوف و در فلم دیگر خواهر چخوف بود



چخوف تهیه شده بود، گرچه ای به ساوینه یک هنرمند پرورش نداشت نبود اما از عهده نقش مشکلی که درین فلم به عهده اش گذاشته شده بود چنان موفقانه بدر شده که توانست توجه عمیق بیننده ها و بخصوص رؤسای رابخود جلب نماید، درین زمان (پانزده سال قبل از امروز) وی در یوهنتون ماسکو مصروف تحصیل در رشته ژورنالیسم بود. ارتباطش با هنرداران زمان فقط ایفای نقش های کوچکی بود در نمایشنامه های تئاتر آماتور محصلین رولان بیکوف رؤسای معروف اتحاد شوروی در همین تئاتر محصلان به استعداد ای به ساوینه پی برد، زیرا سرپرستی آن تئاتر کوچک را در پهلوی سایر مشاغل خود به عهده داشت.

ای به ساوینه بصورت خیلی تصادفی با الکسی بتالوف (هیروی فلم لك لك هاپرواز میکنند) و رؤسای معروف «فمارباز» اثر «داستایوفسکی» آشنا شد.

اتفاقا «خفیتسه» رؤسای که میخواست از روی داستان چخوف (خانم وسگ ملوس) فلمی بسازد دنبال هنر پیشه ای برای ایفای نقش (آنا سرگی وینا) میگشت.

بتالوف به رؤسای مذکور پیشنهاد کرد تا وی این نقش را برای ای به ساوینه بدهد. این نقش را ای به ساوینه گرفت و در نتیجه ثابت شد که بتالوف و رؤسای فلم قطعا در انتخاب خود اشتباه نکرده اند.

استقبال گرم تماشاگران و تبصره های مساعد منتقدین فلم باعث آن گردید که اجرای نقش در یک فلم دیگر از آثار داستایوفسکی (گنهار) بسوی پیشنهاد شود.

در فلم سوم نقش خواهر چخوف را در فلم (سوژه برای يك داستان كوچك)، و در فلم (آنا کارنینا) نیز نقش را بازی می نماید.

درین اواخر ای به ساوینه در نقش يك جراح ظاهر میگردد. این کرکتر رانیز ساوینه موفقانه تبارز میدهد و دلچسپی علاقمندان سینما را نسبت بخود دوبرابر میسازد.

گرچه درین پانزده سال ساوینه نقش های زیادی را بازی نکرده است ولی قدرت هنری او چنان ویرا بر زبانها انداخته که شهرتی نظیر معر و فترین هنرمندان سینمای شوروی بهم زده است. یکی از منتقدین دوباره وی نوشته است: (ای به ساوینه ممکن است برای اجرای هرگونه نقش مساعد باشد و بتواند کرکتر های مختلف را تمثیل نماید، ولی وی تا حال بیشتر نقش زنان پاك لطیف و بی دفاع را بازی کرده و در همین تیپ چنان موفق بوده است که تماشاگر را دچار شکفتی نموده و خود را بیعت هنرمند ایده آل مردم در دل عاجا داده است.)

ای به ساوینه به اثر پیشنهاد بتالوف در فلمی که از روی يك داستان چخوف تهیه میگردید نقش را بازی کرد، همین او لین گام اوبا موفقیت توام بود و بسوی شهرت رهسپارش کرد.

# زن محبوب؛ لطیف، بی دفاع و کم حرف؛ کرکتر ایدال ای به ساوینه

در فیلم (خانم و سگش) وی زنی است طناز  
خجالتی، خاموش و زودرنج.

در فیلم (آناکارینینا) ای به ساوینه در نقش  
(دالی) ظاهر میشود، در نقش یک زن خانه دار  
و مشوش که همیشه بخاطر فرزندان خود در  
هراس دائمی بسر می برد. این زن در پهلوی  
سایر مشکلات خود رنجی دارد از شوهری  
که بوی خیانت میوزد.

در نقش (ماریا پولوا) خواهر چخوف در فیلم  
(سوژه برای داستان کوچک) کرکتر خواهر  
چخوف را هنرمندانه تبارز داد.

ماریا پولوا خواهر فداکاری بود که زندگی  
خود را وقف برادر نویسنده اش نموده بود.  
ای به ساوینه در فیلم (خوشبختی آسیه)  
نقش آسیه را بازی میکرد. آسیه دختر زیبا  
و پاکدلی است که باتمام قدرت خود عاشق  
میشود، دوست میداشته باشد ولی به معشوق  
نمیرسد.

بالاخره میتوان گفت که ای به ساوینه تمام  
نقش هایش را خیلی طبیعی و هنرمندانه بازی  
نموده است.

ای به ساوینه معتقد است که هر هنرمند بایست  
با وجدان پاک در خدمت مردم باشد و همیشه  
دنبال حقیقت بگردد. مفید بودن یک حقیقت  
است و همیشه این حقیقت را بایست جست.  
انسان خوب کسی است که صبر و حوصله داشته  
باشد، ببخشد و بداند که بدون عشق زندگی  
کردن ناممکن است.

ساوینه و تیاتر:

فعالیت هنری ساوینه به سینما محدود  
نمانده عشق و علاقه اصلی او بازی در تیاتر  
است او از چند سال به اینطرف در تیاتر  
(موس سویت) بصفت هنرپیشه کار می کند.  
در نمایشنامه ای که از روی داستان (مجازات  
و مکافات) داستایوفسکی در تیاتر مذکور تهیه  
و بصحنه گذارده شده است ای به ساوینه نقش  
(سونیا مارملادوا) را بازی مینماید در نمایشنامه  
(وجدان) وی نقش (والیا) را با موفقیت چشمگیری  
ایفا نمود.

در درام (مس سرویچ) اثر باتریک در  
نقش (فری) ظاهر شد.

ای به ساوینه با وجودیکه بیشتر اوقات  
خود را در سینما و تیاتر میگذراند به هیچوجه  
شغل اصلی خود (خبرنگاری) را فراموش نکرده  
و گاهیگاهی به نوشتن مقالات برای روزنامهها  
می پردازد و در نمایشنامه های تلو یز یونی  
بحیث رژیسور کار میکند.

چون این هنرمند ورزیده در یک لامپیل  
بر جمعیت و دهقان دنیا آمده تواضع و بردباری  
خصوصیتی است که از زمان کودکی در نهادش  
سرشته شده است.



ای به ساوینه در عکس با لا با  
الکسی بتالوف در فیلم « خانم و سگ  
ملوس»  
در عکس وسط در نقش خواهر  
چخوف  
و در عکس پائین در نقش سوینا  
مارملادوا دیده میشود.

## هدایات ارزنده

اگر میخواهید ساسچ را بدون پوستش بخورید برای جدا کردن پوست آن ناراحت نباشید. بهترین روش برای جدا کردن پوست ساسچ اینست که آنها را در دستمال مرطوب پیچانده مدت پانزده بیست دقیقه بگذارید پوست آن پس از این مدت به آسانی جدا میشود.

برای شب مهمان دارید و این مهمان عزیز غذای کم نمک میخورد درحالیکه شما نمک دیگ را کمی هم بیشتر نموده اید. چاره چیست؟

دست و پاچه نشوید. یک کچالو واپوست گرفته به ورقه هابرید و در غذا پیاندازید و مدتی بگذارید بجوشد تا نمک اضافی را جذب کند.

جذب و یا ذخیره گردد رفع میشود. ویتامین آ:

ویتامین (آ) یکی از عوامل موثر بینایی است. این ویتامین بافتهای پوششی (قرنیه، مخصوصاً شبکیه) چشم را محافظت مینماید.

این ویتامین عامل رشد سلولهاست و در لطافت و شادابی جلد فوق العاده موثر میباشد. کمبود این ویتامین باعث میگردد تا پوست طراوت و تازگی خود را از دست داده زخمی و درشت گردد. برعلاوه کمی این ویتامین در بدن، عوارض دیگری را نیز بار می آورد.

مثلاً تولید سنگ مثانه، دیر جوش خوردن زخم عضوی از بدن، کم شدن نور چشم و امثال اینها از کمبود این ویتامین در ماشین جسم است.

چکر، روغن ماهی، کشمش، پالک، کاهو، زردک، کاسنی، زردآلو، بادنجان رومی، پوست اکترمیوه های رسیده، مرغ سرخ تازه، چربی های حیوانی مثل مسکه، سرشیر، قیماق و زردی تخم مرغ از منابع سرشار این ویتامین میباشند.



# زندگی امروز



## بروز و اتفاقات تراژیدی به هر یک ما از امکان بعید نمی نماید

\* حوادث و اتفاقات ناگوار طبیعی و قسطنطنیه نمی شناسد. ناگهانی بروز می کند، هردی را خواست میکوبد و هر محلی را بغواهدتیه میسازد.

\* موسسات و مراکز خیریه خود را مجبور و موظف میدانند تا در چنین مواقع و بروز همچو واقعات تراژیدی به کمک و یاری مصیبت دیدگان بشتابند.

بشر با وجود این همه پیشرفت و انکشاف

روزافزونی که در قسمت سیانس و تکنولوژی نصیبش شده تا هنوز نتوانسته از مصائب و بلاهای ناگهانی طبیعی که عایدش میگردد جلوگیری کند و هزاران هم نوع و برادر مصیبت دیده خویش را از کام آن برهاند و بدیارات برساند.

بلا مصیبت بی خبر و ناگهانی آمده در منطقه یا مناطقی کمین میکند و در یک چشم برهم زدن تعداد کثیری مردم را بی خانمان میسازد. در گوشه ای زلزله قدم می نهد، زمین چون ازدهای بی سروپا دهن میگشاید و زندگی تعدادی را میبلعد و تعدادی را هم به خاک و تباهی میکشاند.

توفان نقطه دیگری را انتخاب مینماید، مردم را ناگهانی غافل گیر میکند، خانه هارا ویران میسازد، تهاول و درختی باقی نمیگذارد و با سرعت سرسام آورش عده بیشمار را بیچاره و آواره مینماید.

خشیم و غضب سیلاب نیز کم از آنها نیست. سیلاب نیز با آواز مهیت و بوی زننده اش غرشکنان و موج زنان با سرعتی چون بسوق نواحی مورد نظرش ربه نابودی دعوت میکند. دستگیری نماید.

موسسات و مراکز خیریه در اکثر ممالک این حوادث همه نوری و ناگهانی آمده و با

## آیا ترس ذاتی است؟

- \* امروز این دیگر ثابت شده است که احساس ترس در هر فردی نهفته است و اگر شخص ادعا کند از هیچ امری نمی هراسد، ادعایش دروغی بیش نیست .
- \* ترس بجاوبه موقع نه تنها بی مسورد نیست بلکه مفید هم است .
- \* احساس ترس دیگر از حد معمولی بگذرد ریشه روانی دارد .

وقتی طفلی تازه پایه جهان میگذارد و ترس باخود همراه دارد، یکی ترس از افتادن و آن دیگری ترس از صداهای ناگهانی ، ناانتهجار و بلند. اینها مواردی اند که ترس ذاتی انسان را تشکیل میدهند. ترس های گوناگون دیگری که در آدمی ایجاد میشود همه اکتسابی است که در طول عمر و در سالهای پس از تولد بتدریج بوسیله حوادث مختلف بر انسان مستولی میگردد .

ترس از تنهایی ، ترس از تاریکی، ترس از حیوانات ، ترس از خزندگان و خلاصه همه ترس هایی که انسان دارند آن است هیچکدام ذاتی نبوده، بلکه ترس هایی اند که طفل از محیط می آموزد و توسط والدین و اطرافیان به کودک تفهیم میگردد .

## بخش آشپزی



### خوراک زبان بادنجان رومی

#### مواد لازم برای چار نفر :

یک عدد زبان گوساله ، نیم کیلو بادنجان رومی، یک عدد پیاز بزرگ، یک عدد زردک دو قاشق بزرگ آرد، گشنیز، مرچ و نمک به قدر ضرورت ، مقداری هم روغن .

#### طرز تهیه :

زبان را در دیگ محتوای آب و نمک بخار دهید تا خوب نرم گردد. بادنجان ها را از ماشین گوشت بکشید. روغن را در ظرفی بالای آتش داغ کنید و آرد را با آن اضافه کرده شور دهید. آب بادنجان رومی را که قبلاً آماده کرده اید

با آن افزوده بگذارید بجوشد ، گشنیز، زردک و پیاز ریزه شده را در طرف جداگانه محتوای آب و نمک بپزید وقتی نرم شد ساس بادنجان رومی را که قبلاً آماده شده با آن افزوده با زهم کمی بجوشانید . زبان را پوست گرفته به ورقه های نازک ببرید و با ساس مخلوط کرده در دیش بریزید .

### خوراک زبان با سبزیجات

#### مواد لازم :

یک عدد زبان گوساله، چار عدد پیاز متوسط ، ۲۵۰ گرم زردک ، ۲۵۰ گرم کچالو، یک دسته نوش پیاز ، یک دسته کوچک نعنا.



این مدل ها از آخرین مدها و مخصوص این فصل است. اگر ضرورت داشته باشید میتوانید همانند آنها بدوزید.

## راز هفت رنگ خورشید و تاثیرات آن

طوریکه میدانیم آفتاب اشعه رنگین دارد و بطور کلی دارای هفت رنگ است . هرگاه منشوری را مقابل نور آفتاب گیرید این رنگینی را بخوبی مشاهده میکنید هر کدام از این رنگها رازی دارند مثلاً :

رنگ سرخ نور آفتاب ، محرك اعصاب است . لذا این نور سرخ رنگ در معالجه اشخاصیکه به فقر الدم یا کم خونی مبتلا هستند مفید است ولی برای اشخاص الکولی و پر خون فوق العاده مضر میباشد . آنقدر مضر که ممکن است آنها را به خود کشی وا دارد. همچنان این رنگ گذشته از آنکه سر درد آور طرز پخت :

زبان گوساله را در آب محتوای کمی پیاز، نوش پیاز، نعنا و زردک بپزید تا نرم گردد . زردک ها و کچالو ها را جوش دهید و پوست گرفته حلقه حلقه کنید. پیاز های باقی مانده را در روغن داغ سرخ کنید و زردک و کچالو جوش داده شده را بالای آن اضافه کنید بگذارید بریان گردد. سپس زبان نرم شده را پوست گرفته به ورقه ها ببرید و بالای آن بپزینید . بعد از چند دقیقه غذا آماده است .

بروز نموده اند اما وحشت ناکترین حادثه ای که بشر نظیر آنرا تاکنون ندیده است - امروز آتشفشا نیست که در جزیره (کراکتوا) در انتهای غربی جاوا بوقوع پیوسته، این واقعه دلخراش را چنین تعریف کرده اند:

در سال (۱۸۷۷) آتش فشان (کراکتوا) بعد از دو صد سال خاموشی اعلام کرد که پس از دو روز فوران خواهد کرد زیرا آوازهای مویی از آن بگوش اهالی جزیره کراکتوا میرسید. اما هیچ کس گمان نمی کرد که فوران آن یکی از شدیدترین فوران های تاریخ خواهد بود. آواز های دلخراش آتش فشان مدت پنج سال دوام کرد و بالاخره در شب ۲۶ اگست (۱۸۸۳) فوران های عظیم و وحشتناک که آواز آن از مسافت سه هزار میلی به گوش میرسید پشت سر هم صورت گرفت، سنگ های بزرگ، سنگچل ها و خاک به ارتفاع بیست میل به هوا پرتاب میگردد، به قدری مقدار خاک و سنگریزه ها فراوان بود که حتی صد میل اطراف جزیره کراکتوا به گورستان تاریکی مبدل گشته بود. وحشت همه جا را فرا گرفته بود قریه های یکی بعد دیگری نابود میشدند. انسان ها مانند پارچه آهنی در کوره ذوب جان شانرا از دست میدادند. سر انجام این آتش فشان تباه کن بعد از ۳۶ ساعت فعالیت روبرو خاموشی گذاشت اما چیزی که از خود بجا گذاشت از بین رفتن سه صد قریه و نابود شدن (۳۵۰۰۰) انسان بود.

آتش فشانیها فعالیت همیشگی ندارند ازینرو آنها را به سه نوع تقسیم می نمایند: آتش فشانیهای فعال، آتش فشانیهای خوابیده و آتش فشانیهای خاموش. در قسمت آتش فشان های خاموش باید گفت که اکثر آتشفشانها رخ میدهد طوری که فکر میشود آتش فشان بکلی خاموش گردیده و دیگر حادثه بروز نخواهد کرد اما بعضا دیده شده که این گونه آتش فشانیها فوران های مجدد و شدیدی بار آورده اند. ناگفته نباید گذاشت که مواد مذابه محصول آتشفشانها بنام لایا یا می شود. لایا به نظریه خصوصیات لایا آتش فشانیها را به سه کتوری تقسیم می نمایند. کتوری لایایی کتوری گازی و انفلاقی و کتوری مخلوط. در کتوری لایایی رول مهم رالوای مایع بازی میکند این کتوری به نوبه خود به سه نوع دیگر تقسیم میشود:

ساحه ای که تاکنون حادثه از این نوع دیده نشده. نوع دوم آن درزی میباشد که در سال (۱۷۸۳) در سکا پتر واقع ایسلند حادثه ای از نوع فوق بوقوع پیوست. نوع سوم آن بنام هاوایی یاد میشود که مخصوص جزایر هاوایی در منطقه بنام (گیلاوا) میباشد. حادثات آتش فشانی مربوط کتوری گازی و انفلاقی تاکنون در چندین منطقه کره زمین بوقوع پیوسته چنانچه در سال (۱۸۸۳) در اندونزی، در همین سال در جاپان، در سال



آتش فشان که از بالای طیاره عکاسی شده است

تبع و نگارش از:

میر صفر علی (دماوند)

# آتش فشان

## جزیره بوگوسلاو در آمریکا

### از بروز آتشفشان زاده شد

هرگاه سنگ های که بالای این گودال ها قرار دارند در اثر کدام عوامل درز و یا شکستگی پیدا نمایند اینجاست که مواد مذاب و سنگ های آتشین به فشار زیاد توام با لرزه ها به بیرون پرتاب میگردند که باعث فروان آتشفشانها بر روی زمین میشوند پرتاب نمودن مواد فروزان و آتشین گازاتی که در مواد مذاب قرار دارند کمک زیادی مینمایند. این گازات ترکیبی از گازات مختلف میباشد. موادی که توسط فوران آتش فشان به سطح

یکی از حادثات طبیعی که انسانهای ادوار مختلف خاموش فراموشی ناشدنی از آن دارند بروز آتشفشانهاست.

حال باید دانست که فوران های آتشفشان چگونه بوجود می آید: طوری که همه میدانند در تحت فشار زمین مواد نسبت حرارت فوق العاده زیاد بحالت مذاب و آتشین قرار دارند که گودال های بزرگ آتشین را تشکیل میدهند،



حلقه آتش فشانی در کره زمین آتشفشانی جاپان می باشد.

الکاهل از قسمت وسطی بحرالطلس گذشته آتش فشانیهای فعال آن در جزایر واقع اند که

در شمال از جزایر یان ماین شروع و از جزایر آیسلند، آئروز، پیکو، مادیر گذشته و به جنوب امتداد دارد.

تعداد آتشفشانیهای فعال حلقه اطلس (۷۹) میباشد.

علاوه بر آتش فشانیهای سه حلقه فوق الذکر یک تعداد زیاد آتش فشانیهای فعال و خاموش در افریقا (مدگاسکر)، استرالیا، هندوستان و جزایر وجود دارد.

در وطن عزیز ما آتش فشانیهای فعال وجود ندارد اما آتش فشانیهای خاموش زیادند.

آتش فشانیهای وطن مادر غرب شپور غزنوی، دشت ناور، در نزدیکی هلمند در محلی بنام خان نشین و همچنین در حصص جنوبی هشت تاده آتشفشان که جوانترین آن در پسابند است موقعیت دارد.

رادر بر میگردد و بالاخره حلقه دوباره به جزیره نمای کمچکا ختم میشود.

حلقه دیگر آتش فشانی در کره زمین حلقه آتشفشانی مدیترانه - اندونیزیا می باشد.

امتداد این حلقه به جهت شمال غرب یعنی از نزدیکی استرالیا شروع تا بحرالطلس میرسد.

آتش فشانیهای فعال در دو انجام انتهایی آن واقع است. مثلا در جزایر اندونیزیا (جاوا و سوماترا) آتشفشان بزرگ (کره کتاو) وجود دارد.

باید خاطر نشان کرد که در اندونیزیا (۱۲۳) آتشفشان قاره یی و پنج آتش فشان تحت البحری و در اطراف مدیترانه (۱۳) آتشفشان قاره یی و پنج آتشفشان تحت البحری

موقعیت دارد. امتداد حلقه آتشفشانی مدیترانه - اندونیزیا رادر امریکای وسطی حلقه آتشفشانی بحرالکاهل قطع میکند.

تمام آتشفشانیهای این حلقه به (۱۷۵) میرسد. سومین حلقه آتشفشانی حلقه آتشفشانی

بحر اطلس میباشد که برخلاف حلقه بحر

زمین خارج میشود و بالاخره در دوره سوم که بنام (پوست و لکانیکی) یاد میشود خروج لایه های گردیده معرا و درز های فرعی گازات بخارات و بعضی اوقات جریان آب گرم صورت میگیرد.

گازانیکه بعد از عمل آتش فشان خارج میشوند بنام (فومارول) یاد میکنند که عموما فومارول هارا چار نوع میدانند:

فومارول خشک که فاقد و یاد دارای کمی بخارات آب بوده در ترکیب خود سودیم، پتاسیم منکان، مس و فلور را داراست.

فومارول تیزابی که تیزاب گوگرد و بخارات آب شامل آن میباشد. فومارول های قلیوی و آمونیاک دار که اکثر اوقات در ترکیب آن آمونیاک، هایدروجن سلفاید و بخارات آب شامل اند.

نوع چهارم فومارول هارا بنام فومارول سرد که درجه حرارت باینتر از صدم درجه سانتیگراد داشته و دارای سلفر و گاز کاربونیکی است یاد میکنند.

جریانهای آبهای گرم بعد از فعالیت آتش فشانها بقسم چشمه ها خارج میشوند که خروج مسلسل ویا وقفوی دارا بوده و وقفه آنها بطور عموم پنج تاده دقیقه رادر بر میگیرد. این جریانها در ترکیب خود نمک های کلسیم منکان و کاربونات رادارند.

در جهان پهنای یک تاده کی میکنیم تا بحال ۲۵۰۰۰

عمل آتش فشانی صورت گرفته است که (۸۳) آن تحت البحری و باقی قاره یی بوده.

مراکز آتش فشانی در کره زمین مساویانه تقسیم نشده، اکثریت آتش فشانیها در سواحل

ابحار و جزایر موقعیت دارند. در براعظم عاتش فشانیهای فعال به ندرت دیده شده

حتی در براعظم استرالیا هیچ وجود ندارد، در آسیا و اروپا فقط در سواحل بحیره مدیترانه

و جزیره نمای کمچکا، در امریکای شمالی و جنوبی در سواحل بحر الکاهل و در افریقا

نزدیک به منشاء دریانیل تعدادی از آتش فشانیها موقعیت دارند.

اگر ما بطور عموم آتش فشانیهای کره زمین را مطالعه نماییم در میابیم که سه حلقه

آتش فشانی در این کره خاکی فعالیت داشته و یاد دارند.

یکی از این حلقه ها حلقه آتشفشانی بحرالکاهل است که امتداد این حلقه در سواحل غربی

بحر الکاهل یعنی کمچکا، جزایر کوریل و جزایر جاپان میباشد. جنوب این حلقه بدو

قسمت جدا میشود حصه شرقی آن مشتمل از جزایر بونین، ولکانو، هارنیک و قسمت غربی

آرا جزایر یوکیو، تایوان و جزایر فلیپین در بردارد. در شرق استرالیا حلقه بطرف جنوب

امتداد داشته از جزایر شاتلند جنوبی به راس جنوبی امریکای جنوبی رسیده سواحل غربی

امریکای جنوبی، وسطی و امریکای شمالی

(۱۹۰۲) در جزایر انتیل کوچک واقع امریکای مرکز و بالاخره در سال (۱۹۱۳) در (الاسکا) دیده شده است.

بروز آتش فشانیهای کتگوری مغلوط که در آن لایه های مایع، گازات و مواد جامد حصه دارند چندین بار در ایتالیا صورت گرفته که آتش فشان سپر (پومپی) ایتالیا نیز از همین کتگوری بود.

تا حال بحث مادر باره آتش فشانیهای بود که در خشکه بوقوع می پیوند باید علاوه کرد

که آتش فشانیهای تحت البحری نیز وجود دارد که محصولات آنها بروی سطح ابحار

مقدار زیاد سنگ پاو خاکستر و لکانیکی و در عمق بحر لایه های مایع میباشد. وقوع آتش

فشانیهای تحت البحری توام با گازات و انفلاطات صورت میگیرد و باعث تشکیل امواجی در روی

بحر میشوند که بنام (سونامی) یاد میشود. یکی از حادثات دیگر تاریخی پیداشدن

جزیره است که علت بوجود آمدن آن وقوع آتش فشان تحت البحری بود. بلی درست

(۱۵۴) سال قبل از امروز بومیان جزیره (اونه لاسکا) که یکی از جزایر میان الاسکا

و آسیای شمالی است. متوجه غیاری روی آب شدند که در چهل میلی جزیره مذکور قرار

داشت. این غبار حتی در روز های آفتابی نیز از بین نمی رفت، سرانجام یکی از بومیان

و ادان برین شده که به محل مذکور رفته علت را معلوم نماید.

این شخص بعد از برگشت در حالیکه احساس وحشت می کرد خبر داد که در یاد در حدود

غبار می جوشد و غبار ابر مانند که همیشه در آن منطقه وجود دارد همانا بخار است که از روی

آب جوشان بر می خیزد.

چند هفته بعد ازین خبر آواز دلخراشی همراه باتکان های شدید زلزله و باریدن ذرات خورد

و بزرگ به ارتفاع خیلی زیاد بومیان اونه لاسکا رابه هراس در آورد بومیان متوجه شدند که

همه این اتفاقات از منطقه ایست که غبار در آنجا مشاهده شده بود. بلی در این قسمت

آتشفشان تحت البحری در فوران بود. پس از توقف و ریزش ذرات گردو خاک در ناحیه

آتشفشانی بومیان اونه لاسکا با تعجب و وحشت جزیره جدید تشکیل که شکل

بیشوی راداشت دیدند.

عجیب است فوران آتش فشان زمینی تازه رابه وجود آورده بوده که بعدها این جزیره

تازه را بنام بوگوسلاو یاد کردند. که اکنون هم همین اسم رادارد.

بطور عموم در مرحله آتشفشانیات چند سیکل جداگانه صورت میگیرد که این دوران هانسیب

به وقت یکسان نبوده از چندین سال تاده ها سال رادر بر دارد.

در دوره ابتدائی لاوا از مخزن بلند رفته و گازات خارج میشوند. در دوره دوم لاوا به سطح



مدل اولین خانه که با انرژی آفتاب گرم میشود

حبیب الله حبیب فرهمند

## اولین خانه که با انرژی آفتاب گرم می شود

در بهار سال ۱۹۷۵، اولین خانه که با انرژی آفتاب گرم میشود در شهر آخن جمهوری فدرالی آلمان ساخته شده است. این خانه دارای مساحت ۱۲۰ مترمربع بوده و متعارف آن به ۸٫۹ میلیون مارک میرسد. هانس نات، هوور وزیر تحقیقات علمی و تحقیکی آلمان غربی درین گفت که تولید برق بانور و حرارت آفتاب امروز، ممکن است اما از لحاظ اقتصادی، آنقدر مفید نیست. اگرچه در پرواز های کیهانی، تولید برق، بانور و حرارت آفتاب، احتیاج سفینه های کیهانی را رفع می کند اما اگر بخواهیم در آلمان، از نور و حرارت آفتاب، برق تولید نماییم، قیمت هر یک کیلووات برق آفتابی سه هزار مرتبه بلند خواهد بود که امروز یک خانواده برای یک کیلووات برق می پردازد. از جانب دیگر در آلمان غربی، هر سال، بطور اوسط مدت شش ماه، آسمان از ابر پوشیده می باشد یا ابری و آفتابی است و زمانی که آفتاب در عقب ابرها پنهان باشد، نمیتوان از نور و حرارت آن بقدر کافی برای تولید برق بوسیله بطری های آفتابی، استفاده کرد بنابراین بعوض آن در آلمان خانه هایی را که در فصل زمستان بانور و حرارت آفتاب گرم شود، ایجاد می نمایند. نور و حرارت آفتاب را از شیشه یا پلاستیک عبور میدهند و یک صفحه المونیم منعکس نموده و در بین صفحه و پلاستیک تل آبی را جریان میدهند که تل مذکور خانه را گرم می سازد.

احصائیه نشان میدهد از ماه اپریل تا اکتوبر ۹۵ فیصد برقی که در منازل به مصرف میرسد برای گرم کردن، سرد نمودن و آب گرم بکار میرود. در دسامبر و جنوری ۲۰ تا ۲۶ فیصد و در مارچ ۸۶ فیصد. بنابراین ساختن خانه هایی

استفاده از انرژی آفتاب سابقه طولانی دارد. نور و حرارت آفتاب کره زمین را گرم می سازد در عملیه تنفس و غذای نباتات رول پس عمده

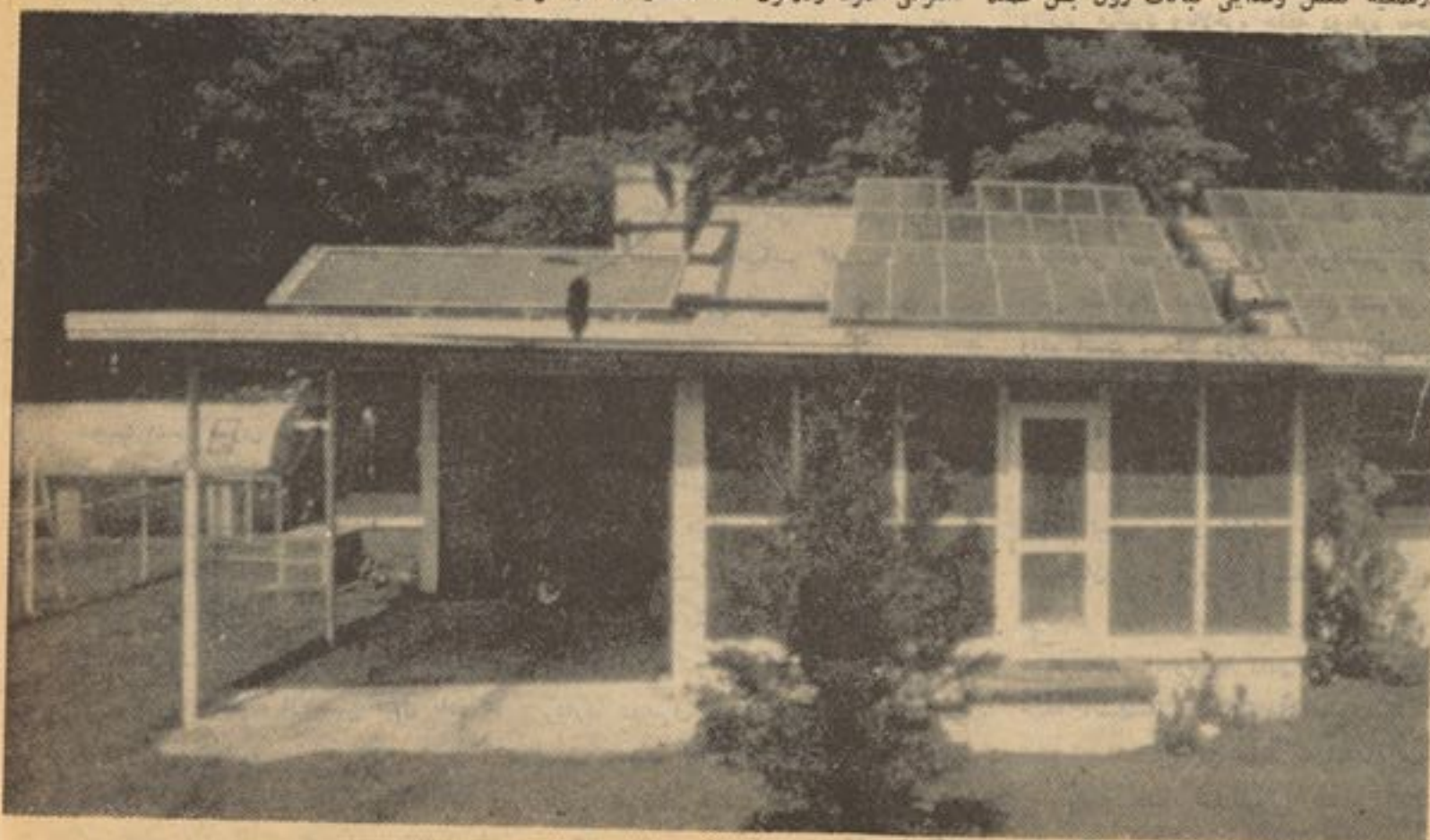
که بانور و حرارت آفتاب گرم شود، صرفه جویی و کمک در مصرف برق می کند. در ایالات متحده امریکا اکنون ۴۵ منزل با انرژی آفتاب گرم میشود و گفته می شود که تا سال ۲۰۲۰ اضافه از یک سوم منازل توسط انرژی، نور و حرارت آفتاب گرم و سرد خواهد شد. از اواسط سال شصت در نواحی کوه های پیرنه فرانسه، آزمایش های جهت استفاده از نور و حرارت آفتاب انجام داده شده است تا ۳۸۰۰ درجه سانتیگراد حرارت نیز بدست آمده است.

استفاده از انرژی آفتاب سابقه طولانی دارد. نور و حرارت آفتاب کره زمین را گرم می سازد در عملیه تنفس و غذای نباتات رول پس عمده



تولید انرژی از نور و حرارت آفتاب در کوه های پیرنه فرانسه

دارد. در سالهای ۲۱۲ و ۲۱۴ قبل از میلاد که از انرژی آفتاب برای چرخاندن ماشین آریسمیدس دانشمند یونانی، انرژی آفتاب را استفاده میکرد. در سال ۱۹۱۲ در قاهره معرفی نمود و در قرن ۱۹ انسان فا در گردید بقیه در صفحه ۵۷



این خانه در فلو ریدا تمام حرارت مورد احتیاج خود را از طریق لوحه هایی که در پشت بام نصب شده از خورشید می گیرد

# واکسین

## وادامه حیات

داشتن معلوماتی درباره بسرخی امراض

واکسین های مربوط يك امر ضروری میباشد. در تحت جلد داخل مینمایند. هرگاه شخص مذکور معافیتی نداشته باشد، ناحیه که در آن

توبرکولین تزریق شده، هیچگونه عکس العملی

رانشان نمیدهد. درینصورت واکسین بی-سی-جی را باو تزریق میکنند. تزریق بی-سی-جی باعث کسب معافیت در اشخاص گسر دیده و از خطرات احتمالی مرض مذکور ایشان را نجات میدهد.

۲- واکسین محرقه نیفوئیس.

مرضی است که در آن انساج لمفاوی امعاء التهاب نموده و

طحال (تلی) بزرگ میشود. علاوتا حرارت جسم مریض زیاد میگردد. عامل محرکه بقیه در صفحه ۶۰

۱- واکسین توپرکلوژ :

توبرکلوژ مرض ساری و خطرناکی است که عامل آن بسیلوس توپرکلوژ میباشد. میکروب مذکور میتواند نواحی مختلف جسم را و خاصتا شش هارا متاثر سازد. این مرض در حیوانات و انسان هایافت میشود.

برای کسب معافیت به مقابل مرض توپرکلوژ واکسین بی-سی-جی.

تزریق میگردد. معمولا قبل اذ دانستن اینکه شخص مورد نظر بمقابل میکروب توپرکلوژ معافیت دارد و یا خیر؟ ماده ای را بسنام

واکسین های دیگری از قبیل واکسین محرقه یا تیفوئید کولرا، حمای لکه دار، تب زرد و پلاکو نیز وجود دارد که نباید از واکسین نمودن آنها چشم پوشی نمود.

## زنان حامله نباید برخی از واکسین هارا در موقع بارداری تزریق نمایند.

طوریکه قبلا ذکر شد. تزریق عده ای از واکسین ها به تمام افراد يك جامعه يك امر لازمی بوده و خصوصا بر مادران است که اطفال خود را به مقابل امراض مدعش، واکسین نموده و از بروز حوادث ناگوار حتی الامکان جلوگیری نمایند. باید اضافه نمود که علاوه برواکسین های ضروری - عده ای از واکسین های نهن رویتنی دیگری نیز وجود دارند که در حالات به خصوصی مثلا در مواقع بروز مرض در يك منطقه (مثل مرض چیچک و یا کولرا و غیره) و یا مواجه شدن با میکروب مربوط (مثلا گزیدن سگ دیوانه) - به اشخاص تزریق میگردد.

در ممالک روبه انکشاف واضح است که بنابر بلند بودن درجه ای بیسواد، محیط زیست انسان ها بدرستی کنترل نگردیده، مدفوعات و بقایای مواد عضوی که منبع مهم امراض مختلف اند، از بین برده نمیشوند. از جانب دیگر عدم مراعات حفظ الصحه و نداشتن معلومات کافی درباره طرق انتقال امراض - باعث آن میگردد که در طول سال امراض مدعش عده ای کثیر چنین جوامع را معیوب و یا از بین برد. بهمین دلیل است که

برای بوجود آوردن معافیت کلی، باید سه مرتبه واکسین تکرار گردد طوریکه فاصله بین هر واکسین ازدوالی چهار هفته تجاوز نماند. واکسین چهارمی بوسستر یکسال بعد از واکسین آخرین در طفل تزریق میگردد.

برای اینکه والدین مواقع صحیح واکسین نمودن اطفال را بدانند طور خلاصه جدول ذیل را تحریر مینمایم :

جدول تعیین اوقات مناسب واکسینیشن اطفال :

| سن طفل                                                                                 | نوعیت واکسین               |
|----------------------------------------------------------------------------------------|----------------------------|
| ماه اول                                                                                | اولین واکسین ضد سیاه سرفه  |
| ماه دوم                                                                                | اولین واکسین دی-پی-تی.     |
| ماه سوم                                                                                | ۱- دومین واکسین دی-پی-تی.  |
| ۲- اولین واکسین پولیو (فلج اطفال) - از طریق دهن.                                       |                            |
| ماه چهارم                                                                              | ۱- سومین واکسین دی-پی-تی.  |
| ۲- دومین واکسین پولیو.                                                                 |                            |
| ماه پنجم                                                                               | ۳- سومین واکسین پولیو.     |
| ماه دهم                                                                                | ۱- دوازدهم - واکسین چیچک.  |
| ماه هفده و هزدهم                                                                       | ۱- واکسین بوسترا دی-پی-تی. |
| ۲- واکسین بوستر پولیو.                                                                 |                            |
| ۳- واکسین رو بیولا.                                                                    |                            |
| ۴- واکسینیشن علیه مرض رو بیولا میسل                                                    |                            |
| عامل این مرض یکتو و ویروس بوده و علائم آن عبارت از ظهور تب، سرفه و بخارات جلدی میباشد. |                            |

دونوع واکسین برای این مرض ساخته اند طوریکه در واکسین اولی ویروس های غیر فعال واکشته اند ولی برخلاف در واکسین نوع دوم ویروس هازنده میباشد. واکسین های مذکور معمولا در جاهای خیلی سرد نگهداری میگردند این واکسین را به اطفالی که اضافه تر از یکسال عمر داشته باشند، تزریق می نمایند.

ناگفته نباید گذاشت که تمام واکسین های فوق الذکر از جمله واکسین های مهم بوده و بانیست اشخاص بالغ و اطفال توسط آن صحت خود را از امراض مربوط وقایه نمایند.



# ستاره گان

## افسانه‌ها و حقایق

### پورت‌ترین جهان موسیقی

معروف یکی از مردان زن د و ست جهان بشمار می آید. در پانزده سالگی ازدواج نمود و در ۲۲ سالگی ازدواج دوم او اتفاق افتاد. او در میان زنان و ستارگان شهرت خاصی داشته و آنقدر که از هر گذر شناسائی زنان معروفیت دارد از جهت حرفه و مسلک خود ندارد. «بار بار» وقتی از شوهرش «هنری کود» جدا شد، بلا تکلف آشنائی با «جان» پیدا نمود. در حالیکه جان فقط از روی بازی های هنری و صفحات آوازش او را میشناخت.

«جان پیت» در مورد اینکه بچه علتی بدامن بار بار چسبیده است گفته: آرایشگری حرفه بول آور است که او را به بول و شهرت رسانیده و با پسنیاری از زنان زیبا آشنا نموده است بطوریکه گاهگاهی در یک هفته تا حدود دو صدو پنجاه هزار مارک آلمانی میتواند حاصل کند از این رو اگر تصور شود که با بار بار بخاطر عایداتش ارتباطی قائم شده این یک قضاوت غلط و نادرست و دور از انصاف خواهد بود.

«جان پیت» وقتی که «لیزل آن» ستاره فیلم های امریکائی را طلاق داد در آستانه شهرت و محبوبیت بود و لی با این وجود هم او را ترک گفته و رسماً از وی جدا شد ولی وقتی با «بار بار» آشنا گردید دیگر شهرت او تدریجاً بسوی دحمة گمنا می میرفت و لی «جان پیت» باهتمام و تلاش بی پایان خود یکی از لانک پلی های او را بمصرف شخصی ریکازدینک و بازار کشید. با این امید تا کسی چشمان خود را در برابر واقعیت ها نبندد و قبول نماید بطوریکه او بار بار را شناخته و دیگران نشناخته اند.

«جان پیت» آرایشگر معروف «بار بار» است. از یکتیم سال با «بار بار» در آغاز هر حله بر خورد با «بار بار» استرا میسند. ستاره و آواز خوان معروف، وضع متفاوتی نداشت فقط موهای او را مرغوله میساخت و گاهی اشکالی در موهای او پدید میآورد که موافق بفرمایش و خواسته اش می بود ولی تدریجاً بار بار ستاره ۳۳ ساله سحر ی بکاربرد که پیتر اسیر حلقه های موهای خرمائی او شد و با و صف اینکه پیتر پنج سال خورد تر از



بار بار میگوید «من به سلمانی و میکاژر خود عشق جاودان و ابدی دارم»



دکتور راج آند از جهان طبابت به سوی هنر شتافت

«پیت» گفته است با این حرکت خود میخواست ثابت کند که قسمیکه او بار بار را شناخته دیگر دوست داران در حق او ریاکاری و تظاهر نموده و حق هنر او را مغرضانه پامال نموده اند. زیرا بار بار یک پورت ترین موزیکال در جهان موسیقی میباشد.

دكتور راج آنند به پرسش يك سوال گفت: او قبلا در امريكايك فلم داکونتری نقش فعالی را ایفا نموده و از مدت‌ها باینطرف این شوق در و جودش مشتعل بود که رو زی بحیث هیرو در فلم‌ها ظاهر شود و حال که این موقع میسر آمده برای خود حیث میداند که از آن نادیده بگذرد.

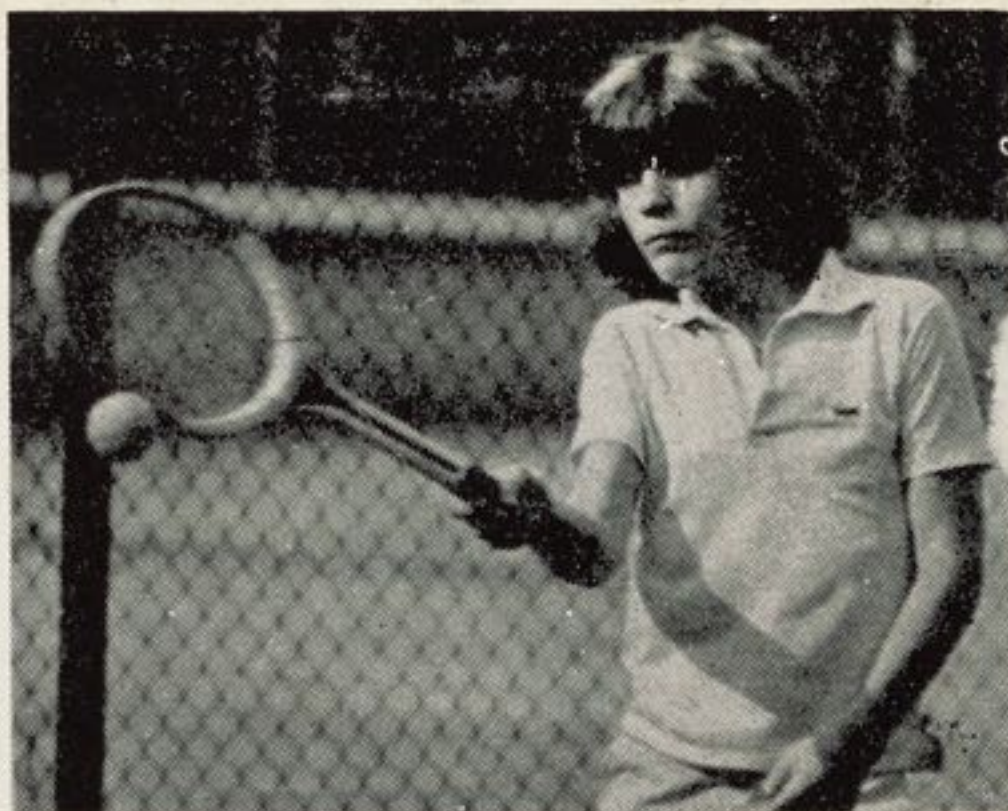
او گفت: او در حال حاضر کاندید بازی نقش سه فلم است ولی باید پرو دیو سرها موقعیت او را درک نمایند و مقابل او رادها سلوچه را برای همبازی انتخاب نکنند والا از بازی در فلم معدرت خواهد خواست.

### شکاری چهارده ساله:

«جون جان» پسر چهارده ساله خانم ژاکلین اناسیس اخیرا مورد توجه خاص قرار گرفته و گفته می‌شود بزودی بروی پرده‌فلم ظاهر خواهد شد این پسر بچه زیبا که صاحب چهره زیبا و ملایم و چشمان سیاه و ابروان ضخیم و بیوسته است یکی از حر به‌های برای یک‌بار از پرو دیو سران خوانده شده که برخی از روزنامه نگاران هنری آنرا شکار کننده پول لقب داده اند. او در حال حاضر در شهر نیویارک در یکی از خانه‌های اناسیس زندگی میکند و قسمت وقت خود را وقف بازی تنیس می‌کند. او در جواب این سوال که در جهان سینما چه خواهد کرد جواب داد آنچه داکتر راج بگوید و آنچه او در این دایره بتواند.



جان پتیر میگوید که با حرفه خود بازان زیادی آشنایی پیدا کرده‌ام



جون جان شکاری چارده ساله

حقیقت راه نداشت. این داکتر «راج آنند» نام دارد که دیپلوم طب خود را از امریکا حاصل و در همانجا به شغل طبابت مصروف بود. اما همینکه «رادها سلوچه» را در یکی از ضیافت‌ها دید عاشقش شد و وقتی باو پیشنهاد ازدواج نمود، جواب توافق آمیزی دریافت کرد که سرانجام منجر به نامزدی آن شد.

این رویداد در ماه‌های اخیر سال ۱۹۷۴ - اتفاق افتاده بود ولی چندی قبل داکتر راج رانند که به منظور ازدواج وارد بمبئی شد طی يك ملاقات با خبرنگار شمع حقیقت نامزدی خود را با رادها سلوچه اعتراف نمود اما از اینکه بعد از این موضوع صرف نظر نموده آنرا گونه‌ای جرئت‌های اخلاقی خود خواند.

علت انصراف از دواج خود را با «رادها سلوچه» توضیح نکرد اما در مورد اینکه دیگر با امریکا بر نخواهد گشت و با ترک شغل طبابت بجهان سینما روی خواهد آورد يك سلسله مطالبی را اظهار نمود.

يك خانم مجسمه دوست بود وقتی او از «آلن» خواهش نمود که مجسمه‌ای از دختر هفت ساله او بسازد، آلن بعد از صرف چهارده ساعت کار مجسمه «ایما» دخترک هفت ساله را ساخت که در حدود پنجاه سانتی متر از تقاع داشت.

بعد از این اندیشه در او قوت گرفت که بعد از این دیزاین‌های خود را با استفاده از وجاعت طبیعی اطفال بمیان آورد. داوطلب در این دایره خیلی زیاد است و «آلن» بعد از چهارده ساعت کارششصد مارك آلمانی حق الزحمه دریافت میکند اینک والدین اطفال حاضر میشوند که با کمپنی‌های گدی‌سازی موافقه دهند یا خیر برایش بی تفاوت است منتها در صورت موافقه يك مقدار پول اضافی نظر به تعداد فروش بوی تعلق خواهد گرفت.

دکتوری که بسوی هنر روی آورده:

چندی قبل شایع شده بود که «رادها سلوچه» ستاره فلم‌های هندی در هنگام مسافرت تش با امریکا با یکنفر دکتور طب رسماً نامزد شده بود که در این خبر تکلفی جز يك

معادل پانزده هزار افغانی در چهارده ساعت:

«آلن بیگز» آمریدیسار تمنست نقاشی و مجسمه سازی کالج بروکن هدرس انگلستان اخیرا بيك ابتکاری دست زده که در حال حاضر سخت طرف توجه قرار گرفته است. او برای یکی از فابریکه‌های گدی‌سازی يك سلسله دیزاین‌های عرضه نموده که بعلا توافقی نزدیک به عینیت و طبیعی بودن صد در صد دیزاین به واقعیت جداً مورد پسند واقع شده است.

«آلن» مردسی و چهار ساله انگلیسی که مجسمه ساز توانا و نقاش مقتدریست در مورد چنین ابراز نظر نموده است:

تاکنون تمام دیزاین‌های که برای فابریکه‌های گدی‌سازی تحویل داده شده رو بهمرفته کم‌مایه‌ویی عرضه بوده است و دلیل قوی این گفته اینست که آنان از جلوه‌های طبیعی چشم‌های خود را انحراف داده و دیزاین را طوری ترتیب نموده اند که نه در آن تخیلات بدیع که مستلزم يك اثر براننده است در آن بکار رفته و نه عینیت و کلیت طبیعی در آن مشهود بوده است. ما بارها و بدفعات جلو واقعیت‌های مسلم و تابناک قرار گرفته ایم ولی دريك لحظه آنرا بس دست فراموشی سپرده ایم. با دیزاین میان از پدیده‌های ثابت حیات استفاده صورت گرفت که نتیجه آن قانع کننده افتاد.

منشای تحرك این عمل اندیشه



اینهم لانگ و پلی بار بار که باهتمام جان پتیر تکمیل شده است



پیوسته بگذشته

# فریادهای مرگ

(مستر کلمنت ! ازاینکه بیشتر از این نمیتوانم منتظر شما بمانم متأسفم اما ...)

جمله ناتمام مانده و چنان بنظر می آمد که خط بادستپایی لرزان انشای شده است \*

مفتش با افتخار غرید : وضع کاملاً روشن است . پرو تیرو نشسته مشغول نوشتن نامه بود، دشمن به آرامی از درب شیشه‌ای وارد گردیده او را بقتل رسانده خوب، دیگر چه میخواهید ؟

ولی من میخواهم مطلبی را توضیح بدهم دوباره مفتش تهرزد : لطفاً به پرو پای ما نجسید. کنار بروید تا ببینم اینجا پل بابی هست یا خیر. سپس درحالیکه روی زانوان خود می خزید بطرف درب شیشه‌ای حرکت کرد. من بالاجت دگر باره شروع کردم :

چیزی هست که شما حتماً باید آنرا بدانید ...

مفتش از جا بلند شده بالعنی قاطع گفت : این مطلب را بعداً صحبت خواهیم کرد. حالا اگر ازین اتاق خارج شوید ممنون میشوم . لطفاً بیرون بروید \*

مثل بچه هایی که حرف شنو هستند و آنها را از خانه بیرون میرانند ، اطاعت کردیم و بیرون رفتیم. بنظر من ساعتاً ازین جریان می گذشت یعنی گذشت وقت خیلی سریع شده بود درحالیکه تازه یک ربع از ساعت ۷ می گذشت \*

بایدونک گفت :

هر موقع این احمق خود خواه سراغ مرا گرفت ، خودش رابه معاینه خانه ام بفرست. فعلاً خدا نگهدار \*

درین موقع ماری روبروی من پیدا شده گفت : خانم تشریف آوردند.

تقریباً پنج دقیقه قبل \*

گریز لدا را در اتاق پذیرایی یافتیم. چنان می نمود که هم ترسیده و هم به هیجان آمده است . جریان رابه او تعریف کردم . بادقت زیاد گوش فرا داد و در آخر متذکر شدم که در آغاز نامه پرو تیرو ساعت ۳:۳۰ قید شده بود \*

گریز لدا سر جنبانیده گفت : مگر تو به آنها نگفتی که پرو تیرو عادت داشت همیشه ساعتش را یک ربع پیشتر عیار میکند ؟

جواب دادم : خیر، زیرا مفتش بوسن فرصت ابراز این مطلب را نداد و هر چه سعی کردم بخرج او رفتم \*

گریز لدا درحالیکه با حیرت ابرو ها را بالا می برد، اظهار داشت :

اما لن، در این صورت این کار رنگ عجیب تری بخود میگیرد . مثلاً ساعت او نشو و نیست را نشان نداد، در حالیکه وقت صحیح نش و پنج دقیقه بود.

در هر صورت مطمئناً پرو تیرو در ساعتش و پنج دقیقه اینجا نبوده است.

مدتی من و همسرم روی مسالده ساعت مذاکره و بحث کردیم اما بیک نتیجه قطعی نرسیدیم. گریز لدا تأکید کرد که هر طوری

شده باید این موضوع یک ربع ساعت پیش بودن ساعت پرو تیرو را باید به مفتش گزارش بدهم ولی با تعجب زیاد از زبان ماری اطلاع یافتیم که وی اتاق مرا قفل و مهر کرده و چند لحظه قبل منزل مرا ترک گفته است.

گریز لدا گفت : سری به قصر قدیمی بزنم ببینم آن پرو تیرو باید خیلی بد حال باشد. شاید من بتوانم کمکی برای او بکنم.

این نظر او را من هم پسندیدیم و گفتیم اگر بمن احتیاجی احساس کردند فو را تلفون کنند.

پس از رفتن گریز لدا، دنیس بمنزل آمد. گویا از بازی تنیس برگشته بود. از اینکه جنایت در منزل ما اتفاق افتاده خیلی خوشحال شد و گفت : همیشه آرزو میکردم با یک حادثه جنایی رو برو شوم . راستی پلیس اتاق کار شمارا چرا قفل کرد ؟ آیا کلید دیگری به آن درب جور نمی آید؟

به او گفتم که من اجازه نخواهم داد درب آن اتاق را باز کند. وضع بیخیال و خوش نسر د دنیس واقعا به اعصاب من برمی خورد و لی بعد تر فکر کردم برای یک دختر ۱۶ ساله حادثه قتل نمیتواند مفهوم بسیار عمیق و مشغول کننده داشته باشد . برای دنیس این حادثه، بیش از حادثاتی که در یک رومان پلیسی رخ میدهد، اهمیت نداشت \*

گریز لدا، یک ساعت بعد مراجعت کرد. آن راپس از آنکه حادثه را پلیس به وی اطلاع داده بود، دیده بسود . مفتش پس از آنکه مطمئن شده بود که آن شوهرش را در ساعت ربع کم شش در راه دهکده دیده و بیش ازین از جریان اطلاعی ندارد، تصررا ترک گفته و متذکر شده بود که لدا برای صحبت مفصل تر بر خواهد گشت . در هر حال نسبت به (آن) وضع او مؤدبانه بوده است.

پرسیدم : برخورد خانم «آن» با این حادثه چگونه بود ؟

خاموش و آرام نشسته بود و لی او معمولاً اینطوری است \*

در امت است. حتی من بخاطر نمی آورم که آن پرو تیرو کمترین شوک عصبی در عمر خود دیده باشد.

البته در اول از شنیدن واقعه نکان خورده است و این از وضع او معلوم می شد از این که من سراغ او رفته بودم، از من تشکر کرد و در عین حال گفت که هیچ نمی دانند چکار کنند.

لیتس چه ؟

ساورد جایی بازی تنیس مشغول بود، و هنوز بخانه برگشته بود. گریز لدا یک لحظه خاموش شد و بعد دوام داد: میدانی لن، وضع آن خیلی به نظرم عجیب آمد. خیلی عجیب!

شاید خیلی ناراحت بود.

ساری ممکن است و لی راستش از وضع

او این ناراحتی پیدا نبود بلکه چنان بنظر م آمد که خیلی مضطرب شده است.

ساری ممکن است وی راستش از وضع او این ناراحتی پیدا نبود بلکه چنان بنظر م آمد که خیلی مضطرب شده است \*

یعنی ترسیده است ؟

ساری، سعی میکرد از ظاهرش این اضطراب معلوم نشود و لی در چشمانش حالتی عجیب آمیخته با احتیاط و محاذ فله کاری پدیدار بود. آیا او حدس میزد چه کسی باید شوهرش را کشته باشد ؟ مگر او ازمن سوال میکرد آیا پلیس نسبت به کسی مشکوک است یا خیر ؟

متفکرانه گفتم : که اینطور ؟

ساری، طبعاً «آن» زنی مسلط برخوردار است ولی بغوی پیدا بود که ازین جریان بشدت تکان خورده است حتی مافوق آنچه تصور میکنی . البته آن به شوهرش زیاد علاقه مند نبود حتی یکروز بمن گفت که از پرو تیرو بشدت متنفر است \*

گاهی مرگ می تواند سبب تغییر حیات آدمی بشود.

بهر صورت ...

دنیس هیجان زده داخل شد و گفت روی یکی از کرد های گل در حیاط پل پایی کشف کرده است و مطمئن بود که چون پو لیس این راز را کشف نکرده وی می تواند با تعقیب این پل پا، راز تمام معمارا بکشد.

شب ناراحتی را سپری کردم. دنیس خیلی زودتر از ساعت معین صرف صبحانه بیدار شده دنبال آخرین خبرها و انکشافات بیرون رفت.

مع ذلک هیجان انگیز ترین خبر آنروز صبح را او نه بلکه ماری بها داد .

درست موقعیکه مامشغول صرف صبحانه بودیم این دختر مثل توپ به داخل اتاق پریده در حالیکه رخساره هایش از فرط هیجان گل انداخته بود، با همان وضع لاابالی همیشگی خود گفت : آیا خبر دارید ؟ ناوادم اکنون بمن گفت: مستر ری دینگ را توقیف کرده اند .

گریز لدا مثل اینکه بگوش های خود اعتماد نداشته باشد، فریاد زد :

لئورانس را توقیف کرده اند ؟ غیر ممکن است و این اشتباهی احمقانه است .

ماری بمقتضای عادت به خوشحالی گفت :

خیر خانم ، اشتباه نیست . مستر ری دینگ خودش دیشب نزد پلیس رفته و در حالیکه تیانیچه خود را روی میز می گذاشتند اعتراف کرده است که من مرتکب جنایت شده ام .

ماری این را گفته در حالیکه نگاهی پیروزمندانه بمن و همسرم می افکند، بیرون رفت و من و گریز لدا باتگاهی حیرت زده بهمدیگر خیره ماندیم .

گریز لدا گفت : این نمیتواند حقیقت داشته

دلیل هم علیه شخص متهم در دست ندارم .  
 انسان در قیبل موارد بحرانی که میزند، باید  
 زیاد دقت کند در غیر آن بجرم مفتی محاکمه  
 خواهد شد . بهلاوه میدانم که بافتش سلاک  
 باید خیلی محتاطانه صحبت کنم زیرا بمن  
 خبر فرستاده بود که صبح امروز سراغ من  
 خواهد آمد ولی عجب که بعدا در تلفون بمن  
 گفت: احتیاجی باین ملاقات باقی نمانده است.  
 - البته بعد از توقیف متهم دیگر ضرورتی  
 باین ملاقات باقی نمی ماند .

- بعد از توقیف ؟ من از اینکه کسی را  
 توقیف کرده اند اطلاعی نداشتم . رخساره های  
 بیرون از فرط هیجان قرمز شده بود .

(باقی دارد)

کل کشف کرده ، خیلی به هیجان آمده و غالباً  
 رفته است تا این موضوع را به پلیس گزارش  
 بدهد .

میس مارپل گفت :  
 - قضیه پیچیده ایست، نیست ؟ گویا آقای  
 دنیس تصور میکند قاتل را شناخته است .  
 در حال همه مادر این باره فکر میکنیم که  
 گویا قاتل را شناخته ایم .

گریزدا سوال کرد: آیا اینقدر آشکار است؟  
 میس مارپل جواب داد :

- خیر عزیزم . باین سادگی نیست من  
 فقط آدمک را گفتم . محققا هر کس در مورد  
 شخص جداگانه ای احساس سوء ظن میکند  
 ولی باید در دست شخص مدعی دلایل کافی  
 موجود باشد . مثلاً من مطمئنم که قاتل را  
 می شناسم ولی اعتراف میکنم که حتی یک

آقای پروتیرو . شاید آدم خوبی نبود و کسی  
 هم که او را دوست داشته باشد، سراغ نمیشد.  
 اما در هر حال حادثه فجیعی است . شنیده ام  
 او را در اتاق دفتر شما بقتل رسانده اند .  
 - آری .

میس مارپل خطاب به گریزدا پرسید :  
 - ولی تصور میکنم پدر مقدس در آن ساعت  
 در خانه نبودند ؟ من جریان را به او شرح  
 دادم آنگاه میس مارپل نگاهی به جوانب  
 خود افکنده پرسید :

- آقای دنیس ، امروز صبح تشریف  
 نداشتند ؟

گریزدا جواب داد :  
 - دنیس نقش کار آگاه آماتور را به عهده  
 گرفته . بخاطر پل پائی که در یکی از کردهای

باشد، غیر ممکن است . سپس چون من جوابی  
 ندادم پرسید: آری ، آیا تو این مطلب را باور  
 میکنی ؟

من نتوانستم اظهار عقیده ای بکنم و  
 همانطور بخاموشی ادامه دادم. همسر من گفت :  
 لئورانس دیوانه شده . حتماً او باید دیوانه  
 شده باشد. یائینکه او و پروتیرو مشغول  
 تماشای تپانچه بوده اند و سلاح خود بخود فیر  
 کرده است .

- این غیر ممکن است .  
 - اما صددرد صد حادثه باید اتفاق باشد.  
 هیچ دلیلی وجود نداشت که لئورانس در صدد  
 قتل پروتیرو برآید. چرا باید لئورانس او را  
 به قتل برساند ؟

من میتوانستم بطور قاطع باین سوال جواب  
 بدهم، اما متوجه بودم که تا حد ممکن سعی کنم  
 پای (آن پروتیرو) به این قضیه کشانیده  
 نشود . لذا گفتم : فراموش نکن که آنها چندی  
 قبل دعوا کرده بودند .

- میدانم بخاطر تصویر با مایوی تنیس  
 درست ولی هر چه باشد خیلی مسخره است.  
 اگر لئورانس و تنیس مخفیانه نامزد هم میبودند.  
 باز هم این نتیجه بهمان نمی آمد .

- ولی این راهم بخاطر داشته باش که  
 من او را در نزدیک درب حیاط دیدم . حالتی  
 مثل دیوانگان داشت .

- آری، ولی باز هم غیر ممکن است .  
 - ساعت راهم بیاد بیآورد. اینوضع تقریباً  
 مسأله ساعت راهم توضیح میکند. لئورانس  
 شاید بخاطر اینکه در موضوع قتل نسبت به  
 او مشکوک نشوند وقت را به شش و بیست  
 دقیقه تغییر داده است . بین سلاک مفتش  
 چگونه فریب خورده و این قضیه را باور کرد.  
 - اشتباه میکنی لن . لئورانس از اینکه  
 ساعت پروتیرو همیشه یک ربع پیش است  
 مطلع بود. و همیشه میگفت که پدر مقدس  
 پیش از سایرین سر وعده حاضر میشود.  
 شخصی مثل لئورانس با پیش بردن یا پس  
 کردن ساعت، هرگز چنین اشتباهی را مرتکب  
 نمیشود و وقت بهتری را تثبیت میکند .  
 مثلاً ساعت را ربع کم هفت می ساخت .

- شاید رسام از اینکه پروتیرو در چه ساعتی  
 بملاقات من می آید، دقیقاً اطلاع نداشت .  
 یا شاید هم قضیه پیش بودن ساعت را بخاطر  
 نداشت .

پیش از آنکه گریزدا جواب بدهد سایه ای  
 روی میز صبحانه افتاد . و صدائی بغایت  
 ظریف شنیده شد: امیدوارم شما را ناراحت  
 نکرده باشم . خیلی ببخشید اعداد برابر این  
 حادثه تلف ...

تازه وارد همسایه مامیس مارپل بود. در  
 اثر تعارف مودبانه ما از درب جانب حیاط  
 وارد گردید و من یک چوکی برای نشستن به  
 او تعارف کردم . رخساره های بیرون سرخی  
 خفیفی نشان میداد و خیلی هیجان زده بنظر  
 میرسید . بی مقدمه :

- اتفاق وحشتناکی است، مگر نه ؟ بیچاره





به اطفال تان رموز محبت و صمیمیت را بیاموزید

# شخصیت زن

## در آئینه مطبوعات کشور

تبییه و ترتیب از: د.ر

نوشته معصومه (رونده)

### مادر

#### باقدرسیت ذاتی اش

خدا زن را فرید تاجیهان تاریک و ظلمانی مرد را روشن سازد تا او را از رنج تنهایی رهایی بخشد تا بگوشتش نفقات و شادی و سرود زندگی را زمزمه بکند تا مرد داسر شاد از زندگی و سعادت گردند اما این برای زندگی کافی نبود زیرا زن و شوهر آرزو داشتند تا محصله این کانون گرم را که ارمغان شروع سعادت شان هست بدست بیاورند.

لذا زن انتظار میکشید تا کودکی را که خودش و در خودش پرورش داده است از شیر و عصاره جانی ترکیب او را ساخته است پا بر عرصه وجود گذارد و مردم هم منتظر انتظار داشت تا کلمه پدر به او اطلاق شود زن اضافه ترمی گوشتش تا نوزادش سالم و نیرومند بار بیاید و مردم هم منتظر با امیدواری و غم انتظار دقایقی را می کشد که صدای موجود کوچک و اما زنده ای را بشنود که محصله ازدواج شان بود.

و مردم در این راه نگران بود تا آسایی به

میرود، فضا خانواده با موجودیت این طفل صمیمی و پراز سرور میگردد پدر مصروف تر از هر وقتی می گوشت تا وسایل بهتر زندگی را برای همسرش و طفل نوزادش فراهم بسازد و زن از پستانش عصاره جانش را ارمغان طفلک خود میسازد سرود و لایای مادر در دل شب با گریه طفل مزج میشود و هر دو موجود مقدس بخواب می روند تا فردای بیداری شان بشیان کن تیره گی های زندگی باشد مادر با قدسیت ذاتی اش طفل را تیمار می نماید در دل کودکش هزاران نوید زندگی و سعادت را پرورش می دهد و روح او را سرشار از زندگی میسازد،

از زندگی فردای که در انتظار طفلک است باخته های ملیح طفل دماغ دل مادر شگوفان میشود پایا کودک را در جاده های حیات قدم رو میسازد وقتی طفلش بزمین می خورد بو سه های گرم مادرش درد طفل را از ناحیه صدمه دیده می زداید مادر همان گونه در گوش طفلش سرود پیروزی، سرود عشق و محبت و سرود های نوید بخش حیات را می خواند و او را در مقابل سختی های زندگی بدبختیهای که تا آن دم مادر و پدر را آزار میداد عیار و آمساده میسازد، او هرگز امید همراه کننده شادبختی مسموم شونده را در طفلش انکشاف نمیدهد به طفلش میگوید بدبختی ممکن است از هر طرف به استقبالش بیاید اما فرزندش تا بتواند زنده بماند نباید با بدبختی ها پشت گرداند بلکه او را برای ستیز و مبارزه در راه از پسین بزدن آن دعوت کند حماسه مادر حماسه درد های مادر سر انجام سر نوشت کودک را بسوی تکامل فرا می خواند و کبوتر آزادی طفل را بسوی خاکدام بزرگ گیتی رهنمایی میکند طفل روز به روز هو سیار تر و نیرو مند تر می شود مادر با دیدگان همیشه بیدارش و با روح همیشه هوشیارش و با قلب مملو از آرزو هایش تغییرات طفلش را روز بروز می نگرد، در سختی ها وقتی طفلش زمین می خورد به باری پدرش او را بیا استوار می سازد و لغزش هایش را با ناتوانی هایش که نتیجه اشتباهاتش است به او حاشا می سازد تا او مرد نیرو مندی در کارگاه حیات بشود.

اکنون طفل دیروز نبال بارور رسیده امروز است مادر همه چیزش را زندگی و جوانی اش را وقف پرورش این نبال کرده است. نبال که بارور میشود و نمره آن برای مادرشادی آفرین است.

ما در باجهره ای که از رنج و حوادث زمان پیر شده است در مقابل نبال بارورش می

بقیه در صفحه ۵۹



طفل یگانه موجودیست که دماغ دل پدر و مادر را شگوفان میسازد و رشته محبت و صمیمیت را بین زن و شوهر محکمتر گره میزند و ایشان را به هم نزدیکتر میسازد.

## په کونړ و نو کبکی دښخو

## وضعې ته یوه کتنه

## فرشته

دفتی و مرد در دل امید وار من  
از آسمان خاطر اندویدار من  
کز خون نور میدهد امید زندگی  
تا بدامید جلوه خورشید زندگی  
باشد که چلچراغ شب افروز با غزل  
شاید که برده دل زبیرش دختر بهار  
کانیم بسان چهره عاشق خزان بود  
شاید که چون شکسته دلان ناتوان بود  
کز فیض اوست نیروی در جان مردوزن  
فرزند نیک پرورد از مادر وطن  
کز سیم ناپ تاج به فرق زمین نهد  
با آن سریکه سجده بجان آفرین نهد  
جز نورانش یاس نباشد چراغ هیچ  
چیزی دیگر نداشت بجز درد و داغ هیچ  
دور از تو من به کلبه ظلمت سرشت خویش  
اندیشه میکنم بتو و سرنوشت خویش  
کز کعبه نیاز بسوی تو رو گنم  
هر دم ترا به عرش خدا جستجو گنم  
کزوی جهان سبز طبیعت بدلبوست

مادر قسم مرا که به جز تو دیگر همه  
خورشید یاد تو نکند هیچکس غروب  
مادر قسم مرا به صفای طلوع صبح  
اندر سپهر یاس دل از گوشه شفق  
مادر قسم مرا بشکوه شکوه ها  
آتش نمانست جلوه هر شاخ ارغوان  
مادر قسم مرا بر رخ زود بر گها  
بر پیکر برهنه آن تکدوخت ها  
مادر قسم مرا بخدای غرور و عشق  
جان میدهد به عزم فلکناز انقلاب  
مادر قسم مرا به سر انگشت روزگار  
سوگند من بکوه و پشت و ستاره هاست  
شب های بی فروغ به ظلمت سرای من  
از بهر زندگانی من حد به روزگار  
تنها نشسته ام بخدا گر به میکنم  
آیا که بیتی چون گذرد زندگانی  
مادر تو آن فرشته رویایی منی  
تا وارسد بدامن فیض تو دست من  
مادر قسم مرا به دل انگیزی بهار

طفل امیدوار دل غنچه ام هنوز  
محتاج دلنوازی از مهر مادریست

## سال بین المللی زن

کامل قابل شده است پس می بینیم که یکی  
از بزرگترین مزایا و افتخارات دین مقدس  
اسلام اینست که در روزگاری که جهل و  
تاریکی سراسر جهان را فرا گرفته بود،  
آموختن و فرا گرفتن علم را در ردیف ضروریات  
بشر منظور کرد و کلیه افراد و طوایف را بدون  
استثنا و تبعیض از نعمت دانش بر خوردار  
داشت و تعلیم و تعلم را فرض شمرده ز نان  
را در استفاده ازین حق با مرد نیز سهیم  
مساوی داد.

اسلام برای زن آزادی افکار و عقاید را قابل  
شده است.  
زن از آزادی های حقوق مدنی برخوردار  
بوده و صلاحیت عقود را از قبیل خرید و  
فروش، رهن و ودیعت توکل و و کالت،  
اجازه وضو و ازدواج و نکاح مانند مرد دارا  
می باشد.

زن می تواند در قسمت حقوق سیاسی نیز  
با مرد سهیم مساوی داشته باشد. همچنان  
که مردمکلف است بیعت کند و تابع مقررات  
موضوعه باشد، زن نیز مکلفیت دارد از اوامر  
دین اسلام و مقررات دولت پیروی کرده مانند  
مردان تذکره تابعیت بگیرد و در هنگام رای  
دادن دوش بدوش طبقه ذکور حقوق مساوی  
داشته باشند.

هدف اساسی مجمع عمومی ملل متحد از  
تعیین سال ۱۹۷۵ بنام سال زن اینست تا  
جهان را متوجه سازند که زنان در هر زمینه  
دارای مساوات بوده و حق دارند در موارد  
اجتماعی، اقتصادی، حقوقی، فرهنگی و سایر  
شئون زندگی از مزایا و امتیازات معادل آن  
با مردان بهره مند گردند و سهم آنها در خدمات  
اجتماعی فرهنگی و تامین صلح از همه وقت  
بیشتر باشد.

سال بین المللی زن، زمینه را مساعد  
می سازد تا مقام زن و ارزش او در دنیا بیشتر  
مورد مباحثه و توجه قرار گیرد و جهان  
را متوجه محرومیت هایی سازد که زنان بسیاری  
از کشور ها هنوز هم به آن مواجه بوده و با  
صد ها معضله دست و گریبان می باشند.

درین سال از مقام ارزنده زن تجلیل  
بمعل می آید و به این ترتیب کوشش می شود،  
حیثیت و مقام زن در جامعه بین المللی حفظ  
شده و زن به بحث بخش بزرگ نفوس دنیا  
و میان آورنده نواهی و بزرگان در سراسر  
جهان شناخته شود.

چون دین اسلام برای زن و مرد در اصل  
و منشاء و در ماهیت و شخصیت بشری مساوات

بخوا تردی چه دښخو نهضت په  
نننی بڼه زموږ هیواد ته راشی  
کونړ یو ښخو دژوندانه په ټولو چارو  
کبکی دخپلو وروڼو، پلرونو او میړونو  
سره اوږه په اوږه کار کاوه او د  
ورځنی ژوند چاری یی به مخ بیولی  
او اوس هم دغه سلسله جاری ده.  
کونړی میرمنی دگارینه سره یو  
ځای دکرکيلی په ساحه کبکی، دغرو-  
نوخه د لرگیو دیتودراوړو په برخه  
کبکی او سر بیره په دی په مالدا زی  
کبکی دیادونی وپه برخه اخیستی بلکه  
په ځینو چارو کبکی تر نارینه هم  
دمخه دی. دوی دنارینه څخه پدی  
دمخه دی چه پرته ددغودرندو کارونو  
کارونو څخه چه دکرکيلی په ساحه  
کبکی یی دلوونو او غوبلو په وخت کی  
کبکی دیرو ټیو اوستریو جلول د  
اهار په غرمو یادمنی په سرو بادونو  
کبکی دمپرونو، وروڼو او پلرونو  
سره په اوږه ستړی چلوی اودرانده  
پیتی په ښځینه تنکیو سر و نو-  
پاندی وړی، دکور کارونه لکه، دودۍ  
پخول، کالی بریمنخل او تر ټولو  
زیات داوولا دونو روزنه او نور د  
دوی دنده گڼل کیږی.

ددی ټولو درنو کارونو سره سره بیا  
هم ښخو ته لکه څرنگه وړ وی دیو  
انسان په ارزښت نه قا پلیری.

## نوریا



بکوشید تا زن باوفا برای شوهر و مادر مهربان برای اطالانان باشید

دغیور ترجمه

# داتلیکی لوبو تورنمنت



## تورنمنت خزانې ورزشکاران پوهنتون کابل آغاز گرديد

بېرېق روی زینه بادنجانې قرار داشت. این سه نفر از برابر تماشاچیان گذشتند و به تعقیب آن یکدسته دختران که شامل ده ورزشکار بود، از مقابل تماشاچیان گذشتند. سپس بالترتیب ورزشکاران پوهنځی ادبیات و علوی بشری بابیرق زرد، پوهنځی اقتصاد بابیرق ارغوانی، پوهنځی انجیرې بابیرق نارنجی، انستیتوت پولی تخنیک بابیرق آبی پوهنځی فارمسی بابیرق زرد، پوهنځی حقوق بابیرق آبی تیره، پوهنځی سیاس بابیرق بادنجانې، پوهنځی شریعت بابیرق آبی، پوهنځی طب بابیرق لیمویی، پوهنځی زراعت بابیرق سبز و پوهنځی وترنری بابیرق گلایې مراسم رسم گذشت را انجام دادند.

مراسم رسم گذشت با کشف زدنهای تماشاچیان بدرقه گردیده و احساسات تماشاچیان زیاده تر احساس می گردید.

بعدا رئیس پوهنتون ضمن بیانیه پیرامون ورزش سخنرانی کرده و از اقدامات که از طرف ریاست پوهنتون برای انکشاف بیشتر سپورت در پوهنتون بعمل آمده است یادآوری کرد. و از تشکیل کمیته ورزشی که در آن روسا و استادان پوهنځی هائمولیت دارند، تذکرات داد.

سپس رئیس پوهنتون بانواختن سرود ملی و برافراشتن بیرقهای ملی و پوهنتون تورنمنت خزانې ورزشکاران پوهنتون را افتتاح کرد. این مراسم تا ساعت پنج عصر دوام نمود و به تعقیب آن مسابقه دوستانه باسکتبال بین تیم های منتخب پوهنتون و منتخبه پوهنځی انجیرې صورت گرفت که مسابقه به نفع انجیرې پایان یافت.

تورنمنت خزانې ورزشکاران پوهنځی های پوهنتون کابل عصر روز یکشنبه ۲۱ میزان توسط رئیس پوهنتون کابل درجمنایوم آن پوهنتون افتتاح گردید.

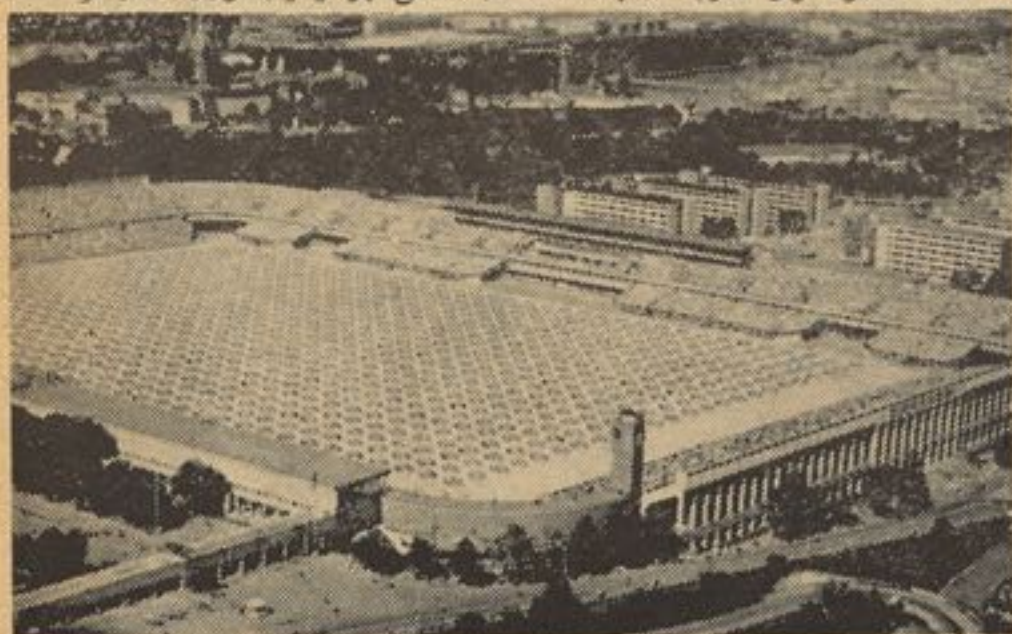
درین تورنمنت که تا اخیر غروب دوام می کند چار صد و پنجاه ورزشکار از یازده پوهنځی پوهنتون اشتراک ورزیده که در شش رشته ورزشی روزانه سه مسابقه اجراء خواهند نمود. این مسابقات که به سیستم د بسل ناک اوت اجراء می گردد، شامل فوتبال، والیبال، باسکتبال، اتلیتیک، ریسمان کشی و پینگ پانگ می باشد.

خبرنگار ورزشی ژوندون مراسم افتتاح این تورنمنت را چنین گزارش میدهد:

(جمنایوم پوهنتون باردیگر جمعیت انبوه از محصلان و علاقمندان ورزش را جذب کرده بود. آنروز روز یکشنبه ۲۱ میزان از ساعت سه بعداز ظهر علاقمندان یکی به تعقیب دیگر گروه، گروه و فرد فرد، از دروازه عقبی داخل جمنایوم می شدند، علاقمندان با گذشت لحظات تعداد آنها در داخل جمنایوم بیشتر گردیده و در دندانه ها قرار می گرفتند.

درست ساعت ۳:۳۰ دقیقه شخص موظف جمنایوم عقب مگرفون قرار گرفته و سخنانی پیرامون فعالیت های جمنایوم و این تورنمنت اظهار کرده و بعدا آواز موزیک بلند شد. به تعقیب آن با آواز موزیک از دروازه سمت راست (شمالی) جمنایوم بیرق پوهنتون نمایان گردید که توسط ورزشکاری حمل می گردید و در عقب بیرق دو ورزشکار دیگر قرار گرفته بودند. (نشان پوهنتون بالای

تمرینات تو دودی اوپرا ختیا دپاره هم غوره امکانات تر گو توشی. ددی دپاره چهلکه دآسیا بی لو بو به شیر دالمپیک دراتلونکو بین المللی لوبو دپاره منتخب تیمو نه و تا کل شنی د ۱۹۷۳ کال دشروع خخه راپدی خوا داروپایه دواړو برخو کنبی د فوټبال او خغاستی په گپون دیوزیات شمیر لوبو دسر ته رسولو دپاره نوی جمنایومونه اوسپورتی پرو گرامونه طرح شوی دی. د ۱۹۷۴ کال په اوږدو کنبی دبالقان او مر کزی ارو پاد ورزشی خانکو خخه د رارسید لو نتیجو د به نظر کی نیو لوسره ددی امکان شته دی چه د میونخ، د وروستیو بین المللی لو بو په نسبت د ارو پایې هیوادو ورزشکاران دزیا تو مدالونو به لاس ته راوړلو بر یا لی شئ. د ۱۹۷۵ کال داتلیتیکي لو بو دسر ته رسولو خخه وروستنه (شمالی بوهمیا) ورزشکارانو ته



په ۱۹۷۵ کال کی داتلیتیکي لوبو دغادی تمریناتو یوه څڼه

موقع ور کړه شئ چه دمر کزی اروپا بیلوبیلو هیوادونو ته سفر وکړی او په مقدماتی ډول دخپلو نورو ارو پایسی ملگرو سره په یوې دوستانه مسابقو لاس پوری کاندی. لکه چه دمسکو، خخه وروستیو رارسید لی راپورونو ښودلی ده، ددی امکان شته دی چه د المپیک راتلونکی بین المللی لو بی به مسکو کی وشئ.

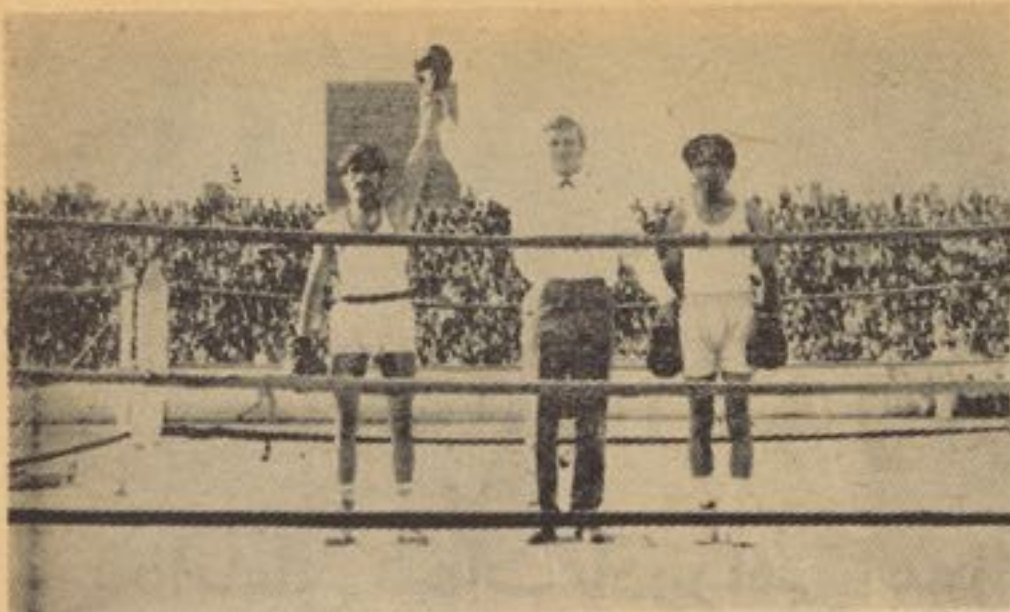
په جاپان، مکسیکو، او میو نیخ کنبی د وروستیو ورزشی لو بو خخه داخیره هم ثابت شوه چه دنړی دبیلو بیلو هیوادو او به تیره دالمپیک د بین المللی فدراسیون دغو هیوادونو ترمنځ د ډول کلتوری او فرهنگي تړونونه او تبادلوی تماسو نه به دواړو محلی او بین المللی ساحو کی دیر ارزښت او اهمیت لری.

پداسی حال کی چه به آسیا بی راتلو نکو لو بو کنبی دزیا تسو مدالونو د لاس ته وروړلو دپاره دبیلو بیلو آسیایی هیوادو د ورزشکارانو له خوا زیاتی هلی ځلی روانی دی گورو، چه به پرمختیایی هیوادونو کی تر هر خه دمخه د فوټبال د جام او پسه اتلیتیکي لو بو کی دنوو مدالو نو د گټلو په برخه کی د ورزشکارانو ترمنځ یوې مسابقې او تمرینات دوام لری، له بلی خوا باید وویل شئ چه دالمان داتحادی جمهوریت ورزشی ما هران هم چمتو شویدی چه به راتلونکو اتلیتیکي لو بو کنبی د زیاتو مدالونو د لاس ته راوړلو دپاره ددریمی نړی دهیوادو د ورزشی ټولو او اتلیتیکي خانکو سره مرسته او همکاری و کاندی. په اروپا او به تیره په ختیزو اروپایی هیوادونو کی د فوټبال د جام دپاره دچکوسلواکیا په گپون د مر کزی اروپا اودبالقان

دحوزی دبیلوبیلو هیوادونو ترمنځ هلی ځلی روانی دی اودادی پدی وروستیو وختونو کی دچکوسلواکیا د ورزشی لوبو د فدراسیون له خوا (چه په عین حال کی ددغه هیواد دخوانانو، د ورزشی چارو د تنظیم او انسجام وظیفه هم په غاړه لری) تجویز نیول شوی دی چه د ۱۹۷۵ کال تر پا یه پوری دراتلونکو اتلیتیکي لو بو دیسا ره د ورزشکارانو دوه تیمو ته چه دشلو او پنځه دیرشو کلونو به شاو خوا کی عمر ولری تر روزنی لاندی ونیسی ددغه کار خخه مرام او هدف دادی چه له یوې خواخوانو ورزشکارانو ته دمدال او بین المللی شهرت د گټلو زمینه برابره شئ او له بلی خوا د ورزشی لوبو او بدنې روزنسی د

# کلب آریانا

بوکسر ها بعوض غرور تواضع و برده باری را سرمشق کار خود سازند. سازمان و وسایل عصری را هنوز در دسترس بوکسر های ما قرار نگرفته .



دیگری پیروزی استاد بوکس کلب آریانا با بلند کردن دستش اعلان مینماید.



شیاغلی غلام جیلانی مدال موفقیت را بعد از انجام مسابقه نصیب گردید.

سازد. همچنان از چهره های جدید که انرژی کافی داشته و آینده درخشانی نصیبش خواهد شد قراریکه مشاهده گردید از جمله تمام مسابقه دهندگان چهره سیبورتی که خیلی خوب درخشید و تماشاچیان همه شاهد مسابقه اش بودند عبارت از شیاغلی شهاب الدین متعلسم صنف دوم لیسه حبیبیه که هنوز خیلی جوان و درست هژده سال دارد بایکی از بوکسرهای سابقه دار شیاغلی عزیز عزیزی روبرو شده و برنده گردیده دیده میشد که شیاغلی موصوف چطور با حریفش در داخل رینگ مشت های برق آسا حواله و با حمله عالی و ضربات پیهم با تخیل و تکنیک درست بوکس بطرف مقابل غلبه آورده بود. فکر میکنم که هرگاه این جوان تشویق شود در آینده یگانه بوکسر با قدرت و توانایی کشور خواهد بود.

از اینکه در جریان مسابقات اخیر ریاست المپیک از روش اساسی بین المللی تا جای استفاده نموده بودند کاری بس خوبی است و از شروع این مسابقات تقریباً پیش می رفت اما متأسفانه که ریفری های دور رینگ (جدج) های افغانی مابه سیستم جدید آشنایی کامل نداشته و تنها يك نفر متخصص هند وستانی بود که راستی شیاغلی موصوف خیلی خوب قضاوت میکرد و از طرفی چون به یکی از بوکسر

رینگ که بخارج بود . چنانکه اکثر سیبورتین ها از جریان واقف هستند بدون تمرین توانست حریف خویش شیاغلی عزیز و کیلی را در دو دقیقه اول و شروع روند دوم ناک اوت

صحبتی داریم با شیاغلی غیاث الدین فخری آمرکلب آریانا پیرامون ورزش بوکس در کشور .

شیاغلی فخری که خود از ورزشکاران سابقه دار کشور است کنون در کلب آریانا که خود از جمله کلب های دارای عمر نسبتاً درازی میباشد وظیفه رهنمائی ورزشکاران را به عهده دارد .

شیاغلی فخری در مورد کلب آریانا چنین گفت :

در سال ۱۳۴۵ کلب آریانا از طرف رئیس المپیک وقت افتتاح و به عضویت دائمی المپیک پذیرفته شد که تا کنون در جایگاه از طرف ریاست المپیک برای کلب تدارک شده به تمرین خود دوام داده است . اعضای فعلی این کلب بیشتر از ۲۰ نفر میباشد . از ابتدا تا کنون بیشتر از چهار صد نفر بوکسر در این کلب تربیه شده و حالا اکثر خود استاد هستند که هرگاه به وقت ملتفت شویم تمام این کلب ها از کلب آریانا منشاء گرفته اند زیرا بعد از کلب معارف کلب بوکس آریانا یگانه کلب قلمداد شده میتواند.

اعضای کلب آریانا مسابقات زیادی انجام داده اند که از جمله در مسابقات که در پولی تخنیک و ادیتوریم پوهنتون که از طریق کمیته پالندون بین کلب های آریانا و پولیتخنیک و اختری و غیره صورت گرفته بود کلب آریانا اشتراک نموده بود که نتایج آن ۹۰ فیصد به



همه روزه در کلب آریانا جوانان به تمرینات بوکس می پردازند.

# اساسات آموزش لغت

## آیا اطفال کلمات مادر را می آموزند و یا این موهبت فطری است؟

شاید بزرگترین قدرت و توانایی که انسان در اختیار دارد، توانایی و دست رسی به آموختن لغت و زبان مادر باشد، آموزشی که در خلال سال های اول زندگی دست میدهد.

وقتی انسان حوادث و پیش آمد های مادی و محسوس را، برآموز و افاده های لفظی و لغوی ترجمه میکند، موقع می یابد بسا از امور و مسایل رادر ذهن و فکرش بچرخاند و سلوک و روش هایی را که او را در انتقال بسوی جهان نامریی، کمک میکند، بخاطرش جابدهد.

دانشمندان علم النفس و لغت از دیر باز، به آموزش این موهبت تلاش و مساعی بفرچ داده اند، ولی این تلاش ایشان بی ثمر نماند و بالاخره با علم جدیدی آشنا شدند که نامش را سایکولوژی لغوی، گذاشتند و اکنون ماکه درصدد بحث ازین موضوع هستیم، بایستی قبل از کنجکاوی و تحقیق درباره و پیش از بحث پیرامون کیفیت و چگونگی آموزش لغت، این سوالات را مطرح نماییم که: لغت از چه بوجود می آید؟ و چگونه تشکل می کند و موجود میشود؟ از نگاه ظاهر، لغات انسانی در حدود ونحوه های گوناگونی جلب نظر میکند، ولی این نظر تانظریک فرد سایکولوژیست لغوی، تفاوت مینماید بدین معنی که او بدون اندیشه و تردد میداند که در میان این لغات برخی از صفات و خصایص عامه تقسیم گردیده است، بنابراین بحثی که حسب آتی دنبال میشود، هرچند مستند به آموزش جاری در لغت و زبان انگلیسی است، ولی بدلیل آنکه مبادی عمومی بر همه السنه و لغات، قابل تطبیق میباشد، لذا بران می پردازیم:

### مستوای تحلیل لغوی:

از میان خصوصیت های عامه ای که در همه السنه و لغات انسانی، شایع است، وجود بنای اساسی لغوی، و وجود يك منظومه بنایی است که متدرجا از واحدهای صوتی بسیط، به وحدت پیچیده فکری، میرسد و انسانها در زمینه فهم و درک کلام يك سلسله دلالت ها و اشارت ها، درمستوای ها و سویه های از هم متفاوت، اعتماد و اتکا مینمایند و از پهلوی این دلالت ها باین

تنظیم لغوی، پی می برند که اکنون این موضوع رادر مستوای فونولوژی، نحوی و دلالتی، مورد بحث قرار میدهم:

### فونولوژی (علم وحدت صوتی):

در فونولوژی، واحدهای اساسی صوتی که مجرای کلام را تشکیل میدهد، مورد اهتمام بیشتر قرار داده میشود، زیرا (فونیمه) یعنی وحدت صوتی اساسی یکی از لغات، نوعی از اصواتی است که متکلمین يك لغت، بخاطر آنکه در آن برخی از صفات ممیزه نسبت بسایر لغات موجود است، آنرا بر تری و امتیاز میدهند و در حقیقت، این صفات ممیزه، يك لغت را از دیگر لغت، جدا و مجزا میسازد.

چنانچه صوت، در حرف (س) غیر صوتی است در حرف (ث) و حرف (ص) و در عین زمان، این موضوع با ثبات رسیده که انسان نمیتواند بدون از فرق میان وحدت صوتی، به فهم و درک لغت کلام، موفق گردد و در حقیقت فهم لغت مشروط است به برقراری تمیز و جدایی میان وحدت صوتی، و کودکان و اطفال نیز در پیشرفت خویش بسوی نمودی تدریجی مطابق به همین قاعده و فورمول، گامهای تدریجی به پیش برمیدارند که تجارب نمو و رشد ایشان این حقیقت را روشن ساخته است.

### مستوای نحوی و دلالتی:

در مستوای نحوی، در میان تشکل کلمه و حرکات و اعراب آن، تفریق بعمل می آید و این از آن جداساخته میشود، در لغت انگلیسی وحدت صوتی با هم ترکیب می یابد و وحدت کلامی (مورفیم) يك صد هزار بالغ میگردد. وحدت کلامی که عبارت از خورد ترین وحدت کلام معنی دار است، گاهی يك کلمه را تشکیل میدهد و گاهی نمیتواند کلمه را بسازد، چنانچه می بینیم کلمه (حب) یعنی محبت، يك وحدت کلامی است، اما کلمه (حبی) یعنی محبت من، دو وحدت کلامی را تشکیل میدهد، به طوری که از کلمه (حب) و حرف (ی) نسبتی، بوجود می آید.

کلمه عبارت از يك تنظیم اساسی است که از حروف (بصری) و یا اصوات (سمعی) بوجود

می آید و در عین زمان، بخش عمومی اشیاء، حوادث و فعالیت ها و غیره رادر خود تمثیل مینماید. بعضا کلمات، پرچیز معین و خاصی دلالت میکنند از قبیل کلمه انسان در حالیکه قسمت اعظم کلمات، بريك بخش وسیع اشیاء دلالت مینماید و برای مثال از کلمه (قرد) نام می بریم که شامل معانی متعددی میباشد. کلمات، مطابق به قواعد و اصول نحوی، در جمله ها و عبارات، بطور وسیع تری تجمع میکند و این قواعد، چگونگی اتصال و پیوند يك کلمه را با کلمه دیگر و نظم و ترتیب آن را حد بلندی و تنظیم مینماید تا بدین وسیله جمله مفیدی تشکل کند و بوجود آید.

یکی از دانشمندان این رشته، در سال ۱۹۷۵ سنجدیده بود که عنصر اساسی عبارت از جمله ایجابی بسیط است و نیز این جمله اساسی بسیط، مطابق به قواعد و فورمول های نحوی اشکال متعددی را بخود میگیرد، چنانچه جمله (احمد خورد) را میتوان بحدیث مثالی از جمله اساسی بسیط، متذکر شد و هم ممکن است این جمله را با تغییر اندک درین اشکال بخوانیم که: خورد احمد، احمد نمیخورد، احمد بسیار خورد و یا اینکه: احمد نخورد، و امثال اینها.

قواعد اساسی، طبعاً از يك لغت تالفث دیگر متفاوت میشود و هم این قواعد و تغییرات آن در برابر همه لغات، يك نسبت عمومی و بدون از امتیاز دارد.

بعضا حوادث و رویداد های لغوی، معنی دار میباشد ولی برخی از آن فاقد معنی بوده معنایی در آن سراغ نمیشود و آموزش معانی لغات را بنام (علم دلالات الفاظ Sewatics یاد میکنند.

بعضی از کلمات و یا مجموعه ای از کلمات، معنی دار میباشد، زیرا توسط آن صورت های معینه، مستحضر میگردد، و برخی دیگر کلمات آن معنی را ندارند که بطور مصطلح در آن جا داده شده و شکل اصطلاح را بخود گرفته است و بلکه برخی از کلمات و هم مجموعه ای از کلمات وجود دارد که معانی آنرا از خلال ارتباطات و پیوند های عاطفی و با عقلی آن،

میتوان درک نمود.

همچنان درک معنی کلمه، وابسته به سیاق و رانندش آن، و هم وابسته به لهجه و طرز ادایی میباشد که در الفاظ صورت می گیرد. برای مثال، برخی از کلمات معانی متعددی را افاده میکند و هرگاه در استعمال اینگونه کلمات سیاق تلفظ و لهجه گفتار و آدا، بخوبی مراعات نگردد، مخاطب نمیتواند معنی خاصی را که متکلم از میان مدلولات متعدد کلمه، در نظر دارد، درک کند و عکذا جمله (صبح شما خوش) گاه گاهی با لهجه خاصش، در برابر وظیفه داری که ناوقت سرکارش حاضر شود، معنی توبیخ و سرزنش را میرساند.

### واقعیت سایکولوژی تحلیل لغوی:

آیا این وحدت و مستویات و قواعد، حامل واقعیت سایکولوژی، برای متکلم و سامع خواهد بود؟ و آیا خواهد توانست يك واقعیت سایکولوژی را بالفعل، نسبت به گوینده و شنونده بازگو نماید؟

علمای سایکولوژی لغت، برای جوابی باین سوال، به تغییر دادن يك عنصر لغوی واحد، دست زدند و بعد، نتیجه و اثر آن را بروی تجربه، تحت ملاحظه و دقت قرار دادند.

### فونولوژی (علم اصوات کلامی):

آنها بیکه در مستوای فونولوژی، به بحث و تحقیق، دست زدند، موفق شدند تا خصوصیت های مادی صوتی رادر داخل حدودی معین، قید کنند و درک و فهم آنرا نیز ممکن و میسر سازند، و هم دریافته اند که برخی از اشکال جسدی که با هم تشابه کامل دارند، همانند وحدت صوتی از هم متفاوت، درک میشود، چنانچه این موضوع در نسبت Da و Ga و بخوبی صدق میکند، در حالیکه اینها وحدت دیگری نیز وجود دارد که بتمام معنی از هم متفاوت قرار دارند، چنانچه در نسبت بین Da و Ga این واقعیت، بمشاهده میرسد.

حقیقت مسلم عبارت از عدم وجود تشکل جسدی واحدی است که با درک هر وحدت صوتی، موازی و همگام پیش میرود که این وحدت صوتی را برای مثال در حرف (دی) می یابیم، این دانشمندان آنچه را که مایه حیرت و تعجب میداند موضوع کیفیت تشخیص دادن شنونده است وحدت صوتی واحد را از مجرای کلام.

### Morphewics

علم وحدت کلامی در لغت انگلیسی، وحدت کلامی در جمع نمودن باشکال سه گانه میباشد و این نیز بحسب وحدت صوتی اخیر اسم، صورت می گیرد بطوریکه حرف (اس) در پهلوی يك کلمه مثل



Trick و همچنان حرف (زید) (z)  
 با کلمه ای مثل Brid و نیز حرف  
 zi بایکبار کلمه هاز قبیل کلمه  
 افزوده میشود .

و در عین حال، میتوان قواعد د قبی برای  
 استعمال هر صیغه در حالات معینه، تعیین نمود  
 و لکن باید پرسید که آیا آنها بیکه بزبان و لغت  
 انگلیسی حرف میزنند، این قواعد را شناخته  
 اند؟ و یا می شناسند ؟

به اساس تجاربی که (بورگو) در سال  
 ۱۹۵۸ بر یکصد و هشتاد و پنج نفر از  
 شامل صنوف ابتدایی مکتب بودند، انجام داد،  
 این مطلب واضح گردید که اطفال و مخصوصا  
 شاگردان صنف اول ابتدایی، به تفریق حالات  
 معینه صیغه، توانایی دارند .  
 و این نکته نیز درخور توجه و یاد آوری است

که «بورگو» اسمی فاقد معنی را در تجربه خود  
 مورد استعمال قرار داده بود و هرگاه کلمات  
 معنی داری از قبیل Trick و Brid  
 را استعمال میکرد، در آن صورت، سوال بدینگونه  
 مطرح میگردد که : آیا اطفال قواعد را میفهمند  
 و یا آنرا با اساس سمع و شنیدن، تطبیق مینمایند؟  
 و علاوه بر آنچه بنام (شناخت قاعده کلامی)  
 یاد میشود عبارت از داشتن قدرت و توانایی،  
 در استعمال آن قاعده به شکل صحیح آن نیست  
 و بدین طریق، تجربه دلالت واضح دارد بر اینکه  
 اطفال، این قاعده را می شناسند، زیرا ایشان  
 این قاعده را در مواضع و موقف های جدیدش،  
 تطبیق نموده اند .

تفسیر آموزش لغات :

بقیه در صفحه ۴۸

نویسنده : نورمان. م. بویسنس

ترجمه : صدری

# حسادت

دیگر حسادت بحث يك عقده روانی جایی برای خود باقی نگذاشته است . علمای روانشناسی درین مورد چنین ابراز نظر میکنند: امروز در دنیای غرب آزادی های اجتماعی آینه احساسات مردم آسمان را مگر ساخته و در معاشرت بین زن و مرد بی بند و باری هایی را رونما گردانیده است . چون احساس حسادت در گذشته از جمله عکس العمل های ساده و خوش آیند و بخشنودنی بشمار میرفت امروز قدیمی شده و در شرف از بین رفتن است .

یکی از علمای اجتماعی بنام رابرت بلود نداشتن حسادت سلیم را ضایعه پنداشته میگوید: که از آوان آزادی و مساوات بین زن و مرد، حسادت در بین مردم رويه زده شده است . رابرت بلود را عقیده بر آنست که باید با حسادت های بیجا و بی مورد مجادله شود و از تبارز منفی این احساس جلوگیری بعمل آید .

چندی قبل مصاحبه بایک تعداد کثیر مردم اعم از جوانان و کهن سالان صورت گرفت که صحبت ها تنها در مورد حسادت بین زن و مرد و دلدادگی ها نبوده بلکه حسادت بین اعضای فامیل، دوستان، همکاران و رفقای که با هم آمیزش همیشگی دارند مورد مطالعه قرار داده شد . بعضی از جوانان اصلا به جواب سوالات نمی پرداختند زیرا فکر میکردند که بالای همچو يك موضوع قدیمی حرف زدن زاید بوده

و پسمانی روحی شخص شانرا نشان میدهد . یکعده مصاحبه کنندگان حسادت را تایید نموده از موجودیت و لزومش پشتیبانی کرده ضرورتش را برای اجتماع مفید میخواندند و میگفتند که حسادت زاده تمایلات انسانی و دوستی و علاقمندیست .

علمای نظریه طرفداران حسادت را تایید کرده و میگویند : اگر همچو احساسات از بین برود موثریت بیشتر خواهد داشت . زیرا حسادت سلیم جزو تمایلات انسانی بوده و فقدان آن خالیگاه روانی بوجود می آورد .

طی مصاحبه ای که بایک معلم جوان بعمل آمد . موصوف حسادت را چنین توضیح نمود که موجودیت حسادت دوستی و تمایلات را تثبیت و تایید میکند و بین انسانها فضای صمیمی را ایجاد می نماید . البته عکس العمل های شدیدیکه باعث از بین رفتن دوستی ها شود جائز نیست . احساسات باید طوری رهنمایی

و زیربوم عکس العمل افکار خود انسان بوده سرچشمه آن در «من» خود انسان نهفته است و نمایانگر توقعات شخص حسود از دیگران میباشد .

چنانچه احساس یکدرد جسمی زاده مریضی يك عضو بدن است حسادت هم زاده يك برابرلم و عقده روانی میباشد برای توضیح بیشتر این مفکوره سرگذشت یکی از مصاحبه کنندگان را بطور مثال می آوریم :

يك خانم ۲۳ ساله بنام لیندا بر شوهر خود خیلی حسود بود . شوهر لیندا وکیل دعوی بوده و در دفترش چندین سگرتی کار می کرد که یکی از آنها کاتی نام داشت و عروسی نکرده بود .

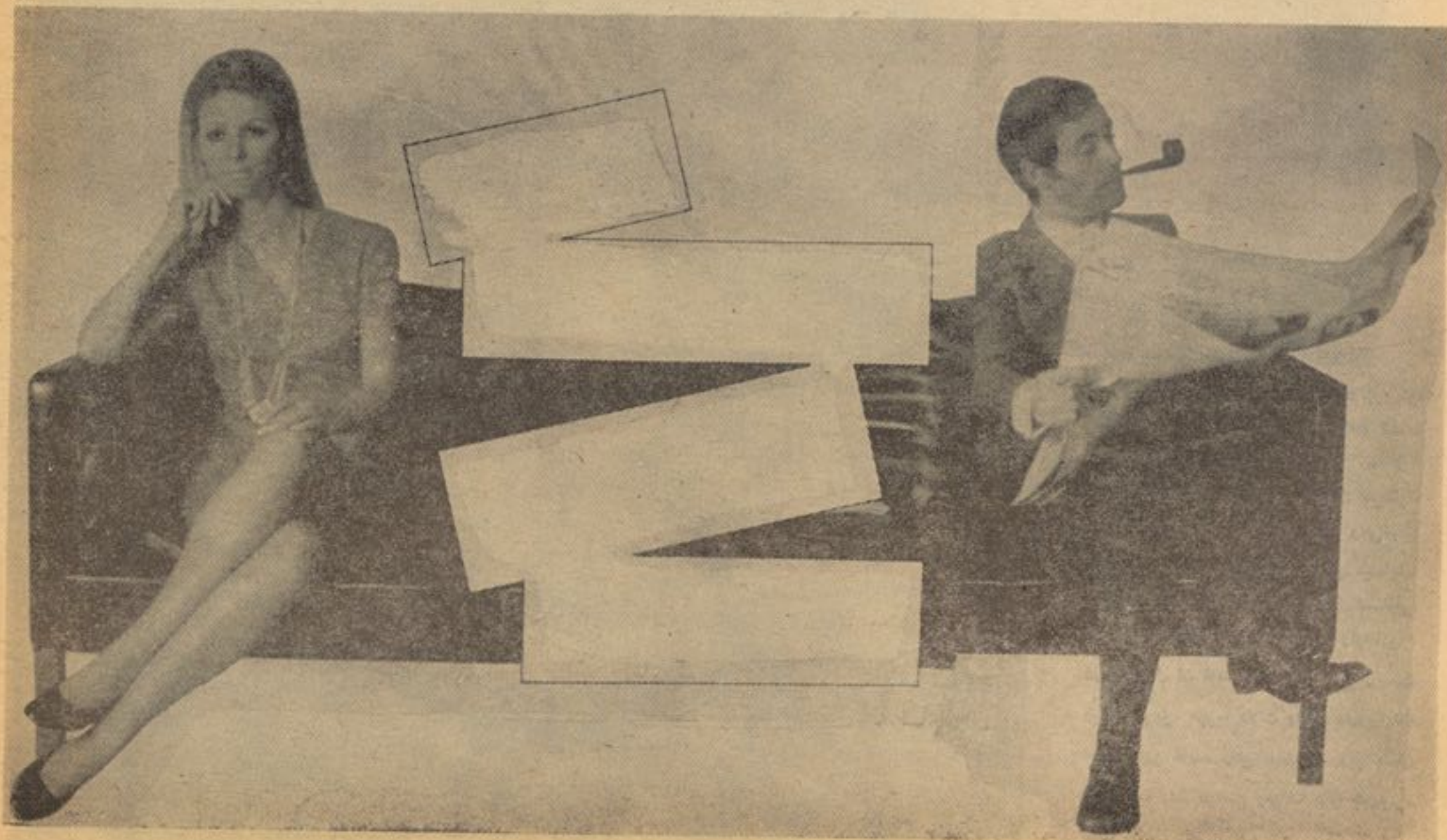
چون کاتی در امور دفتر داری خیلی استعداد داشت شوهر لیندا گاه گاهی از او یاد می کرد و تعریفش را مینمود تا بالاخره مفکوره حسادت در لیندا ایجاد شده و باعث مشکلات روانی وی گردید .

بالاخره در يك دعوت لیندا و کاتی با هم مواجه شدند . و معلوم میشود که شوهر لیندا اصلا به زنانی مثل کاتی و امثالش علاقه مند بوده نمی تواند . لیندا بی طرفانه بالای موضوع فکر میکند و نقص را در وجود خود جستجو مینماید .

چون استعداد و ذکاوت کاتی از طرف شوهر لیندا دوباره تایید میشود شوهر لیندا تعجب میکند که خانمش تمایلات یالا وی را غلط بقیه در صفحه ۵۹

مردد که باعث ایجاد بدبینی ها شود . دانشمندان روحیات این نظر را تایید میکنند و به اشخاصیکه حسادت را عتیقه و قدیمی میدانند توصیه میکنند که روان آنها سالم نیست زیرا حسادت از تمایلات و دوستی عمیق بین انسانها سرچشمه میگیرد اگر این احساس در انسانها موجود نباشد قابل تشویش است . بعضی از علمای میگویند که حسادت وقتی بروز میکند که عقده پیدا شود در آن صورت انسانها مجبورند که عکس العمل های خود را با تعمق تحلیل و ارزیابی نمایند لهذا باید موضوع حسادت بیطرفانه و بدون قضاوت قبلی مورد مطالعه قرار گیرد و کوشش شود تا منبع و منشأ حسادت تثبیت گردد . و جوانب منفی و مثبت آن ارزیابی شود .

یکرا از علمای روانشناسی میگوید که احساس حسادت بطور عموم زاده تخیلات انسان است





# شعر

## در یاد دل

دور از تو هر شب تاسحر، گریان چو شمع محفلم  
تا خود چه با شد حاصلی، از گریه بی حاصلم

چون سایه دور از روی تو، افتاده ام در کوه تو

چشم امیدم سوی تو، وای از امید با ظلم

از بسکه با جان و دلم، ای جان و دل آمیختی  
چون بخت از آغوش گل، بوی تو خیزد از گلم

لبریز اشکم جام کو، آن آب آشفام کو  
و آن مایه آرام کو، تا چاره سازد مشکلم

در کار عشقم یار دل، آگاهم از اسرار دل  
غافل نیم از کار دل، و زکارد نیا غافلیم

در عشق و مستی داده ام، بود و نبود خویشتم  
ای ساقی مستان بگو، دیوانه ام یا عاقلیم

چون اشک میلرزد دلم از موج گیسوی، رهی  
با آنکه در طوفان غم، دریا دلم دریا دلم

## از نهایت تاریکی

ای با امید آمدنت سر سبز

باغ نگاه زرد پرستو ها

از چاه

از نهایت تاریکی

بیرون ای

- با گونه ای فراخور خورشید صبحگاه -

درد سیاه چشم رسولان را

- در لحظه های تلخ،

در انتظار جاری -

با سرمه ای به روشنی (نیل)

میل سید نقطه پایان کش

ناصر امیری

## ناکام

از خرم گل عطر ترا وام گرفتم  
دیوانه و توفان زده ای ساحل امید  
چون موج، در آغوش تو آرام گرفتم  
سر گشته تراز باد صبا بودم و چندی  
در سایه عشق تو سر انجم گرفتم  
خوشبوی ترا ز یاس و گل یاسم تا  
پروانه صفت از لب تو کام گرفتم  
بایاد تو از دست غمت جام گرفتم  
دور از تو میندار که هشیار نشینم  
من راه تویی دانه و بی دام گرفتم  
ای وحشی از دام گریزان به چه الفسون  
داد دلی از گردش ایام گرفتم  
با آنچه آزادگی و سر کشی آخر

از (بدر) گلشت و سرت ایلدوست سلامت

من دامن از توبه ناکام گرفتم

از: ترویج

لرغونی ادب

## دعشق اور

شولی دوه سترگی می ستایه نور خلور اوس  
خکه سر تندی وهم گهریم په شور اوس  
ویری تیری مدام ستا په درگی پروت یم  
یو وار نه شوم یاره ستایه مینه مو اوس  
همیشه داستا په لوری منتظر یم  
که نه راشی تور اوربل په ویغو خبو اوس  
ستاله لوری ډیر پرظلمونه په ماخواردی  
ودی سومه بی گناه د عشق په اور اوس  
که په کم گفتار د زبه را خینی بد وی  
په ویلیو توب نه وایم نور اوس  
واره عمومی تپاه شه ستا په غم کی  
خکه زاپم په نارو گهریم په شور اوس  
زه احمد ستا په ماتم کی اوس حتمه  
سینه سوی تشنه لب گهریم په شور اوس  
احمد خبران

## مینه

مینه خه د . مینه اور دی  
 د مین په زړه کی شود دی  
 مینه ژوند بختی انسان ته  
 پورته بیا یی بی آسمان ته  
 مینه خومره ښه مفهوم دی  
 چی خوبی بختی جهان ته  
 مین هر چا سره ورور دی  
 د مین په زړه کی شود دی  
 مین ښه دی چی صادق وی  
 محبو با لره واسق وی  
 که دانه وی خوشی زور دی  
 د مین په زړه کی شود دی  
 چی مین غوږ په وطن وی  
 ورته گران له خان مسکن وی  
 سر و ماله خنی تیر و ی  
 نور خه نه دی بس عاشق وی  
 نور خه نه وینی په سترگو

## سپیده عشق

آسمان همچو صلیحه دل من  
 روشن از جلوه های مبتابست  
 امشب از خواب خوش گریزانم  
 که خیال تو خوشتر از خوابست

غیره بر سایه های وحشی بید  
 میخزم دو سکوت بستر خویش  
 باز دنبال نغمه ای دلخواه  
 مینهم سر بروی دفتر خویش

تن صدا ترانه میرقص  
 در بلور ظریف آوایم  
 لذتی ناشناس و رویا رنگ  
 میلود همچو خون بر گهایم

آه گوئی زخمه دل من  
 روح شبگرد مه گذر کرده  
 یانسیمی درین ره متروک  
 دامن از عطر یاس تر کرده

بر لبم شعله های پوسه تو  
 میگویند چو لاله گرم نیاز  
 در خیالم ستاره پر نود  
 میدرخشد میان هاله راز

ناشناس درون سینه من  
 پنجه بر چنگ ورود میساید  
 عمره نغمه های موزونش  
 گویا بوی عود میاید

آه ، باور نمیکنم که مرا  
 باتو پیوستنی چنین باشد  
 نگه آندو چشم شود افکن  
 سوی من گرم و دلنشین باشد

بیگمان ز آن جهان رویایی  
 زهره بر من فکنده دیده عشق  
 مینویسم بروی دفتر خویش  
 «جاودان باشی ، ای سپیده عشق»

## دایشیا افتخار

ای زموږ ښکلیه وطنه !  
 ای دلوۍ افغان مسکنه !  
 ته خانکو دمیر نویی !  
 ته ټا بوبی دزموږ یی !  
 روز نځای دتوریالویی !  
 دمیرویس ، احمد مدفته  
 ای زموږ ښکلیه وطنه !

هغو بونه دی باللی  
 تاریخونه دی چوپ گری

غلیمان دی خپل دټلی  
 ای دلوۍ عظمت څښتنه !  
 ای زموږ ښکلیه وطنه !

تابه ستایو ، تابه پالو زموږ خانه  
 افتخار دایشیای زموږ گران افغانستانه  
 تر خپل مال و سر به تیر شونه له تانه  
 په سر و وینو به دی ساتو زموږ تنه !  
 ای زموږ ښکلیه وطنه !  
 ای دلوۍ افغان مسکنه !

(شپین)

## رسوا تر از من

ای در طریق عاشقی شیدا تر از من  
 شعر لطیف سا دهات زیبا تر از من  
 در عشق شورا نکیز ، من رسوا تر از من  
 اما تویی ای نازنین رسوا تر از من  
 چشم هو سبار تو گو ید رازمستی  
 لعل لب جانپور ت کو یا تر از من  
 خواندم بشوق وصل شعر د ل نوازت  
 گفتی که تنها بی تو و تنها تر از من  
 گر را ست میگو یی قدم بر چشم مانه  
 بگذار بار باره ای با لا تر از من  
 آغو ش بگشا لعل شیر یمن بر لبم نه  
 در عشق اگر با شی تویی پر وا تر از من  
 در بستری ینها ن شو یم از چشم اغیار  
 لکن تو گردی محو وفا پیدا تر از من

د «عقيليه کلي بشپړ وړان شوی دی. موږ وينو چه په منظمه تو گه داسرا ييليانو له خوا بمباری شوی دی. خود دغه کلي د شپاړس زرو پنځه سوه تنو استو گنو څخه يی يواځی اوه زره تنه بيرته راستانه شول. پداسی حال کی چه شپاړس زرو پنځه سوه تنو دغه کلي پر يښی و. پرون موږ ته تلفون وشو اودهغه په ترڅ کی يی موږ ته ويل: «ستا سو له رپوټ څخه تشکر په عقيليه کښی ټول وړانو ونکی عمليات بندشویدی وړانی او تخریب بند شوی وڅو هغه خلک چه بيرته را ستانه شول پرته له کنډوالو څخه يی بل څه ونه لیدل. دا وحشت او وحشيگری ده...»

هغه بيا د ۱۹۶۷ کال د جولای د دویمې ورځی په خاطرو کی وایي: «وروسته تردی چه ما هغه ماشومان چه د بمونو په وسیله ټوټی ټوټی شوی او وژل شوی و، ولیدل، اوس ماشو مان اونارینه خپلو کڼو والو ته هک حیران پاتی دی داور شیلسم زړی او له خاطرو څخه دکی ډبري تردی وروسته ماته هیڅ رنگت او مفهوم نلری. نه هن دعسی هدیږه اونهدیوال اونه هغه جو مات ...»

زه یواځی په هغه ډار او وحشت باندی فکر کوم چه په ټولو با ندی حکم چلوی اود ټولو غو نی سیخ شویدی. زه د دنیا دعانو په مرگ با ندی فکر کوم بی لدی چه فکر وکړم هغوی څوک دی. اوس اوس موږ دلته دهغه څه شاهد یو چه اسرا ییلی مقامات نه غواړی موږ یی وینو یعنی، دری عربی کلي چه دهوس په اساس اوبخبل سر په دینا میتو باندی وړان شویدی، اود اسرا ییلی ټانکو نو تر څنځیری او څیرو ازابو لاندی په اړت میدان باندی بدل شویدی. او یوځی تراکتورونه چه بیر لری دغه عربی خاوری د خپلو یخوا نیو ټولو څخه پنځلس کیلو متره، وړه پوری ونیسی اووی کړی او په اسرا ییلی کروندو کی یی گدی کړی ښاغلی مایکل آدامس په خپلی مقالی کی چه عنوان یی دی، «په عربی آواره گانو باندی د زور اوستم حکومت» او په گاردین کی خپره شویده لیکي، «ماخلور کاله په آلمان کی دیوه یوځی بندی په تو گه تیر کړیدی. او ډیری مسکی ټیټی می

هغه څه چه پدی کو چنی جزیره کی یی رپوټ ورکړی شویدی یو شمیر جنایتو نه دی چه صهیونیستی استعمار یی په فلسطین کی کوی او دا له خپل فاشیستی واقعیت سره صهیونیزم دی نژاد پالنه. قهر او ترور یزم.

اود ځمکو پراختیا غوښتنه. تاریخ دانسان د ژوند له لومړی سره تر اوسه پوری د ډیرو غمجنو پښو څخه کیسی کوی او فلسفین لدغو غمجنو پښو څخه یوه پښه ده چه موږ یی اوس دسر په ستر گو وینو. دا حقیقت لری چه د فلسطین مساله له هغو گڼو مسالو څخه یوه مساله ده چه امیر یالیزم منځ ته راوړی ده، خو سره لدی به هم دغه مساله په هغه فاجعی څخه ډک دریځ کی چه داستعمار په تاریخ کی یی موندلی دی، ایکی یواځی او منحصر په فرد پاتی شی.

د فلسطین مساله په خپل اصل کی دخلکو دبی کوری، شپل کیدو او دهغه داصلی او سیدو نکو دلالها. نده کیدو مساله ده. اودغه لالهاندی او بی کوری، د

دالف، الف ژباړه

دویمه برخه

## خو چه خس ټول کړو

مسیحی خور ماری ترزد خپلو هغو خاطرو په ترڅ کی چه ۱۹۶۷ کال دجون دمیاشتی په نهمه پوری اړه لری، بیا لیکي: «موږ جنازی په یوه کراچی کی هدیږی ته لیر دوو او کله چه هدیږی درشل ته رسیدو نود لاریو یوکاروان موځی ته راځی چه چه موشی دایان او لوی اشکول او نور اسرا ییلی مشران یکی ناست دی.

زه هغو جنازو له مخه ځادر لری کوم چه په کراچی کی برتی دی اوبه ښځو او ماشومانو پوری اړه لری په همدی شیه کی یو اسرا ییلی سیاهمی چه ماشیندار وړ سره دی په ماباندی برید کوی اوچیغه کوی: «په جنازو او مړو باندی ځادر بیر ته وغورځوه.»

زه بیرته په جنازو باندی ځادر غورځوم. ددی دپاره نه چه دعسکر امر می په ځای کړی وی، بلکه دجنا ژود درناوی او احترام دپاره. اوددغه غیر، څیره او دوینا طرز د ۱۹۴۰ کلو نو ته بیا ورکاږی.

ماری ترز به خپلو هغو خاطرو کی چه ۱۹۶۷ کال دجون په ۱۵ پوری ورځی په خاطرو کی لیکي:

فلسطين اصلي خلکو ته پخپل کور او خپل ټاټوبي کې پېښه ده. او له هغوی څخه يې کور، سره له مليته اخیستل شويدي. دغه طرحه چه د فلسطين خلک دی بايدله خپل ټاټوبي څخه لالمانده او وشړل شي دلومړی ځل دپاره دامالازارو س له خوا وشوه چه په ۱۸۴۹ کې زېږيدلی او په ۱۸۸۷ کې مړ شويدي، صهيو نيستی مشرانو دغه شعار په واقعيت باندی بدل کړ او د خپل نهضت دسرلوحی په څير يې داستفا دی وړ وگرځاوه. اودا شعار داميريا ليزم له اعما لو سره اور گانيک پيوند لری.

دغه وروستی واقعيت په روښانه توگه په هغه ليک څرگند شوی دی چه داکتر وايژمن ۱۹۲۱د په جولای کې چرچيل ته ليکلی دی. هغه پدی ليک کې ليکی:

..... که مادا باور نه لرلای چه په فلسطين کې دانگلستان اوصهيو- نيزم دگټو ترمنځ وحدت او يووالی يوطبيعی اتحاد لری اوس به می دغه ليک تاسو ته نه ليکه...

په هر حال صهيو نيزم دما هيت او طبيعت تحليل او له امير يا ليزم سره يې اور گانيکي اړيکي ددغی ليکنی په چوکاټ کې چه هدف يې دصهيو نيزم داعمالو له څيری څخه دپردی لری کول او په عمل کې دهغه ښودل دی، نشی را تللی.

صهيو نيزم د خپل کار له پيل څخه وروسته ترما دی دنوح تو فان پېښ شی، روش په مخکېښی نيولی دی.

دصهيو نيستو بريښانده مشرانو څخه يې په خپلو هڅو کې يو هم پدی فکر کې نه و چه راتلو نکي پېښی او وروستی عواقب به څه وی. او پدی توگه صهيو نيستانو ددی دپاره چه خپلی سکي په چلند کې وا چوی هغه وخت چه په فلسطين باندی ير غل وکړ داميره نکره چه يوه دپاندورا قوطی دهغی له ټولو عجایبو سره له ځان سره راوړی. دپاندورا دقوطی څخه هدف ديونانی الهی دپاندو راافسانی ته اشاره ده چه وايی مرضونه په يو ی قوطی کې له آسمان څخه څمکی ته راوړل شوی اود قوطی دسر پوښ له پورته کيدو سره په څمکه باندی خپاره شول، بی کوری، مرگ او مړينه، هغه کلی چه بمونو ورباندی الو ځول شوی، د اصلی هستو گنو بی کوره کول او شړل، کسات او غچ اخیستو نکي

عمليات او په ډله ايز ډول دخلکو وژل اونشت کول دفلسطين پو ځی خلکو ته دصهيو نيستا نو سوغاتونه دی چه له ځانه سره يې راوړی دی. اودا ټول دغچ اخیستلو عمليات دغه مرگ او مړينه، لوبزه اوفقر، کابوس او ترورزمی هغه بد ازمغا تونه اوکر- کجن سوغاتونه دی چه له صهيو- نيزم سره دی خاوری ته راوړل شوی دی. اوبدغی مقدسی سیمی کېښی په خلکو باندی تحمیل کړی شويدي.

دايو حقيقت دی چه په پيو ديانوله نازی قوتونو څخه ډير ستمو نه ليدلی، خو داڅيره او دغه واقعيت په هيڅو چه اسراييليستانو ته دا حق اوواک نه ور کوی چه ديوه معنوی ملی هیواد دمنځ ته راو ستلو دپاره دديا لس مليون تنو هغو يهوديانو په خاطر چه په بيلا بيلو هیوادو کې له ډول ډول مليتونوسره ژوند کوی، يواځی ددری مليونوتنو دپاره دنازی کو ماندو گانو په شان ديوه وطن اصلی هستو گن وشړی. بداسی حال کې چه ددغی مقدسی خاوری اصلی خلکو په سوونو کاله په خپل هیواد کې ژوند کړی دی. دا کټ مټ هماغه کاردی چه پنځه ويشت کاله وروسته دفاشيزم تر ماتې نن په اسراييلو کې عملی کيږی. په يوه توپير سره، دغه عمليات اوس دنازی

تروريزم دقربا نيانو په وسيله دهغه ولس په مقابل کې تر سره کيږی چه ښايی يواځنی ولس وی چه دخپل تاريخ له لومړيو وختو څخه يې تر اوسه پوری نسبت پهو دانو ته ښه اوبخښندوی نظر لرلی دی.

ډيره مسخره او خندنی خبره ده چه اسرا ييل دټولو صهيو نيستانو اود صهيو نيزم دغه يهودی صهيو- نيستی قهر مانانو له خوا دډمو- کراسی ټاټبه خو پدی ده عدالت آزادی او ټول هغه اوچت اصول چه بشریت ورته ددرناوی سر تپت کړی دی اود رښتينکي دپاره يې وينی توبی کړيدي، او مبارزه يې ورته- کړيده نن په اصطلاح همدغه قهر مانان ددغو عالی اصولو مدعيان دی. کله چه د«يهودود ملی خاوری» په خاطر صهيو نيستی تلاشونه، ډلو مړی ځل دپاره دبريتا نياد دپلو ماسی ترپردی شاته دلومړی جهانی جگړی په اوزدو کې پيل شول، صهيو نيستو مشرانو وکولی شول چه هر ځای دا خبره اعلان کړی چه گواکي هغوی داوظيفه لری چه نه يواځی دعرسو وروسته پاتی سيمو ته تمدن ورولی بلکه خپله ونډه هم دټول بشریت دعمومی پرمختگ په برخه کې تر سره کړی !!

پدی برخه کې نشی کیدی د- وايژمن هغه خبری رانقل نکړو چه

هغه په يوه ليک کې بریتا نيانه د- (ليدی کرو) لپاره ليکلی او لير لي دی. هغه ليکی: «موږ پدی واقعيت باندی خبر يو چه خپله ونډه موږ د انسان دپرمختيا په برخه کې تر سره کړيده اوهر کله چه د آزادو خلکو په دود په خپل آزاد هیواد کې ژوند وکړو دغه کارته به په اوچته سويه دوام ورکړی». (دغه ليک په هغه کتاب کې راغلی دی چه نوم يسی دی اسراييل او منځنی ختيځ چه هاری باليس ليکلی او په کال ۱۹۵۷ کې دنيو يارک درونالد پرس کمپانی له خوا خپور شويدي. دغه ليک دپورتنی کتاب په ۶۰ مخکی قيد شويدي.) هيڅوک نشی کولی له هغه نقش څخه منکر شی چه بريښنا نسده يهودی پوهانو په بيلو بيلو هیوادو کې په خپلو مړيو طو زمينو کې تر سره کړيدي. او طبعی ده چه ميڅو دغه حق او واک له يهوديانو څخه نه سيموی خود تعجب وړ داده چه اوس اوس چه صهيو نيستان خپلی هيلي ته رسيدلی دی او اسرا نيليان په «خپل آزاد هیواد» کې ژوند کوی. کومه ونډه يې دانسان دپرمختگ او تمدن په برخه کې سرته رسو لي ده؟ دی لپاره چه پور تنی پو ښتنی ته سم خواب ورکړی شو ښه به داوی چه نظری بحث

## نوریا



می باشد. فارم زراعتی غرض استفاده جوانان سیاهپوست فقیر بکار خواهند رفت. مغازه بیک مسجدی که مجبوز بیک باب خیازی، اتاق نانخوری و یک شیرخوارگاه باشد تبدیل خواهد شد.

علی میگوید: مفادمن ازدیدن اطفال مکاتب و از تداوی معتادین بدست خواهد آمد. من بیش از این بیول ضرورت و احتیاج ندارم. اما اگر وی کم خرج شود مسابقه مانند مسابقه مانیا بوی حصول ۴۴ میلیون دالر را تضمین میکند. در مسابقه بوکستنگ مانیا فرایزر دوملیون دالر بدست می آورد.

در مورد علی و فرایزر داستانهای وجود دارد. هنگامیکه علی لقب قهرمانی راز دست داد و جو فرایزر تاج قهرمانی را بر سر گذاشت، فرایزر در عقب پرده مساعی جمیل به خرچ داد تا علی رادو باره بمبارزه طلبد تا مگر موقف ازدست رفته خود را بگیرد. یکی از انگیزه های این امر، مساله مالی بود. زیرا علی یگانه رقیبی بود که میتوانست به فرایزر وعده حصول پول هنگفت دهد. ولی فرایزر بیش از حد با علی معامله نیک کرد. طوریکه خودش میگوید:

جو فرایزر تاب مقاومت را در برابر کلی از دست داده

## محمد علی کلی

بودن در دور یک جنگجوی بزرگ نهایت مسرت بخش است. این امر مثل کار کردن فقط بایک مسابقه دهنده نیست، این ملعون خود یک سازمان است.

علی امروز مالک یک عمارت قصر نما در نیواگوا، یک موسسه تعلیمی در پنسلوانیا، یک فارم زراعتی هشتاد ایکری در میشیگان و یک مغازه ۳۵۰۰۰۰ دالری در کلیو لیند

## دمینی سوغات

روان و بی له دی چه یو، بل دی دمینی دراز نه خبر شوی به لپولیو به بی ژول:

دژا به شیبو کبسی به کله به ناخایی توگه مسکی غوندی شوه او دخیل گران «پرتو» نه به بی دغه راز گیلی کولی.

— ماستا به جدایی کبسی دیری نا دودی وگاللی یوه زیاته موده ددازه مارانو به لاس کبسی بندی پاتی وم نه می دگرخید لو واک در لوده اونه دخورلو، ما به به خیلو نازکسو لاسونو باندی ورته دودی تیاروله او دوی ته به می به به ماسه ماسه کبسی کبسی بنو ده چه با لاخره آخر بی به خیله ددی خای نه کوچ وکرو اوزه یوازی او یوازی ستا به زره ورونکی آواز د خوب نه راپورته

«پرتو» منج خیلی سوفی ته را واپاره. او ورته بی وویل:

— زه پوهیروم چه دغه پول مشکلات زما دمینی نه درته پیدا شوی دی که چیری به لومپو وختو کبسی می ستاخاطر نه وای آزار کپی نوداسی د مشکلاتوسره به نه وی مخا منج شوی خو اوس چه مشکلات سرته ورسیدل نو بنه به داوی چه دوازه سره دخیل گم او دایمی ژوند دغوره کولو دپاره له دغه گوینه خای نه حرکت وکرو او دخیل واده جاری به بناری سویه به بنار کبسی سرته ورسوو خنگه؟ — دا هم زما داووده عمر یوازی نی آرزو ده، «پرتو» او «سوفی» ددایمی ژوند دملگریا به آرزو دگروندی خخه دمینار به لور روان شول او به دیره مینه بی دخیل واده جاری سرته ورسولی او به دی توگه یو، دبل دژوندانه دایمی ملگری شول.

مسابقه رابا فورمن در کشور زیر امضاء میکرد چانس موفقیت آن آنقدر زیاد معلوم نمیشد. ولی جرج برگشت آنچه را که فرایزرتوانست با جرات و شجاعت و قدرت زیاد انجام دهد علی آنرا با چال و بدستکاری روحیه عالی صورت داد.

علی در حالیکه بر تناب های رینگ تکیه زده بود با صدا ها و آواز های استیزآمیز صحنه را بر رقیب تنگ ساخته نه تنها انرژی و قدرت وی را از بین برد بلکه بر روحیه وی لطمه شدید وارد آورد. فورمن بیچاره دیگر نتوانست غرور و روحیه از دست رفته خود را ترمیم کند.

علی دیگر قوی شده رفت. باید گفت که حرکات پاهای علی در دوران مسابقاتی که انجام میدهند در اول آهسته میباشد ولی بالتدریج سرعت و قدرت میگیرد و بالاخره دفاعش بوی قدرت آن می بخشد تا با ابتکارات و متانت زیاد نیرو و فعالیت های از دست رفته را تلاقی نماید.

جو فرایزر که سی و یک سال عمر دارد دو سال از محمد علی کلی خورد تر است. هفته گذشته هنگامیکه فرایزر به مانیا وارد شد بقدر کافی در چهره اش دشمنی بمقا بل علی خوانده میشد. وی سر خود رابا قهرتکان داده بانگشت خود را بر قطعه عکس های اطفال خود کرده گفت: (به بینید پنج پسر مقبول مراست (چطور میشود که من یک گوریلا باشم. ما مجبور نیستیم که برای کسب پیروزی ویا کسب شهرت این نوع توهین بکنیم). ولی فرایزر گمان میکند که علی با این نوع کلمات فقط کسب شهرت نمی کند بلکه اصلا عراسی از لطمه بر حیثیت و کرامت رقیب خود ندارد. از همین لحاظ فرایزر اظهار میدارد که (من نمیخواهم او را ناک اوت کنم. میخواهم او را بکوبم و بعدا قدم بیرون کشم و تماشا کنم. من قلب او را میخواهم).

ولی غالبا قلب علی بدست فرایزر نخواهد

## اساسات آموزشی

### لغت

حینی که طفل به آموختن لغت مادر شروع میکند لازم است این چیزها را در اختیار داشته باشد:

- (الف) — وسیله جسدی برای سخن گفتن و اظهار کلام.
- (ب) — اداره و کنترل سالم سمعی و شنوایی که تغذیه و مواد لازم ضبط و تنظیم صوت های او را درست گیرد تا او بتواند به شنیدن صوت های دیگران، موفق آید.
- (ج) — دماغی که وظایف خود را بدستی انجام بدهد و حرکات دهن و حلق را ضبط کند و احساسات را در وی ذخیره نماید.
- (د) — داشتن قدرت و توانایی تقلید از کلام و سخن گفتن دیگران، درین حال، الی نمونه های از کلام و حرف های اجتماع میگیرد، زیرا طفل

هنگام مواجه شدن و برخوردش با اجتماع، لغت اجتماع را می آموزد و کسب مینماید.

عده ای از دانشمندان از قبیل (سکن) در سال ۱۹۵۷ و (مورو) در سال ۱۹۵۸ عقیده دارند که لغات عینا مطابق بمبادی ای که طفل توسط آن انواع دیگر سلوک و رفتار را می آموزد، آموخته میشود، پس طفل خورد سال قدرت و توان شناخت لغت را ندارد و لکن به تدریج بروی مهارت های لغوی، آنرا می آموزد که تقلید از سخن گفتن دیگران، وسیله خوبی برای اوشناخته میشود.

اما آنچه بیش از همه، مورد اتفاق دانشمندان واقع شده، این است که قسمت اعظم و بخش اساسی توانایی طفل در مورد آموزش لغت مادر و اجتماع، محصول مواهب فطری و غیر کسی خاصیت بشری او میباشد، همچنانکه لیشبرگ میگوید: (اطفال وقتی وارد مرحله معینی میشوند و نموی جسمی ایشان اندک اندک پیش میرود، پدیده تکلم و حرف زدن هم متناسب به آن، در آنها قوت میگیرد).

# ازدوستان

## گیاه سوخته

به سیرباغ چه خوانی درین خزان مرا  
گیاه سوخته ام ، با چمن چه کار مرا  
به بی نصیبی من بین درین چمن که نکرد؟  
نوازشی به نگاهی نه گل ، نه خار مرا  
مرا شکایتی از روزگار در دل نیست ،  
چون نیست چشم امیدی ز روزگار مرا  
بروز تیره خودگره ایدم که چرا ؟  
نه روزگار دعد کام دل ، نه یار مرا  
«غمکین» از من آزرده دل چه می خواهی  
دمی بعال دل خوشتن گذار مرا  
ارسالی : عبدالصیر «غمکین»

## چکیده اندیشه ها

همه به فکر آنده بشریت را عوض کنند اما هیچکس درین فکر نیست که خود را عوض کند .  
کسیکه میخواهد خوشبختی دیگران را ضایع کند مسلماً خوشبختی خودش قبل از آن بوده است .  
ناامیدی نخستین گامیست که شخص بسوی گور بر میدارد .  
انسان باید به مصایب کوچک مبتلا شود تا قدر مواهب بزرگ داند . (روسو)  
شما میتوانید گلی را زیر پای خود گذاشت اما محال است که بتوانید عطر آنرا در هوا محو نمائید .  
حیات بشر چون شبیم است که از روی گل نیلوفر میگذرد و می افتد . (بودا)  
من تحصیل فلسفه ، حقوق ، طب و حتی دینیات کردم . اینک هنوزم خوشتن را کاملتر و عاقلتر از پیش نیافته ام .  
بیم و امید جدائی ناپذیر اند امید بدون بیم وجود نتواند داشت ،  
توس همیشه از نادانی سرچشمه میگردد .  
ارسالی : نریمان ، ن و منصور واصل

پیوسته به گذشته  
سید اکرم صامدی

## هنگام غروب

بهار روز های آخرش را می بینم  
غروب بود آسمان منظره زیبایی  
داشت نیمه گلگون نیم نیلگون نقطه  
های درخشانی در میان این جا مه  
گردون میدرخشید .

من سراسیمه و حیران به موجود  
گمشده ام می اندیشیدم ، قدم بر  
میداشتم ناگهان موثر گل پویشی از  
کنارم گذشت . چشمم به موثر افتاد  
درست (او) را دیدم در حالیکه غرق  
در گل بود ، او هم مرا دید تکان خورد  
ولی چون سرابی بود که ناپدید شد .  
درست خودش بود خودش ، آنروز  
را پایان هستی و زندگی پنداشتم  
در حالیکه ( او ) زندگی نوینی را  
آغاز مینمود .

حینیکه به اتاقم رفتم میخواستم  
شمع حیاتم را با دستانم خاموش  
کنم . ولی عکس پدرم که روی دیوار  
بود گویا به زبان آمده گفت :  
« نشه که باد از مه ما درسرسپید

نموده بودم و به جام هستیم که قطرات  
شراب عشق و مستی آفرینم میداد نگاه  
میکردم و او گفت :

« روزی شود که آزادانه اینجا ها  
دست هم را گرفته از هوای گوارا ،  
لب دریا ، از دیدن امواج دریا که  
غرش کنان سینه به ساحل می کوبند  
احساس مستی کرده و از خوشی  
دست و پا زنیم ؟ »

ناگهان صدای آمرشعبه مرا از دور  
دستها بر گشتاند که گفت : « نجیب  
ای مکتو به صادر کو » . کلمات دوباره  
بجای های خود آمدند . نامه را به  
جیبم گذاشتم و در حالیکه در همین  
افکار غم آلود دست و پا میزد ،  
دنبال مکتوب رفتم .

آنروز حینیکه از کار فارغ شدم  
دکه حوصله هیچ چیزی برایم نمانده  
بود .

نمیدانم بدون اراده قد میایم  
بسوی کشانیده میشد ، آنجا که دریا  
بود و از دیدن امواج آن روز ها بدل  
خاطره ها داشتم و بالاخره رسیدم .  
روی سنگفرشی کنار دریا  
نشستم نامه را از جیبم کشیده چندین  
بار خواندم . غروب روز بود آسمان

و خواهرت فرشته را تنها گذاشته  
دنبال هوسهای بچگانه ات روی .  
یک روز که مصروف کار در شعبه  
بودم نامه اش برایم رسید . نامه را  
گشودم ، نامه را چندین بار خواندم ،  
در جایی نوشته بود و این سر نوشت  
است که چه ظالمانه من و ترا که  
هنوز تشنه ایم به عشق ، از هم دور  
کرد نمیدانم تو کجائی ، چه حال داری  
ولی بدان که من چون شمع میسوزم ،  
من دیگر چون مرغ در قفس افتاده ام  
که پر زدن سودی ندارد .  
گرمی اشک زاری گونه هایم  
احساس کردم ، و دیگر کلمات در  
مقابل چشمان اشک آلودم می  
رقصیدند .

پیاد آنروز ها شدم که امواج بابی  
قرا ری سینه بر سر سا حل می  
کو فتند و سر و ابدی خود  
را روی سینه خاموش ساحل بخش  
می کردند ، غروب روز بود ، رنگ زرد  
گون روی امواج لرزان می درخشید  
و یک جفت مرغابی سپید دل به امواج  
داده زمزمه عشق می سرودند . آتشی  
بود نگاهی که از چشمان او شعله  
میزد ، دستم را حلقه گردن بلورینش

نیمی گلگون و نیم نیلگون بود . نور  
زردگون روی امواج لرزان میدرخشید .  
امواج با بیقراری سینه به ساحل  
می زدند .

ناگهان (او) با اندام کشیده و زیبا  
و گیسوی سیا می که خرمن وار روی  
شانه بلورینش آمیخته بود سر از  
امواج های لرزان کشیده گفت :  
« بیا دستت را بدستم بده ، بیا  
مگذار که سر نوشت ظالمانه مرا از  
تو جدا سازد ، بیا » .

از جا حرکت کردم اما (او) دردل  
امواج ناپدید شد . فریاد زدم ، صدایم  
بفضا پیچید و خود را تنها یافتم . فقط  
یکجفت مرغابی سپید دل به امواج  
سپرده بودند و سرود عشق می  
سرودند .

و امشب که سالها می گذرد از (او)  
خبری ندازم

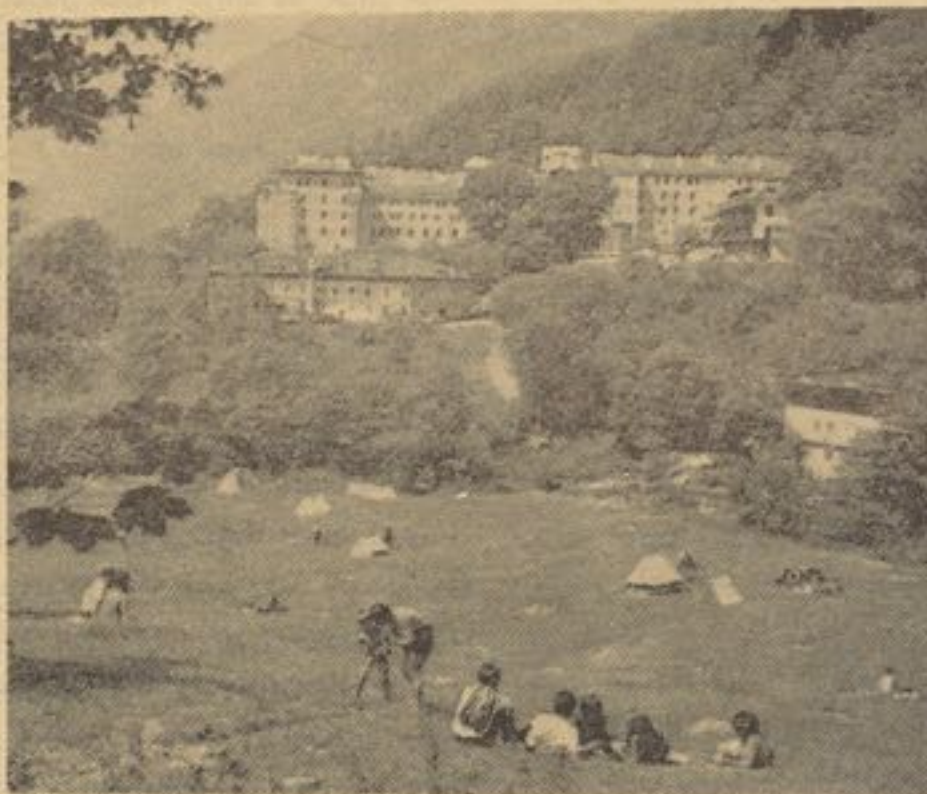
یاد گذاشته هادر اندیشه عبار  
گرفته ام زنده شد و بر قلبم راه یافت  
دریناه نور لرزان و پریده رنگ شمع  
روی کاغذ افتادم و قصه زندگی ام ،  
قصه عشق نافر جامم را برای تان  
چنان که خواندید نوشتم .  
« پایان »

## A sepia-toned photograph of a long, multi-span steel truss bridge crossing a wide river. The bridge's structure is composed of numerous triangular trusses supported by vertical columns. A small boat is visible in the water beneath the bridge. The background shows a distant shoreline with some trees and buildings under a clear sky.

ده سال قبل نفوس پاموری به ۵ هزار نفر  
میرسید ولی امروز جمعیت آن دوچند گردیده  
است برعلاوه فابریکات نمک، فابریکات واین  
و کوئیک سازی نزد در همین محل تجمع گردانند

با موری جایست که چندین حوض بزرگ  
 برای نمک بحری در آن ساخته شده است سالانه  
 یکمقدار نمک بلغاریا از همین محل تهیه میگردد  
 این طریق به دست آوردن نمک از دو هزار سال  
 باین طرف دریا موری مروج است در نزدیکی  
 این محل چیل نمکساری واقعست که توسط  
 کانال با بحر وصل شده است که از آنجا آب  
 بداخل حوضهای مرتبه داری رهنمایی و بالترتیب  
 بتغیر میشوند سپس نمک هارا جمع و بسته بندی  
 میگرد و توسط تسمه های ترانسپورتی حمل  
 و نقل آن به محل مطلوب صورت می گیرد  
 مجموعاً درین کار ۲۵۰ کارگر مشغول وظیفه اند  
 مدت جمع آوری و بتغیر از ماه جون الی آگست  
 ادامه داشته البته این کار ساده ای نیست که  
 در زیر آفتاب سوزن و باز آنها در آب مشغول

قرار گرفته است امروزیکی از شهر های  
بزرگ صنعتی، کلتوری و همچنین یکی از  
مراکز عنعنوی صنایع روستایی بلغاریا بوده  
که صنایع مذکور بصورت عنعنوی از قرن ۱۸  
میلادی باین طرف در ناحیه مذکور حفظ و رشد  
نموده است این شهر نه تنها از هکدر موقعیت  
آن بالای دریا (اسکیر) و اقوام آسیا یاوردها  
بوده بلکه سعادت شهر مذکور بدست مردمان  
کارکن و زحمتکش آنجاست . صنایع روستایی  
درین شهر مقام اول را داشته ۳۶ مرکز مختلف  
صنایع دستی بصورت اساسی فعالیت دارند  
بروز زمان تولیدات ماشینی، بشمول صنایع  
دستی آرتستیک از اوایل قرن ۱۹ درین شهر  
بیشرفت زیادی اختیار کرده است اکنون در  
پهلوی صنایع ماشینی شهر مذکور رایگی  
از بهترین مراکز صنایع روستایی بلغاریا  
گردانیده اند از اینرو ساحتی که در بلغاریا

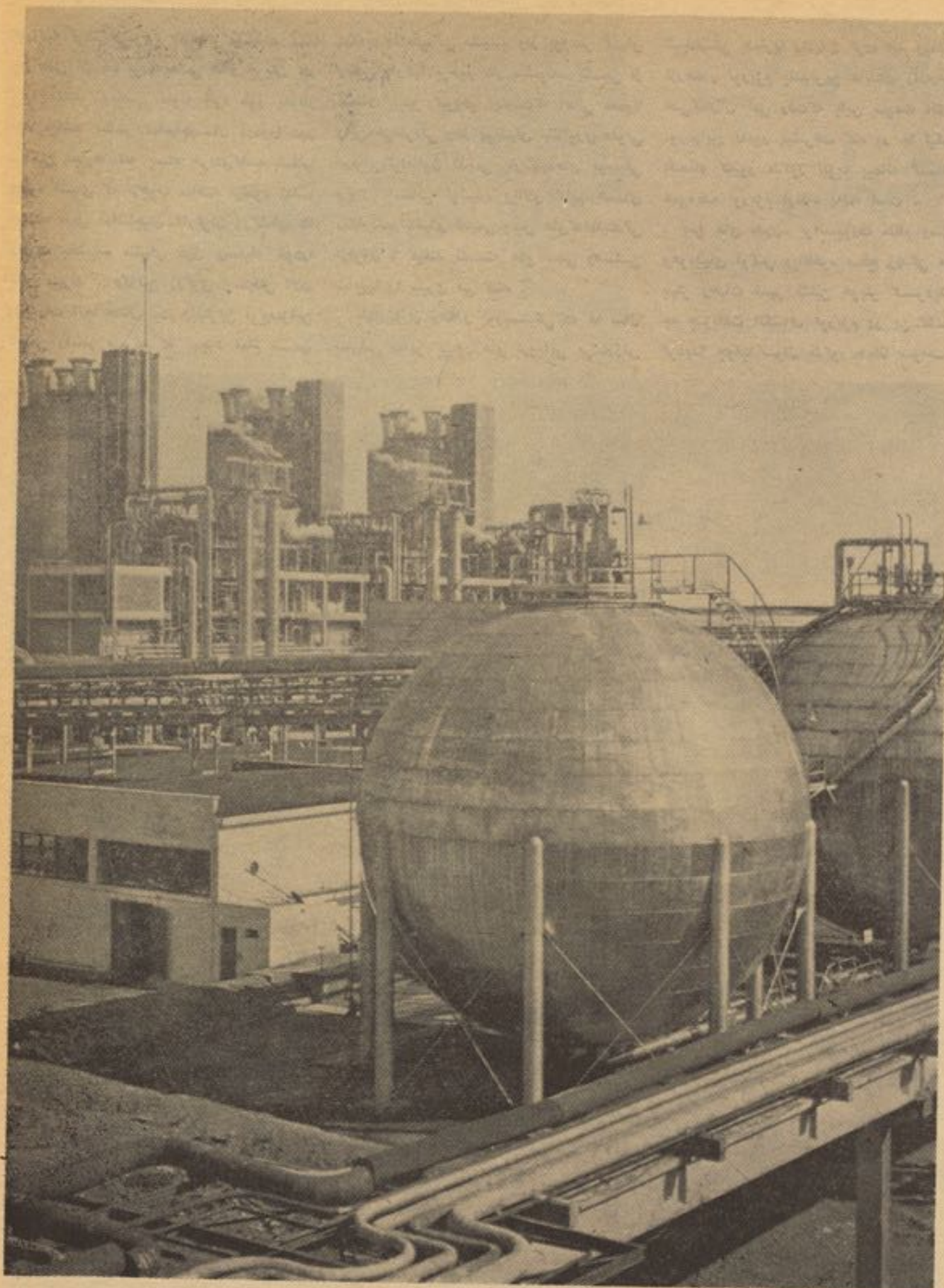


ولی باوجود تولیدات صنعتی مذکور پاموری



وارد میشوند و روددر (گروفو) را شرط اول مسافرت خود دانسته بر علاوه بازدید از آثار تاریخی آنجا پارچه ای چند از انشای دست ساخته اهالی آنجا خریداری و منقح بهترین تحفه بوطن خود باز میگردند از خصایص صنایع روستایی شهر گروفو اینست، تمام مواد که در صنایع دستی آنها بکار برده میشود همه طبیعی میباشد ، چنانچه جهت رنگ آمیزی از نباتات خود و و وحشی آنجا و چوب های مقبول استفاده میکنند اخیرا موسسه ای تاسیس گردیده است تا انشای آنها را خریداری و پول هنگفتی برای آنها بپردازد و قسمتی از تولیدات آنها در دکاکین محل جابجا بفروش میرسند. توریست ها بر علاوه اینکه آلار دستي این ناحیه را چشم درد جستجو و خریداری میکنند آرزو دارند تا حتما از ورکشاپ های آنها بازدید کنند و ساعت هارا وقف تماشای





یکی از دستگاه های مجهز تکنیکی در بلغاریا

به ۸۵ میلیون ارتقا یافته است که سالانه ۷۰ هزار نفر در جمعیت این کشور افزایش بعمل آمده است در حالیکه در مدت ۵ سال اخیر نفوس کشور مذکور به ۸۸ میلیون نفر بالغ میشود که سالانه ۶۰ هزار نفر به جمعیت این کشور افزوده است پس بلغاریا یگانه کشوریست که نسبت به سایر کشور های اروپایی تولدات و افزایش نفوس بطسی بیش میرود چنانچه در ۱۹۴۵ تولدات ۹۱ فی هزار و در ۱۹۷۵ به ۸۶ فی هزار نفر بالغ گردیده است.

بخوبی پیش میرود چه با پول کم می توان از بهترین مزایای طبیعت استفاده کرد از همین جاست که قسمت اعظم توریست ها باین کشور هجوم برده و مدت ها را با استراحت و خوشگذرانی می پردازند.

اسم رسمی این کشور نرود نارپوبلیکا بولگاریا (جمهوریت مردم بلغاریا) بوده و دارای ۱۱۹۱۱ کیلومتر مربع مساحت میباشد اگر تگاهی به نفوس بلغاریا انداخت در سال ۱۹۰۰ نفوس بلغاریا به ۳۷ میلیون و در ۱۹۷۰ یعنی در بین ۷۰ سال نفوس این کشور

سیل موثرهای شخصی از سرزمین بلغاریا شومه های عصری و مدرنی روز بروز انکشاف یافته و دولت به ساختمان و امتداد جاده ها و شومه هادراین شومه افزوده میرود در حال حاضر وضع سرکها و شومه هادر بلغاریا به حالت خیلی خوبی قرار دارند . چنانچه در جاده های مذکور ۳۵۰ تانک تیل عصری و مدرنی که با همه وسایل عصری مجهز میباشد باید علاوه کرد که بلغاریا نسبت بکشور های غربی و شرقی بصورت عموم ارزان و زندگی

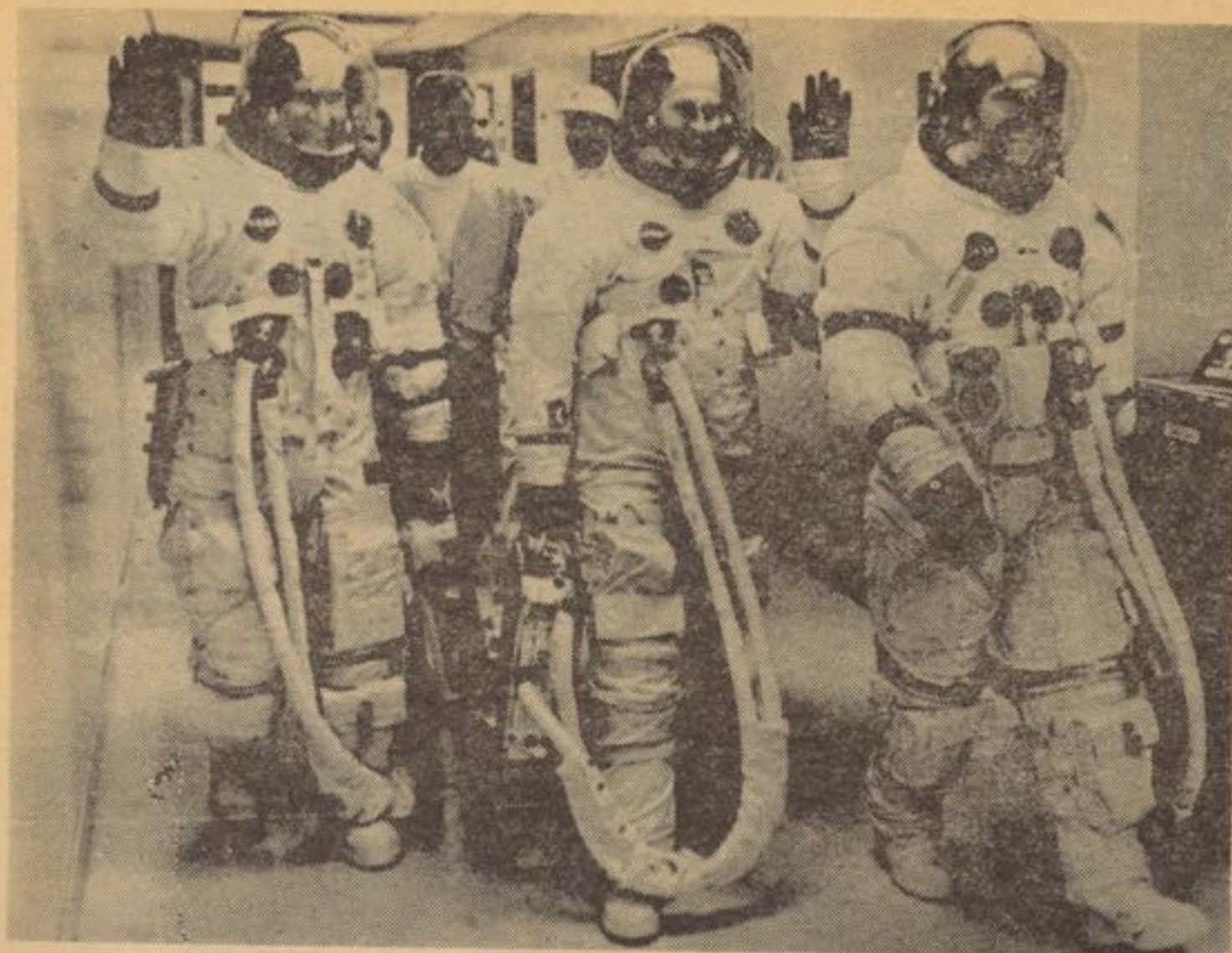
بلغاریا مالک ۵۰۰ چشمه آب معدنی بوده که از زمانه های خیلی پیشین معروف اند بسیاری از امپراتوران روم و بیزانین جهت تداوی خویش از آنها استفاده شایانی کرده اند این چشمه هادارای اهمیت خاص بوده ارزش بلغاریا را از رهگذر تودیزم و طبی بلند برده است ولی تنها چشمه هاکفایت نکرده بلکه بشای سناتوریم های عصری، دکتوران لایق، انواع ماساز و جمناسٹیک طبی رادر پهلوی این همه مزایای طبیعی برای مهمانان خارجی تهیه و آماده کرده اند .

قدیمترین کلتور در ساحه بلغاریا تقریباً از صدسال قبل شروع گردیده است که آمیخته با کلتور وسیفلیزیشن هلن ها، رومی، بیزانین کلتور قدیمی سلاوی و بلغاریایی میباشد . همچنین در ساحه بلغاریا خط سلاوی انکشاف و بهرجه خود رسیده است ریفرم اروپایی و بالاخره شروع رنسانس در همین سرزمین صورت گرفته است . فلکلور که اولتر از همه رقص، موسیقی و آواز میباشد نیز در اینجا رونما و انکشاف خارق العاده ای نموده است موزیکولوژیا تصدیق میکند که موسیقی ملی بلغاریا از رهگذر ارمونیزم و دیرتم یکی از موسیقی های انکشاف یافته اروپا محسوب میشود . اگر از مهندسی بلغاریا باز هم سخن در میان آید میتوان گفت که ارکیتکت بلغاریا چندین سال قبل با اساس ساختمانی کشورهای غربی شروع گردید ولی مهندسین بلغاریایی در مدت کوتاهی از زیر بار (غربی) خود رارهایی بخشیده جدید ترین میتودها و طرز ساختمانی خود را بکار برده اند . چنانچه تعمیرات شهر های البانا، شن های طلایی و ساحل آفتابی نمونه ای از بهترین ساختمانی مخصوص بلغاریا محسوب میشوند که در اروپای غرب غوغای بزرگی را برپا کرده است و اکثر در نندارتون های ارکیتکت مقام اول را صاحب شده است و امروز شهر های مذکور مقام سوپر توریستیکی رادر اروپا قایم کرده است .

(شن طلایی) دارای ۷۵ هتل و ۱۵ هزار بستر، در ساحل آفتابی ، صاحب ۹۸ هتل با ۲۲ هزار بستر البانا (جدیدترین و جوانترین محل مخصوصا برای توریست های دالری) دارند ۳۵ هتل و ۵۹۰۰ بستر میباشد که در پهلوی آن هزاران کمپنگ نیز وجود دارد بنابراین تعداد رستورانها ، کافی ، بار، نایت کلب ، دکاکین را با فروشگاه های بزرگ آن از روی هتل های آن قیاس کرد .

در بعضی از شهر های تاریخی بلغاریا از قبیل سوزاپول یا نسیر وضع برخلاف است زیرا بدون از توریست هاشهر های مذکور خالی بوده و بکلی شکل شهر را ندارد از اینرود دولت بلغاریا کوشان است تا اقتصاد تودیزم رادر شهر های مذکور تقویه بخشیده و عایدات ملی خود را بلند ببرد، عبور و مرور زیاد و

# کیهان نوردان امریکایی در کابل



ویلیم ریدپوگ با دو کیهان نورد دیگر آماده داخل شدن به سفینه سکای لاب

داکتر ملتن رئیس کمیته میگوید: که این گروه یک توسعه تجارتی نبوده بلکه یک پروگرام خالص مردم به مردم میباشد. و علاوه نموده با وجودیکه این کمیته از پشتیبانی حکومت برخوردار میباشد یک کمیته حکومتی نیست.

داکتر ملتن میگوید:

کمیته سیپورت مردم به مردم برای توسعه دانش و دوستی بین المللی در خدمت صلح و حسن نیت و برای اینکه جوانان ما و مردم کمتر دارای تشویق و تدریس گردند تاسیس گردید.

کیهان نوردان در کنفرانس مطبوعاتی که با خبرنگاران و ژورنالیست های افغانی انجام دادند اظهار عقیده نمودند که آنها به کشور ایالات متحده امریکا متعلق ندارند، بلکه متعلق به همه دنیا و جهانیا میباشند. ازینکه برای کیهان نوردان امریکا در کابل موقع مساعد شد تا فیلم های از سکای لاب چهارواپولوی چهارده رادر حالیکه خود ایشان پیرامون فعالیت های شان معلومات ارائه میکردند بمعرض نمایش قرار دهند، اظهار امتنان نمودند.

**قرار دادن بزرگترین کتله سامان آلات به مدار ماه**

ستورات الن روزا (دگروال قوای هوایی امریکا) کیهان نورد اداره ملی کیهان نوردی امریکا بتاريخ ۱۶ آگست ۱۹۶۳ در دورنگو کالورادو متولد گردیده است.

مکتب ابتدایی جنس و مکتب ثانوی کلیرمور رادر کلیرمور واقع اوکلاهما به پایان رسانیده بعدا در پوهنتون دولتی اوکلاهما و پوهنتون اریزونا به تحصیلات عالی پرداخت. وی از پوهنتون کالورادو به دریافت درجه علمی بچلراف ساینس در شق بیروناسیکیل انجینرنگ توفیق حاصل نمود.

در سال ۱۹۷۱ از طرف پوهنتون سن تامس (هیوستن تکزاس) دکترای افتخاری ادبیات بوی داده شد.

وی عضو جامعه تجربیوی پیلوت های آزمایش میباشد.

الن روزا مدال خدمات برجسته ناسا، جایزه کارنامه های عالی جراسی (۱۹۷۰) مدال کماندانت استرونا و نگزقوای هوایی، مدال خدمات برجسته قوای هوایی، جایزه جان اف کندی جامعه جامعه هوایی ارلند (۱۹۷۱) مدال طلایی شهر نیویارک (۱۹۷۱) جایزه موفقیت پرواز جامعه کیهان نوردان امریکا برای سال (۱۹۷۱) نشان چید (۱۹۷۳) نشان جمهوری افریقای مرکزی (۱۹۷۳) رادریافت نموده است.

روزا بحیث یک دگروال قوای هوایی از ۱۹۵۳ به اینسو وظایف فعال به عهده داشته است. قبل ازآنکه به ناسا پیوندد وی در پایگاه هوایی ادا روز کالیفورنیا بحیث پیلوت آزمایش ایفای وظیفه مینمود. این وظیفه ای بود که وی بعداز فراغت از مکتب تحقیقات پیلوتی فضای خارجی از سپتمبر ۱۹۶۵-الی می ۱۹۶۶ به عهده داشت.

از جولای ۱۹۶۲-الی آگست ۱۹۶۴ روزا وظیفه پیلوت آزمایش رادر پایگاه قوای هوایی المستید پنسلوانیا به عهده داشته و به پرواز طیارات نوع اف ۱۰۱ مصروف بود. بعداز فراغت از پوهنتون کالورادو وی برای دوسال بحیث آمرسرویس انجینرنگ در پایگاه هوایی تاجی کاوا تحت پروگرام انستیتو

تکنولوژی هوایی اجرای وظیفه مینمود. قبل از آن بحیث پیلوت جنگنده در پایگاه قوای هوایی لانگ لی استخدام شده بود و به پرواز طیارات نوع اف ۸۴ و اف ۱۰۰ مصروف بود.

وی مکتب تویچی رادر پایگاه هوایی دل ریویلیوک به پایان رسانیده و همچنان پروگرام هوانوردی پایگاه هوایی ویلیامز را داریزونا تعقیب نموده است.

در همینجا بود که روزا پرواز های تمرینی خود را انجام داد و به گرفتن وظیفه های فعال در قوای هوایی توفیق حاصل نمود. از سال ۱۹۵۳ تا حال وی ۵۱۰۰ ساعت پرواز نموده که از آنجمله ۴۴۰۰ ساعت آن در طیارات جت بوده است.

دگروال روزا یکی از ۱۹ کیهان نوردی است که در اپریل ۱۹۶۶ از طرف ناسا تعیین گردیدند. او یک عضو عمده تقویتی اوپولوی نهم بود. او اولین پرواز کیهانی خود را بحیث پیلوت محفظه قومانده اپولوی ۱۴ از تاریخ ۳۱ جنوری الی ۵ فیبروری ۱۹۷۱ انجام داد.

درین پرواز که سومین پیاده شدن بشر را بالای کره ماه احتوا مینمود الن شپسرد (قوماندهان سفینه) و اوگرمیچل (قوماندهان محفظه ماه نورد) او را همراهی مینمودند.

شپسرد و میچل سفینه ماه نورد خود را در منطقه تبه زار مینتاب بنام فرامارو فرود آورده بعدا به یک تعداد تجارب علمی پرداخته آلات و ابزار مربوطه علنی رابالای ماه جابجا کردند و هم در حدود ۱۰۰ کیلو گرام نمونه های

سنگ مینتاب را جمع نمودند تا با خود بزمین آرند. در طول ۳۳ ساعتی که این عملیات بالای کره ماه دربر گرفت روزا در محفظه قومانده بنام (کتی هاک) در مدار ماه می چرخید و به وظایف عکسبرداری و مشاهداتی خود مصروف بود. موفقیت های بی سابقه اپولو ۱۴ مشتمل اند بر: برای اولین بار استفاده از وسیله ترانسپورتی برای حمل و نقل سامان بالای کره ماه قرار دادن بزرگترین کتله سامان آلات به مدار ماه، طی طولترین فاصله بالای بزرگترین موادی که از مینتاب بزمین آورده شده است، طول ترین مدتی که بشر بالای کره ماه قامت کرده است (۳۳ ساعت)، درازترین مدتی که بشر خارج از سفینه ماهنورد بالای کره ماه فعالیت کرده است (۹ ساعت ۱۷ دقیقه) اولین بار استفاده از تکنیک اتصال مجدد در مدار ماه از کوتاه ترین فاصله - اولین بار استعمال تلویزیون رنگه دارای تیوپ ویدی کان جدید بالای کره ماه - و اولین تحقیقات علمی وسیع حین پرواز تنهایی محفظه قومانده در مدار مینتاب.

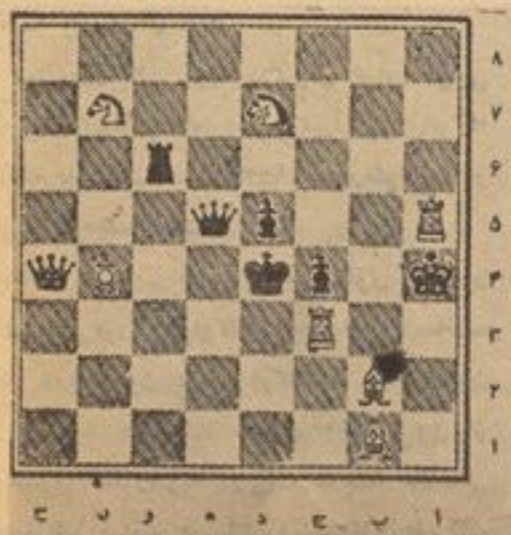
در تکمیل اولین پرواز کیهانی خود روزا ۲۱۶ ساعت و ۴۲ دقیقه پرواز کرده است. وی بحیث پیلوت احتیاطی محفظه قومانده اپولو ۱۶ و اپولو ۱۷ نیز ایفای وظیفه نموده است.

بیش از ۴۸ روز پرواز در مدار زمین:

ویلیم ریدپوگ (دگروال قوای هوایی امریکا):



اگر پارچه های جدا از هم را در کنار هم بگذارید تصویر یکی از ستاره های معروف هندی را که فعالیات ندارد بدست می آورید، آن اسمش را بنویسید.



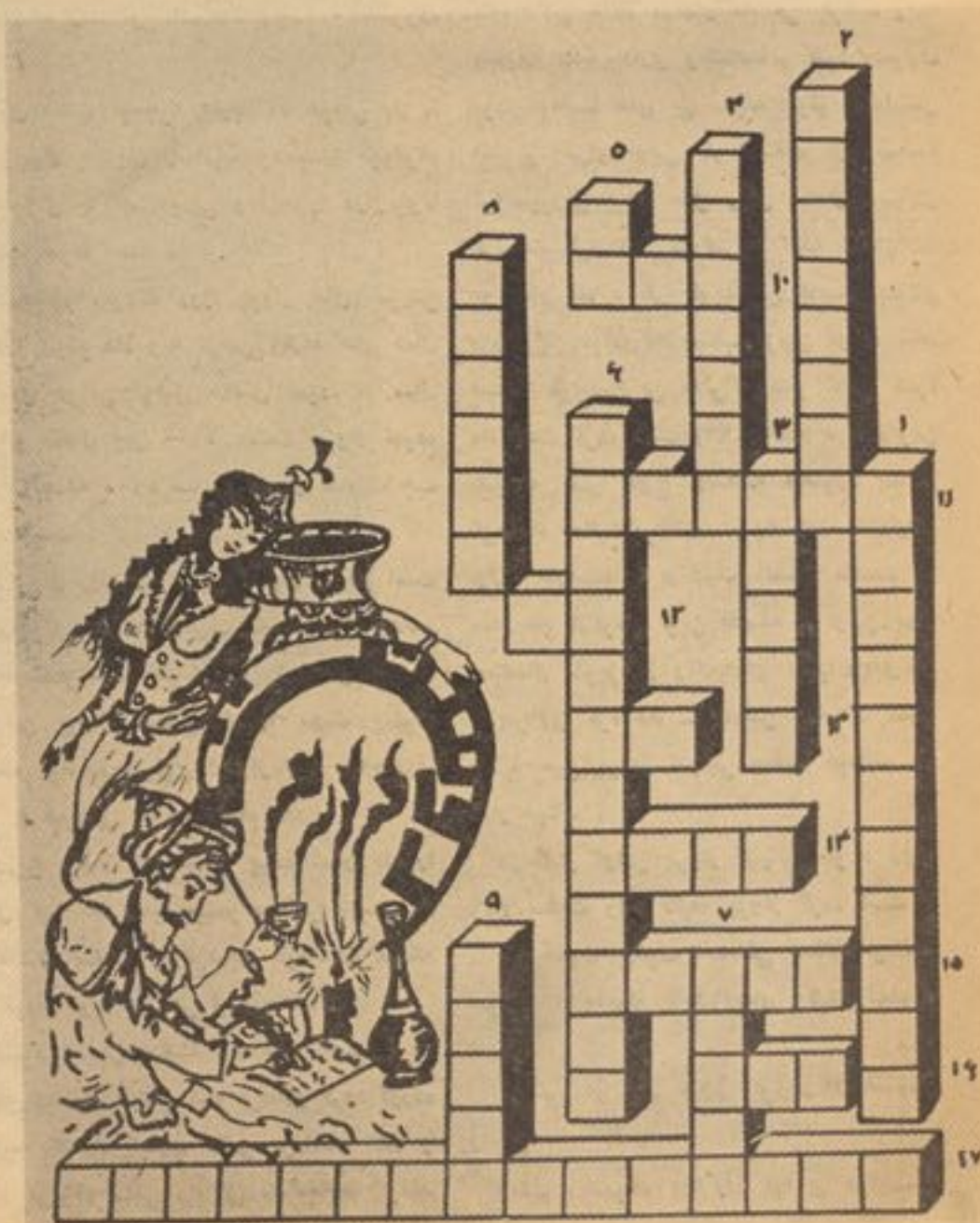
## مسئله شطرنج

درین مساله سفید بازی را شروع کرده در دو حرکت سیاه را مات می کند شما حرکت اول سفید را برای ما بنویسید.

مرتب صفحه: صالح محمد کپسار

## جعبه های بازی

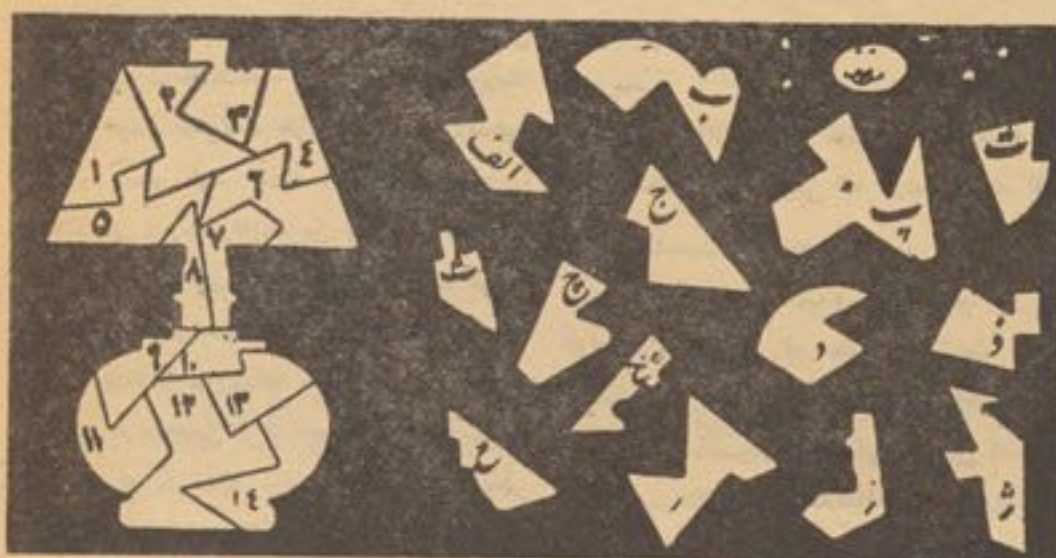
- عمودی
- ۱- اثری بر جسته از انوره دو است
  - ۲- این هم اثری است از ادگار آلن پو
  - ۳- کتابی از دافنه دو مو ریس
  - ۴- نو شته از ولتر
  - ۵- اولین جای ورود خانه
  - ۶- این اثر از نویسنده بزرگ جک لندن است
  - ۷- از کشور های جهان
  - ۸- از مشهور ترین مخترع جهان
  - ۹- تاریخ مسعودی را اونو شته
  - ۱۰- آتش عرب
  - ۱۱- منظره دور
  - ۱۲- آثار پای ما و شما
  - ۱۳- دو پانزده میشود
  - ۱۴- قوت
  - ۱۵- اثری از ماکسیم گورکی
  - ۱۶- از مخترع عین جهان است
  - ۱۷- مجالس العشای اثر ش
- بشمار می رود





درین تصویر شش نفر را ملاحظه میکنید که سوار اسب والاغ و اشتر و گاو و غیره هستند اما نکته مهم درین جا است که این عده بر حیوانات عوضی سوار شده اند و شما با اندکی دقت بجا بنویسید که کدام یک کدام حیوان است

### بجایش بگذارید



چراغ انتیک از دست صاحبش افتاد و تکه تکه شده ولی او می میخواهد که پارچه های آن که عبارت از چهارده پارچه است آنها را دوباره پیوند نماید شما همراهش کمک کنید تا آنها را بجایش بگذارد و برای ما بنویسید.

## حداختلاف

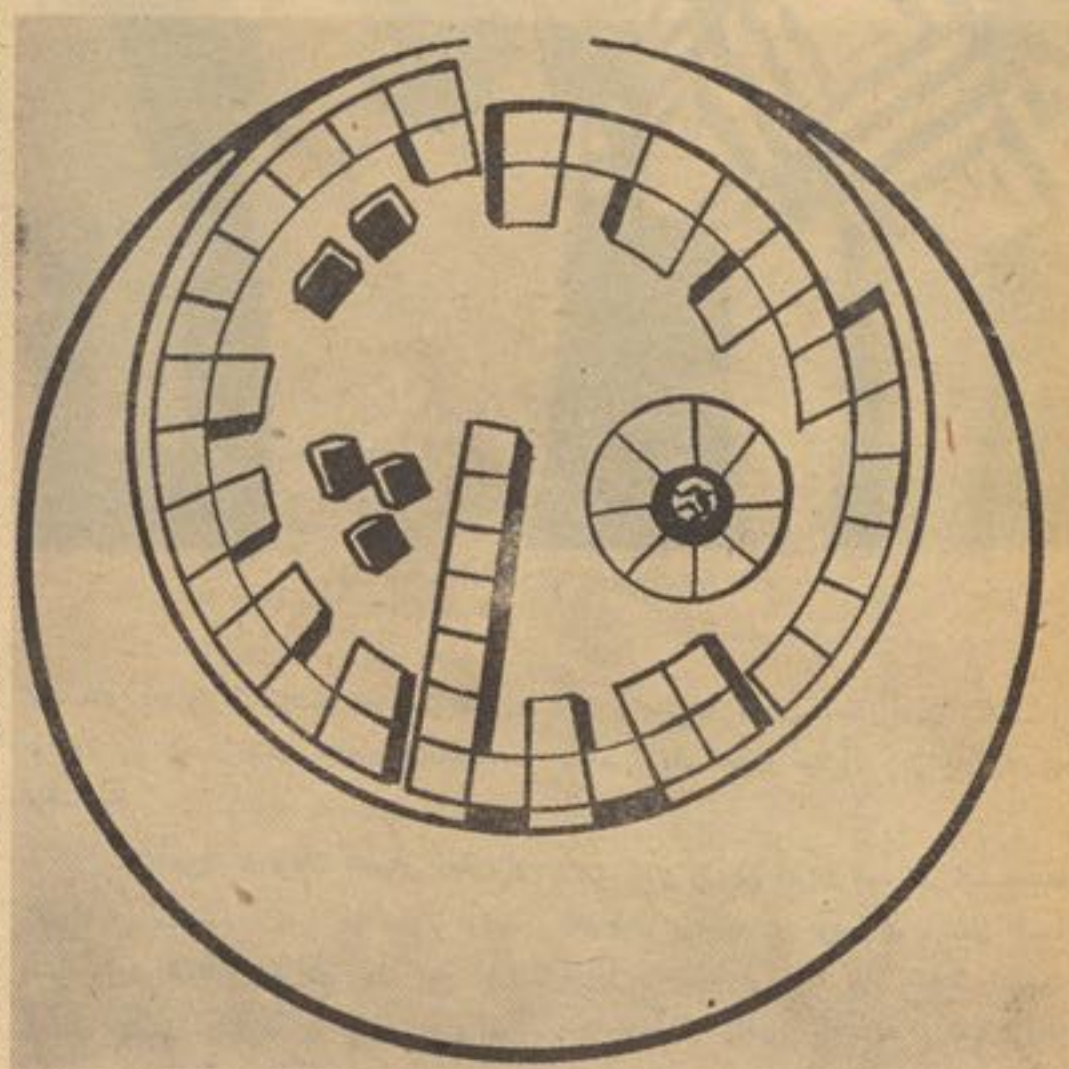
بین این دو تصویر به ظاهری شبیه، چندین اختلاف وجود دارد آیا میتوانید اختلافات را پیدا کنید؟



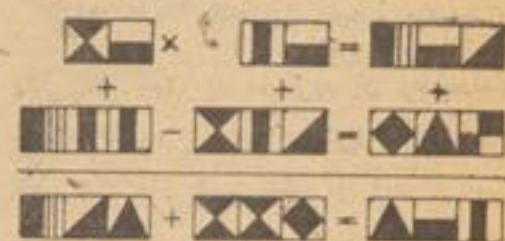
## جدول کلمات متقاطع

این جدول به افتخار روز های سره میا شت ترتیب گردیده است اما این جدول هیچ نمره ندارد. اماتنها ما شرح آنرا برای شما مینویسیم

- ۱- اگر اخرش را تکمیل سازید
- ۲- خود ما
- ۳- مؤسسه خیریه می شود
- ۴- حرف نهمی عربی
- ۵- ضد خوبی است
- ۶- سرور یس خازجی
- ۷- نو یستنده مشهور دنیای
- ۸- اگر راسته شود جام آن مشهور می گردد
- ۹- حرف اشاره پشتو
- ۱۰- محبت است
- ۱۱- نویسنده کتاب جمهوریت
- ۱۲- از خوردنی ها
- ۱۳- نمر
- ۱۴- يك جمع يك است
- ۱۵- نوع از فلز ها
- ۱۶- درنده
- ۱۷- از خوا نند گان راد یـ
- ۱۸- افغانستان
- ۱۹- اخرش را قطع کنید تا مؤسسه از خیر های جهان گردد
- ۲۰- از مؤسسه های خیریه های جهان
- ۲۱- دو پنج است



## اعداد عالم



بجای علامات درین مسئله حسابی اصل اعداد را بگذارید و مسائل حل کنید.

## میرزا قلم‌ها



خورشید وجلیا با هم خوب بازی می‌کردند

اجتماعی، اوضاع اقتصادی، نحوه معاشرت‌ها و صمیمیت‌های گذایی و عادت‌های دروغین را در چنین فامیل‌ها بر ملامی سازد و اتفاقات آنرا گزارش می‌دهد و خنده‌هایی بر گوشه‌های لب تماشاچیان می‌شاند.

در کمیدی مرزا قلم‌ها حمیدچلیا مانند یک نابالوی گویایی درخشش دارد. کامران و استاد بیست بهمان پیمانه که نقش‌های خود را لمس کرده‌اند بالاتر از آن با احساسات بینندگان بازی می‌کنند و استادانه آنرا نوازش می‌دهند. حبیبه عسکر و مزیده سرور در مقابل هم دونه‌ای قوی در دو تیپ و کسرت‌های خاص مشاهده می‌شوند که عاملانه و موفقانه با ربط و ارتباط تمام نقش‌های خود را ایفا می‌کنند و کوچکترین خلایبی در کارشان به‌علا حلقه نمی‌رسد.

میمونه غزال از نگاه تمثیل خوب است ولی سن و سالش با توصیفی که در نمایشنامه نقش است مناسب بهم نمی‌رساند.

بصورت عمومی کمیدی مرزا قلم‌ها یکی از کمیدی‌هاییست که مطلوب اکثریت واقع شده است که در تدوین و ترتیب و عرصه آن کار افغان ننداری در خورستایش است. نگارنده در حالیکه توجه و علاقه افغان‌ننداری را در این زمینه تحسین می‌کند آرزو مند است که افغان‌ننداری علاوه بر داشتن گام‌های متری در راه عرصه و پیشکش درام‌های موافق بدوق مردم کار خود را بطریقی تعقیب و دنبال نماید که سقوط و نزولی در شیرازه کارهای هنری اش مشهود و محسوس نشود.

ولی تا زمان فر رسیدن نتیجه نمایشنامه قطعات و سطح‌های گوناگون دیگری هم در پهلوی موضوع دیده شده که از آنجمله ارتباط ماموران شعبه و اتحاد زنان آنها خاصه تر کشمکش زنان بمنظور جلب منافع‌شان و نحوه بهره‌برداری‌های آنها از رویداد ها و خلاهای حاصله همه حرکات و تک‌های گرم و قابل وصفی است که در کمال پذیرش بوده و کلیت نمایشنامه را تضمین می‌کند. نقش‌ها و خاصه ایفاگران پرده دوم که همانا جماعت منفی نمایشنامه می‌باشند سطح و نحوه انتقادی دارد و همین بازیگران که عبارت اند از استاد بیست، حبیبه عسکر، مزیده سرور و حاجی کامران با طرح یک نقشه جدید به قوی‌ترین کمیدی و طنزدست پیدا می‌کنند که این موضوع سطح کمیدی را در نمایشنامه بالا می‌برد. بطوریکه با کلام خود، با حرکات خود، با ژست و دید خود هر یک بسیم خود حادثه مربوط به موضوع را بوجود می‌آورند و با این طریق پرداخت‌های مژه دار و کشداری در نمایشنامه پدید می‌آید که نگارنده آنرا محصول دانه‌گرشن خوب و بعدا تدوین عاملانه نمایشنامه می‌خواند.

یکی از شاخص‌ترین خصوصیت نمایشنامه مرزا قلم‌ها اینست که در این نمایشنامه انبوهی از اشارات و کلمات انتقادی موجود است که این امر با سیاق قوی و بزرگی برای موفقیت نمایشنامه شمرده می‌شود. اگر بگوئیم این نقادی تنها در چهارچوب ادارات خلاصه شده افادها مطلوب نیست زیرا نمایشنامه بدون زندگی خانواده‌هایی نفوذ کرده و تاحدودی اشارات در امور

## آیا ها لیود

در پهلوی هفت شرکت عظیم شرکت‌های کوچکی جوانه زده و سر برون کرده است. بسیاری از این شرکت‌های کوچک فاقد ابزارهای لازم هستند. در واقع این شرکت‌ها دفترهایی اند که سالانه دویاسه فلم را با ابزارهای گرای و استعداد های آزاد روی پرده می‌آرند. این شرکت‌ها سنگینی مصارف عظیم را احساس نمی‌کنند. این شرکت‌ها مانند شرکت‌های دیگر فلمبرداری کارشان را انجام می‌دهند و میدانند که صنعت سینما به پدیده‌ای که پیش‌بینی آن بسیار دشوار است، یعنی ذوق مردم، ارتباط دارد. سر انجام این نکته درک شده که در صنعت سینما ماده تولید شده ارزشی ندارد. زیرا این ماده نوربست که روی پرده می‌افتد، آنچه درین صنعت دارای ارزش است، رخداد هایبست که وقتی روی پرده نقش‌بست مردم برای دیدن آن پول بدهند. با درک این نکته کمپنی‌های بزرگ در صدد اند تا از مصرف‌های بیجا و تجملی جلوگیری کنند و منابع‌شان را در راه‌های دیگر به‌کار اندازند.

به طور مثال شرکت پارامونت در حال حاضر سی کارمند دارد. و این شرکت با تولید فلم‌های (داستان عاشقانه) و (پدر خوانده) آسوده حال ترین شرکت هالیوود است. شرکت‌های (برادران وارنر) و (کولمبیا) منابع تولیدی‌شان را یکجا کرده‌اند و مشترکا از دستگاه‌های برادران وارنر استفاده می‌کنند.

مترو گولدین مایر ساحه فعالیت‌هایش را وسعت داده و در لاس ویکاس هتلی ساخته که (بزرگترین و بهترین هتل جهان) نامیده می‌شود. این شرکت از درک فروش ریکارد نیز سودهای سرشاری به دست آورده است.

فلمسازان شرکت‌ها خودشان را به میان آورده‌اند، چیزی که چند سال پیش از نادرات به شمار می‌رفت. حالا کارگردانی چون (مایک نیکولس)، (آرتور وین)، (استانلی کوبرک)، (لاری پیرس)، (سدنی لیومت)، (کوبولا فریدگن) و (بوگدانو ویچ) خوشبخت‌اند که فلم‌های خودشان را می‌توانند ساخت. امروز روشن شده که بهتر است این آدم‌ها را

کمک مالی داد و آزاد گذاشت که فلم‌هایشان را بسازند تا آنکه مراقبت کارهایشان را به دست گرفت.

(روبرت التمن) کارگردان فلم‌های (مشی و خدا حافظی طولانی) از تنها هم جلوتر رفته است. وی از منابع انفرادی پول جمع‌آوری می‌کند، فلمش را آنگونه که خودش می‌خواهد، می‌سازد. بعد، فلم تکمیل شده را به استودیوها می‌فروشد.

همانگونه که شرکت‌های بزرگ فلمساز ی منابع‌شان را در زمینه‌های دیگر به‌کار انداخته‌اند، شرکت‌های دیگری چون (ویدرز دایجست)، (مجله (پلی‌بوی) و (جنرال الکتریک) در سینما سرمایه‌گذاری کرده‌اند. این رقابت به حیث یک‌کل برای سینمای امریکا سودمند است.

آمران استودیو هادر هالیوود (نوبن) به‌گونه دیگراند. بسیاری ازین آمران بین سی و چهل سال دارند و مانند گذشته هازر زیردستان‌شان دور نیستند. برخوردشان توأم با وسعت نظر است. این آمران میدانند که باید با مردم در تماس باشند و مانند آنان در سالون سینما بنشینند تا واکنش‌شان را در برابر فلم‌دوایند.

## کلب آریانا

هائشایی نداشت قضاوت خیلی عادلانه و دقیقانه مینمود که اصلا يك پانیت حق تلفی نبود متأسفانه دوتنر ریفری (جدا) های داخلی با آنکه به سیستم جدید نمره دادن وارد نبودند ، اناسر مسابقات خیلی پیش قدمی نمود در حالیکه مجموع نمرات هنوز جمع آوری نشده و نتیجه هنوز بدست نیامده بود که غالب کی و مغلوب کی خواهد بود مسابقه را به نفع عزیزاعلان نمودند که عملی بود لسا سنجیده در حالیکه بیاعلی شهاب الدین برنده شده بود.

آمر کلب آریانا علت بدبینی وعدم توجه مردم را در این ورزش چنین توضیح نموده و گفت :

که در گذشته يك تعداد جوانان مازنیسورت يكس قسم آله چنگ یعنی از مشت خود به رخ دیگران استفاده میکردند تا جاییکه دیده شده عدم توجه مردم به این سیورت قبلا همین بود اکنون بوکسوران ماهه از طبقه منور و تحصیل یافته و فهمیده میباشد این موضوع در بین شان وجود ندارد نظریه گذشته فیصدی طرفداران این سیورت خیلی زیاد شده است .

از بیاعلی فخری پرسیدم که چه راهی را برای ورزش بوکس بطور خصوصی و همه ورزش به طور عمومی پیشنهاد میکند :

به جواب گفت: يك بوکسر با نیست پایند به ورزش بوده از خود استقامت و متانت نشان دهد و تمرین خوبی بآدوام چه بوکسر را ببلکه هر سیورتمین رادری رشته که باشد میرساند و يك بوکسر با نیست مفسرور و متکبر نبوده خیلی حلیم و برده بارباشند یعنی اخلاق سیورتنی داشته باشد. هرگاه يك ورزش کار دارای اخلاق حمیده و کرکتر عالی و پابندی و استقامت داشته باشد (البته بادر نظر داشت گرفتن انرژی کافی که اکثر جوانان ما فاقد این چیز میباشد) هیچ جای شک نیست که به هدف واقعی خود نرسند و تا جاییکه دیده شده هستند عدد جوانانیکه متأسفانه بعد از ورزش به کشیدن سگرت معتاد شده و بجای شیر و غذای خوب که رول مهمی رابه يك سیورتمین بازی میکند از سگرت استفاده میکنند چیز واضح است که ایشان سیورتمین خوب ششیده نمیتوانند .

پرسیدم که در ورزش بوکس که خیلی خطرناک است چه چیز را باید در نظر داشت؟ بیاعلی فخری گفت : يك بوکسر واقعی هرگاه از طرز ورزش اساس و تخنیک بوکسنگ بادر نظر داشت روحیه ورزشی تمام اطراف و اکناف خویش را متوجه باشد و با فن بوکس درست بازی کند هیچوقت کدام خطری متوجه او نخواهد بود.

در مورد سامان و سالیلیکه کنون در دسترس کلب آریانا قرار گرفته آیا تکافوی احتیاجات شانرا میکند یا خیر و اگر نمیکند از کدام راهی میخواهند آنرا تدارک کنند . آمر کلب آریانا چنین گفت :

روی يك سلسله مشکلات اقتصادی تاکنون سامان و لوازم عصری به سویه بین المللی که برای يك کلب بوکس و یک نفر بوکسر ضرورت است نداریم و روی مجبوری از همین سامان تهیه شده فعلی خیلی ناچیز خسود استفاده میکنیم . البته این سامان اکثر توسط آمریت این کلب تهیه میشود با آنهم قراریکه در بالا تذکر رفت ما با کلب های که دارای سامان و لوازم کافی که از طریق کمک های کشور های دوست مثلا اتحاد شوروی و غیره به ایشان صورت گرفته و در کلب های که سامان شان به سویه بین المللی می باشد ورزش مینمایند مسابقاتی انجام دادیم و تقریبا بود در صد موفقیت از آن ما بود .

در قسمت تهیه سامان تو چه مقامات صلاحیتدار سیورتنی را معطوف میداریم تا به تمام سیورتمین ها و خصوصا بوکسران کمک نموده و در تهیه سامان و لوازم عصری مساعدت نمایند البته ناگفته نباید گذاشت که ریاست المپیک همیشه با این کلب مساعدت نموده و آن محل برای تمرین بدسترس این کلب و سایر کلب ها گذاشته اند .

موصوف افزود :

ریاست المپیک در قسمت دایر نمودن مسابقات حتی در موسم زمستان با شرایط نامساعد فعالیت نموده و کوشیده اند تا تیم ملی انتخاب شود. گرچه تاکنون تیم ملی بوکس انتخاب نشده اما توجه شانرا در زمینه خواسته و موفقیت بیشتر شان رادر پیشرفت سیورت در کشور و دایر نمودن مسابقات و تیم های ملی با قواعد عمومی کلب ها آزاد خواهیم و آرزو مندیم تا تیم های مختلف را غرض مسابقات از خارج بکشور دعوت داده و همچنان تیم های ملی افغانی را غرض اشتراک در دیگر کشور ها اعزام دارند .

از اینکه نظریه گذشته المپیک در طرز ورزش سیورت به سویه بین المللی تغییرات و نوآوری ها نموده است قابل ستایش میباشد زیرا در گذشته ما تنها يك تیم پهلوان داشتیم و تا جاییکه در این مدت دو سال دیده شده است تیم های مختلف ملی انتخاب و اکثرا در مسابقات اشتراک نموده اند و موفقیت بیشتر و توجه جدی تری ریاست محترم المپیک رادر پیشرفت تمام رشته های سیورتنی معطوف میداریم تا باشد روزی که مانند سایر کشورها از وطن عزیزمان نیز چندین تیم در مسابقات جهانی اشتراک نمایند و البته طرز العمل و فعالیت فعلی المپیک در خور یاد آوریمست.

جهان است صورت گیرد .

## اولین خانه که

عمارتی ساخته شده که ساحة آینه متحرک آن ۱۳۰۰ متر مربع بود و از اشعه منعکسه آفتاب انرژی تولید گردید که بکمک انرژی بخار آب يك موتور با قدرت یکصد پی اس بحرکت آمد.

اما چون این طریق اقتصادی نبود بنابراین بهرور زمان اهمیت خود را از دست داد . با پدید آمدن بحران انرژی در سال ۱۹۷۳ نگرانی هایی در جهان رو آورد که غالبا با سراسیمگی همراه است . شرکت های برق ، صاحبان موتور و انحصارات نفتی و دولت ها توصیه می دارند تا بنزین را صرفه جویی نمایند. از همان سال در جهان صنعتی سعی می گردد تا از انرژی آفتاب استفاده در مصرف مطلوب و اقتصادی نمایند .

مامورین سکوتور انرژی در ایالات متحده امریکا در فوروری ۱۹۷۵ دستگاه بزرگ انرژی گذاری نمودند و گفته میشود که این دستگاه تا سال ۱۹۸۵ بپایه اكمال خواهد رسید و

جهان نقش ارزنده و فعالی داشته و تعداد این چنین دایر و مجامع نیکو روز افزون است. موسسه خیریه سره میاشت در کشور عزیز مایکی ازین مراکز میباشد . سره میاشت در مواقع بحرانی در حد توان به یاری مستحقان شتافته است . سره میاشت نه تنها در داخل از مصیبت دیدگان دستگیری مینماید بلکه در خارج از کشور نیز هر آنی که لازم دیده و بودجه کافی داده از کمک دریغ نورزیده است .

انجمن ها و مراکز خیریه چشم نیاز همه مستمندان و بیچارگان است ولی اینها خود هم برای تقویت بیشتر و ازدیاد بودجه نیازمند کمک مردم میباشند . سره میاشت نیز که یکی ازین هاست برای کمک هر چه زیاده تر به مصیبت دیدگان نیازمند همکاری است و این نیازمندی را باید کوچک شمرد. تقویت سره میاشت در حقیقت دستگیری غیر مستقیم از مستمندان و محتاجان است . دستگیری از طفل یتیمی است که پدر و مادرش رادر حادثه ای از دست داده ، کمک به آن پیرزنی است که خانواده اش در سالحه ای از بین رفته اند ، معاوضت به آن قاضی یا قاضیه ای است که دار و ندار شانرا سبیل برده و رهنه مانده اند... پس باید نسیم و وظیفه ایمانی و وجدانی خویش رادر برابر این موسسه نیکو و خیر اندیش انجام داده به اندازه توان و قدرت مالی خود با آن کمکی کنیم و در تقویت بنیه مالی اش

مصرف هر يك کیلووات آن ۵۰۰ دالرسنجش شده است .

آفتاب را با ظرفیت ۵۰۰۰۰ کیلو وات تهد اب در آلمان برای نخستین مرتبه دستگاه انرژی آفتاب در اپریل ۱۹۷۵ اعمار یافت که از ماه می تا سپتامبر در حدود ۶۵۰۰۰ کیلو وات فی ساعت ، انرژی تولید میدارد. در نظر است که در منطقه سواکنال ایالت این دستگاهی دیگری انرژی آفتاب اعمار گردد که در فصل زمستان نیز کار کرده بتواند . وزارت تحقیقات آلمان میدهد که فقط شش درصد از برق که انرژی آفتاب تا سال ۱۹۸۰ سالانه مبلغ ۲۲ ملیون مارک را تخصیص میدهد . احصایه علمی و تخنیکی آلمان فدرال جهت استفاده از يك خانواده آلمانی بمصرف میرساند، در راه روشن نمودن منازل استعمال میگردد و دوجهار در صد از برق، در هر خانواده بمصارف دیگر میرسد . لذا ساختن خانه هایی که با نور و حرارت آفتاب گرم شود در مصرف برق صرفه جویی می شود و اقتصاد انرژی را تقویت می بخشد .

## بروز واقعات آتش فشان

آتش فشانیهای جوان افغانستان تقریبا يك ملیون سال از امروز فعالیت داشتند. بعضی آتش فشانیهای این سرزمین تاریخی اشکال مغروطی خود را نگه داشته اند و تمام آثار آتشفشانی از قبیل جریانات آتشفشانی، انفلاق بمب ها آتشفشانی و بروز جریانات آبهای گرم رادر چندین منطقه وطن خود به وضاحت ملاحظه کرده میتوانیم .

آفت طبیعی که تاحال از آن صحبت کردیم همچنانکه خسارات عظیم برای بشر بارمی آورد خالی از مفاد نیست زیرا از محصولات آتشفشانی و انرژی فوق العاده که دارا میباشد میتوان استفاده خوبی کرد .

هرچه از گازاتیکه در وقت عمل آتشفشان ها خارج میشود تا هنوز استفاده صورت نگرفته اما از عملیات مابعد آتشفشانی مانند گازات فومارول ها ، بخارات آب گرم که درجه حرارت آن بین (۷۴) تا (۲۴۰) درجه سانتیگراد است و فشار زیاد از زمین خارج میشود استفاده بعمل آمده. مثلا در ایتالیا در سال ۱۹۵۴ تقریبا شش فیصد تمام انرژی برقی با استفاده از انرژی آتش فشانیهای ایتالیا تولید گردیده بود. از گازات و بخارات آب محصول آتش فشانیها در صنعت کیمیا و از خاکستر آتشفشانیها در زراعت تاکنون استفاده بعمل آمده است .



## مرد ساده لوح

يك دهاتی ساده لوح، كه نزدیک تروتمند پش خدمت بود، كار خود را رها کرده، جای دیگری رفت و از ترو تمندی دیگر تقاضای كار كرد. ترو تمند گفت: -قبلا جایی كار می کردید؟ -بلی، نزد يك تروتمند دیگر در قریه مجاور كار می کردم و چهار ماه آنجا بودم. -چرا محل خدمت خود را ترك کردید؟ -میدانید، موضوع خوراك موجب شد كه من آنجا را ترك كنم. -چطور؟ خوراك آنها بد بود. -نخیر، ماه اول، كه آنجا بودم كاو وی مریض شد و آنها كشتند و آنها خوردیم، ماه دوم يك گو سفندوی مریض شد و آنها تمام كردیم ماه سوم اتفاقا مرغ آنها را هم خوردیم هفته پیش متاسفانه مادر وی عمرش را به شما داد و من فوراً فرار كردم!

## قرض گرفتن

آدم بد حسابی، كه هرچه از مردم قرضی می گرفت پس نمی داد، روزی به یکی از رفیقا نشن گفت: -خواهش می كنم، صد افغانی به من قرض بده، سر ماه پس می دهم، مطمئن باش، این تقاضا را آدم باشرفی از تو می كند! -بسیار خوب، فردا با آن آدم با شرف بیاتا بدهم!

## شرینی

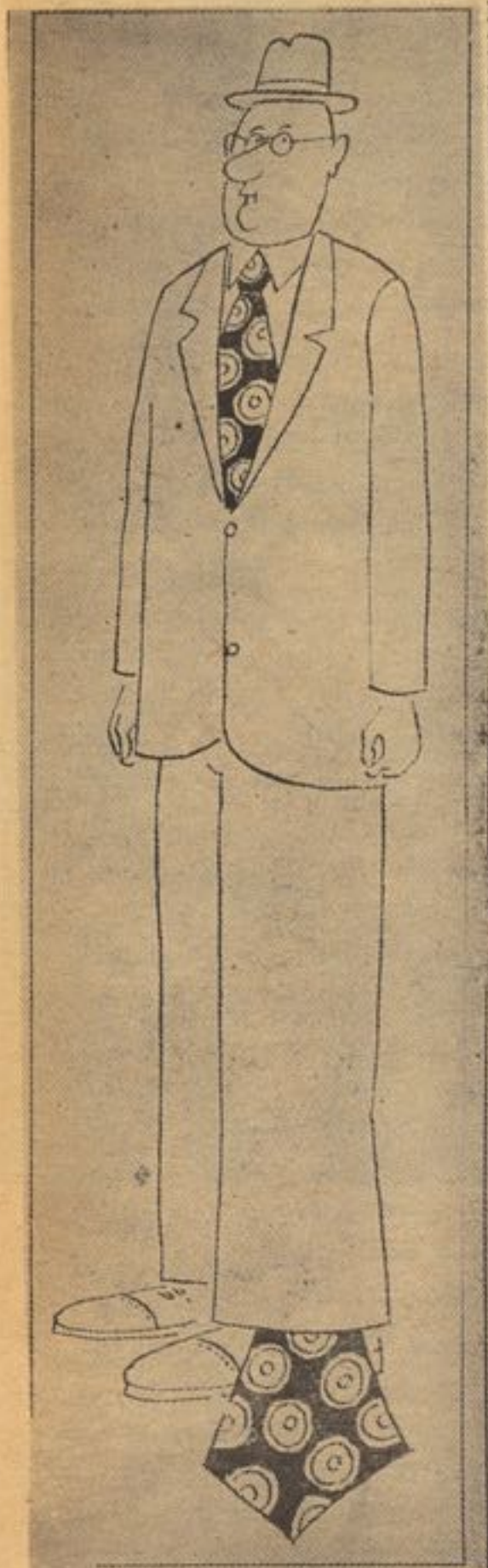
مردی روزی بزنی خود دستور بختن شیرینی داد زن گفت، آخر تخم مرغ نداریم. -لازم نیست بدون تخم مرغ درست كنید. -قند هم نداریم. -از قند هم صرف نظر كنید.

## میز خالی

جوان شيك پوشی وارد كا فسی شده، بولی به پیش خدمت داد. پیش خدمت پرسید: -می خواهید، برای شما قهوا میز تهیه كنیم؟ جوان شيك پوشی جواب داد: -نخیر، بر عكس، می خواهم يك ساعت بعد وقتی با دو خانم اینجا می آیم، بگویند میز خالی وجود ندارد.



بدون شرح



بدون شرح

-شیر از کجا بیاوریم؟  
-عوض شیر آب بریز؟  
-آرد گندم هم در دسترس نیست.  
-با آرد جو بپز!  
زن مطابق دستور شیر پختی را بخت و نژد شوهر نهاد.  
مردمی خورد و سر می جنباند كه من نمیدانم این تروت متدان چگونه چیزی بدین بی مزگی را می خورند؟  
زوندون

## حسادت

فهمیده برای هر دو دقایق تلخی را بار آورده است .

لذا موضوع را با علمای روانشناس میگویند و علما مشوره میدهند که لیندا عقده دارد زیرا تحصیلات خود را کافی نمیداند . چون شوهر تعلیم یافته و دارای تحصیلات عالی است پس لیندا باید در تکمیل تحصیلات خود بکوشد . لیندا در صدد تکمیل تحصیلات خود شده کورسهای زبان، حقوق دفترداری را تعقیب نمود و در مباحثات شوهرش شرکت کرده تا وقتی که اعتماد به نفس پیدا کرد . بعد از آن به خوبی میتواند بالای موضوعات شوهرش نظر بدهد. احساس حسادت وی از بین رفته بالاخره بالای حسادت های بیجا وی مورد خود که تاثیر ناگوار در زندگی زناشویی آنها وارد نموده بود میخندید .

بعضا حسادت بیجا و منفی میباشد و شکل جزاء را بخود میگیرد و بارها اتفاق افتاده که باعکس العمل های حسادت حربه برای جلب نظر و یا استرحام اعضای فامیل بوده است و در آنصورت حسادت جنبه منفی داشته و فضا را مسموم نموده فامیل و یا مناسبات انسانی را برهم زده و تاثیر بار می آورد. چون احساسات را نباید بکلی خوب و یا بکلی بدنامید . لذا باید کوشش شود که در عکس العمل ها مبالغه نشود. اندازه معین ادویه جات مغذیه که از طرف علمای طب به مریضان تجویز میگردد برای سلامت وجود ضروری پنداشته میشود لذا حسادت هم به اندازه معین آن در مناسبات انسانی رول مثبت داشته به شناسایی پرابلم های روانی کمک میکند .

یکی از علمای روحیات میگوید: که حسادت چنانچه آورد است؟ و موضوع را بدین صورت توضیح میکند که چون احساس حسادت از عمق روح منشاء میگیرد که بالای آن دماغ تسلط ندارد و تحت کنترل تعقل درآمده نمی تواند لذا تبارز حسادت رنج تولید می نماید . وقتی که یک نفر روی احساس حسادت مشغول شود باید بخود بیندیشد و فکر کند که چرا حسود است؟ سوالاتی مثل حسود بودن بالای کی؟ و بالای چی را مورد غور قرار بدهد؟ و در جستجوی سبب و منشاء حسادت شده عقده را از بین ببرد. و در صورت امکان موضوع به یک روانشناس گفته شود و در مورد توجه علمای روانی جلب گردد .

یک عالم روحیات میگوید: که وقتی یک مریض بوی مراجعه کرد در خلال صحبت های خود حسادت خود را راجع به خانمش ابراز نموده گفت: خانم موصوف دردعوت ها همیشه با مردان پر حرفی میکند و گرم میگیرد که این عمل خانمش باعث رنجش خاطر مریض شده

و حسادت و عقده تولید نموده است .

بالاخره معلوم شد که شوهرش بعد از ختم کار روزمره خود را مصروف خواندن اخبار نموده و بدیدن تلویزیون میپردازد . و به پرابلم های خانوادگی خود توجه نمی کند و علما مشوره دادند که کوشش شود تا طرز العمل شوهر تغییر نموده و تقاضا ایجاد شود و پرابلم های خانوادگی بین زن و شوهر تحت غور قرار گیرد. بالاخره کشیدگی از بین رفت . درین خانواده بروز حسادت و مجادله به آن سودمند و مفید واقع شد و فضای خانواده گوارا تر گردید .

در بعضی فامیل ها موجودیت اطفال حسادت تولید میکند که این نوع حسادت خیلی دردناک است ، مثلاً یک مادر اعتراف میکند که وی چند وقت با دخترکش حسادت داشت و در مقابل دخترش خورد سال خود احساس بدینی مینمود. موضوع تحت ارزیابی قرار گرفت و معلوم شد که تمایلات طبیعی شوهرش بدخترش باعث حسادت شده است . چون پدر بدخترش خود علاقه مند بود و دخترش هم به پدر خود

## در زیر آبهای آرام

همچنان در این موقع کشتی بی بابار هزار تن زغال چوب که صدور آن بخاطر جلوگیری از قطع اشجار جنگلی منع است به صورت مخفی از بندرگاه مومبات سترگ گرفت . این محموله ۵ میلیون پوند ارزش دارد .

اکنون معلوم شده که ۱۰ فیصد ساحه جنگلی در کینیا بکلی از بین رفته است . برای تولید یک تن زغال باید ده تن چوب را سوختند . زغال چوب یکی از مهمترین ماده سوخت در شرق میانه بحساب می آید .

در کینیا می توان هزارتن زغال را به ۳۰ هزار پوند خرید و آنرا در شرق میانه به ۹۰۰ هزار پوند فروخت که به این ترتیب تجارت زغال سود بزرگی به همراه می آورد .

کمپنی یونایتید افریکن پوریشن به جمع آوری سود عظیم از راه تجارت عاج در کینیا مشغول است . این کمپنی در ایالتان بزرگی که مالکیت آنرا آغاخان بدست دارد مشغول است . ۴۹ فیصد سهم این کمپنی را مارگرتا کیناتا بدست دارد .

صمیمیت داشت باعث شعله ور شدن احساس حسادت در مادر شده و عقده تولید نمود .

علاقه مندی دخترش به پدرش طبیعی بوده و هم اظهار صمیمیت پدر از جمله صفات نیک پدری است یک پدر باید به اطفال خود محبت داشته باشد و اطفال هم احساسات دوستی و تمایل دیگران را منعکس میسازند پس هر دو عمل طبیعی بوده و انتفال احساسات حسادت در خانم موصوف بیجا و بی مورد بوده و فضای فامیل را غمگین و افسرده ساخته است .

به کمک علمای روحیات این عقده تشخیص و تداوی گردید که آن موضوع برای بهبودی و استحکام مناسبات فامیل مذکور موثر واقع شد هر دوره زندگی فیودات و آزادی های باخود می آورد، مثلاً بنای یک فامیل آزادی فردی را منحصر میسازد. و احساس حسادت در مقابل آنهایی پیدا شود که هنوز بنای فامیل را نگذاشته اند . در حالیکه بنای یک فامیل طبیعی و حتمی است .

همه اقسام و انواع حسادت ها از تمایلات ، غرائض و احساسات سرچشمه میگرد که مبداء اصلی این عکس العمل هادر نارسانی افکار

## شخصیت زن

کرد ولی ستاره زندگی مادر روز بروز تاریک و تاریکتر میشود و مادر در مقابل قد خمیده اش که ارمغان یک عمر رنج و شادی اش است سایه رساتری را می بیند سایه کسی را که خود اوست و فرزند اوست اکنون مادر منتظر است تا در آخرین دقایق زندگی اش نیز شاهد پیروزی فرزندش باشد و در آخرین لحظات واپسین فرزندش را بسوی آزادی و شکوفه مندی جامعه دعوت می کند اما جامعه باو چه میکند .

اورا بنام مادر یافرشته ای که سبب زندگی و آزادی فرزندش می گردد یاد مینماید و خدا مادر را آفریده تا فرشته روی زمین باشد و هر کجا که پاگذارد تخم شادی و زندگی را بپویاند .

و مادر را آفرید تا جامعه و نسل بشر عاطفه را از عواطف اوت کامل بخشد و مادر را آفرید تا نسل بشر نیرومند و جاودان بماند .

بالارفت که اکثر این عاج ها از کینیا وارد شده و نشاندهنده این حقیقت تلخ است که زندگی قبل ها بخاطر بدست آوردن سود روبه ویرانی است .

(پایان)

صفحه ۵۹

است و لبخند میزند زیرا او دیگر به عذق نهایی اش رسیده است او دگرگیر و ضعیف نیست می بیند زرات وجودش در پیکر فرزندش پرومندش سرشار از اعتنا و زندگی و قاطعیت است بهر زندگی و سرور است و سرشار از اندازه ای که صدای مادر ضعیفی گردد بهمان اندازه صدای رساتر فرزند جای آرایش میسازد زیرا زندگی بذات خود جدید است .

مبارزه است پیکار است. مادر در مبارزه زندگی فرزندش پرومندش را به جامعه فردا تقدیم میکند فرزندش که با قاطعیت میتواند انعکاس دهنده آرزوهای مادر باشد فرزندش که میتواند داغ اسارت مادر را تا سرحد نابودی محو نماید و بالاخره فرزندش که حماسه مادر را در کارزار حیات هرگز فراموش نخواهد کرد و آنرا به گوش فرزندان فردای انسانی زمزمه خواهد

این کمپنی شبکه وسیعی در هانگکانگ، جاپان و بروسل دارد. طی سال ۱۹۷۲ این کمپنی بیش از ۵۰ تن عاج را به پیکنگ انتقال داد. طی سال های ۱۹۵۹ تا ۱۹۷۳ سطح توريد عاج قبل به هانگکانگ از ۶۸۷ فیصد

## فال حافظ



در هر روز از هفته که میخواهید فال بگیرید به تصویر بالا توجه نموده یک حرف از حروف نام خود را انتخاب کنید و آنرا از دایره بزرگ پیدا نمایید. (فرقی نمی کند که حرف اول باشد یا دوم یا سیم یا چهارم یا پنجم) در زیر همان حرف مثلثی قرار دارد که دارای خانه های سفید و سیاه میباشد و در داخل خانه های سفید آن سه عدد ثبت شده است از آن سه عدد هر کدام را که دلخواه شماست انتخاب کنید و آنگاه به همان شماره در زیر نام همان روز از هفته مراجعه کنید و جواب خود را از زبان حافظ شیرین سخن دریافت نمایید.

مثلا روز یکشنبه حرف چهارم نام خود را که هم است انتخاب و از جمله سه عددی که در زیر فوس مربوطه به این حرف دیده می شود بیت ۷ را اختیار نموده اید. باید به بیت هفتم روز یکشنبه به اشعار صفحه مقابل مراجعه کنید و بخوانید لسان اللقیب بشما چه می گوید !

## واکسین

یکنوع باکتری بسیلوس بوده که از تماس نمودن با مواد ملوث با میکروب، از یک شخص به شخص دیگر انتقال مینماید. منبع مهم مصاب شدن به مرض جمله مواد غذایی از قبیل آب، شیر و غیره میباشد که با بسیلوس محرقه آلوده شده باشند. چون میکروب معمولاً در فضله شخص مریض وجود دارد. بناء ناقل مهم این میکروب مگسها نیز میباشد. واکسین محرقه دارای بسیلوس مرده محرقه بایک ماده ای که مایه ای بنام فوسنول میباشد. در هر سی و واکسین مذکور در حدود یک هزار و پنجاه میلیون بسیلوس مرده محرقه وجود دارد. معمولاً اطفال کوچک را در سن شش سالگی واکسین محرقه می نمایند واکسین بوستر آن باید در هر دوالی چهار سال تکرار گردد.

۳- واکسین کولرا

مرضی است که عامل آن کولرا و آبریو بود و میکروب سازد. علائم آن اسهال شدید و تهوع است که شخص مریض به سرعت مایعات جسمی خود را از دست میدهد.

این مرض در جوامع نادار و غریب که مراعات حفظ الصحة را نمی نمایند، دفعتاً ظهور نموده و حالت اپیدیمی را بخود اختیار می کند. و در اندک زمانی تعداد کثیر اشخاص را نابود میسازد. چون میکروب در قی و اسهال مریض بکثرت یافت میشود، بناء ناقل عمده آن مگسها میباشد که آنرا روی مواد غذایی اشخاص سالم انتقال میدهند.

مرض معمولاً در ایام تابستان بروز می کند

بناء در جوامع که مدفوعات انسانی بطور صحیح از بین برده نمیشوند، واکسین نمودن محرقه را نباید در هر سال فراموش نمود.

واکسین محرقه را معمولاً دو مرتبه، طوریکه فاصله بین واکسین اول و دوم در حدود یک هفته باشد، به اشخاص تزریق مینمایند.

۴- واکسین حمای لکه دار

حمای لکه دار مرضی است که ناقل آن شبش انسان بوده و عامل آن زنده جان های کوچکی بنام ریکتسیا میباشد.

چون حمای لکه دار نیز از جمله امراضی است که در مواقع جنگ و یادر جوامع فقیر اکثراً ظاهر میگردد، بناء واکسین نمودن آن در چنین جاها ضروری میباشد.

### ۵- طاعون

علائم این مرض تب های شدید، بروز حالات عصبی، عدم فعالیت نورمال قلب و بالاخره ظهور حالت کوما در مریض میباشد.

با وجودیکه سه نوع مختلف مرض فوسق وجود دارد، باین هم عامل آنها یکنوع باکتری بسیلوس میباشد. ناقل مرض طاعون، کیک و پشه ها بوده که میکروب را از موشها به انسان ها و برعکس انتقال میدهند. معافیت را که از اثر واکسینشن، واکسین طاعون در انسانها تولید میشود، در حدود شش ماه دوام مینماید. واکسینشن در دو دوره صورت میگیرد طوریکه فاصله بین واکسین اولی و واکسین دومی در حدود هفت الی ده روز میباشد.

ناگفته نباید گذاشت که یکعده امراض دیگری نیز وجود دارند که دارای واکسین ها بوده و در مواقع لازمه به اشخاص تزریق میشوند.

جدول ذیل برخی از واکسین های را نشان میدهد :

| نوع واکسین             | سن اصغری که در آن موقع واکسین تزریق شود |
|------------------------|-----------------------------------------|
| ۱- محرقه               | ۴-۶ سال                                 |
| ۲- کولرا               | ۶ ماه                                   |
| ۳- حمای لکه دار        | ۶ ماه                                   |
| ۴- طاعون               | ۶ ماه                                   |
| مقدار و تعداد آن       | وقفه بین هر مرتبه                       |
| ۰.۵ سی سی دوز مرتبه ۱  | ۷-۲۰ روز                                |
| ۰.۵ سی سی دوز مرتبه ۲  | ۷-۲۰ روز                                |
| ۰.۵ سی سی دوز مرتبه ۳  | ۷-۲۰ روز                                |
| ۰.۵ سی سی دوز مرتبه ۴  | ۷-۲۰ روز                                |
| ۰.۵ سی سی دوز مرتبه ۵  | ۷-۲۰ روز                                |
| ۰.۵ سی سی دوز مرتبه ۶  | ۷-۲۰ روز                                |
| ۰.۵ سی سی دوز مرتبه ۷  | ۷-۲۰ روز                                |
| ۰.۵ سی سی دوز مرتبه ۸  | ۷-۲۰ روز                                |
| ۰.۵ سی سی دوز مرتبه ۹  | ۷-۲۰ روز                                |
| ۰.۵ سی سی دوز مرتبه ۱۰ | ۷-۲۰ روز                                |
| ۰.۵ سی سی دوز مرتبه ۱۱ | ۷-۲۰ روز                                |
| ۰.۵ سی سی دوز مرتبه ۱۲ | ۷-۲۰ روز                                |
| ۰.۵ سی سی دوز مرتبه ۱۳ | ۷-۲۰ روز                                |
| ۰.۵ سی سی دوز مرتبه ۱۴ | ۷-۲۰ روز                                |
| ۰.۵ سی سی دوز مرتبه ۱۵ | ۷-۲۰ روز                                |
| ۰.۵ سی سی دوز مرتبه ۱۶ | ۷-۲۰ روز                                |
| ۰.۵ سی سی دوز مرتبه ۱۷ | ۷-۲۰ روز                                |
| ۰.۵ سی سی دوز مرتبه ۱۸ | ۷-۲۰ روز                                |
| ۰.۵ سی سی دوز مرتبه ۱۹ | ۷-۲۰ روز                                |
| ۰.۵ سی سی دوز مرتبه ۲۰ | ۷-۲۰ روز                                |

داشته باشد، خون طفل نیز دارای آنتی بادی های میباشد که از خون مادر اخذ نموده است یعنی بطور ساده در مقابل همان امراضی که مادر معافیت دارد. طفل نیز معافیت میداشته باشد. بناء برادران است که باید بگوشتند تا قبل از ایام بارداری، دارای معافیت کافی بمقابل امراض مهم باشند. البته طفل حین تولد نیز متکی بر همین آنتی بادی های است که از خون مادر اخذ نموده است. ولی متأسفانه چون مدت دوام آنتی بادی هادر طفل پس از تولد کم میباشد بناء والدین متوجه باشند که در اوقات معین به اطفال عمل واکسینشن را فراموش نه نمایند.

مادران باید قبل از موقع بارداری در مقابل امراض و بروسی مخصوصاً چیچک و واکسین شده باشند. البته درست نیست که مادری را در موقع حامله بودن خالکوبی چیچک نمایند.

واکسین های دیگری که تزریق آنها در دوره بارداری ممنوع قرار داده شده، عبارت اند از: واکسین محرقه، واکسین بی-سی-جی. واکسین سیاه سرفه و واکسین دیفتری.

از آنجا که خانواده های سالم و باشعاع، یک جامعه مرفه و سالمی را بوجود می آورند. بهمین اساس دولت جمهوری افغانستان کلینیک های متعددی را جهت واکسینشن مردم کشور را در نواحی مختلف موظف نموده است تا در اوقات معین مراجعین را مجاناً واکسینشن نمایند. بناء بر ما است که ازین امر غافل نبوده و بگوشتیم که اطفال و سایر اعضای فامیل خود را از خطرات احتمالی عده از امراض مهم با واکسین نمودن، برهانیم. تا بتوانند بدون دغدغه خاطر از آذانه بکار های امور حیاتی خویش به پردازند.



اطلاعات و کلتور

ولیس تحریر: محمد ابراهیم عباسی  
مدیر مسؤل نجیب رحیق  
معاون: پیغله راحله راسخ  
مبتم: علی محمد عثمان زاده  
تلفون دفتر رئیس تحریر ۲۶۹۴۵  
تلفون منزل رئیس تحریر ۲۲۹۵۹  
تلفون دفتر مدیر مسؤل ۲۶۸۴۹  
تلفون ارتباطی معاون ۱۰  
تلفون منزل معاون ۱۰۷۶۰  
مدیریت توزیع ۲۳۸۳۴  
سوچورد ۲۶۸۵۱  
آدرس: انصاری واپ  
وجه اشتراک:  
در داخل کشور ۵۰۰ الفانی  
ژوندون

# فالك حافظ

## شنبه

۱- سرفرازم کن شبی از وصل خودای نازنین  
تا منور گردد از دیدارت ایوانم جوشم  
۲- هزار دشمنم گرمی کند قصد هلاک  
گرم تو دوستی از دشمنان ندارم بک  
۳- تویی که خوبی ز آفتاب و شکر خدا

که نیستم ز تو در روی آفتاب خجل  
۴- از ثبات خودم این نکته خوش آمد که به جور  
در سر گوی تو از بنای طلب نشستیم  
۵- جو شاهدان چمن زیر دست حسن تواند

گرشمه بر سمن و جلوه بر صنوبر کس  
۶- عمر بگذشت به بی حاصلی و بیهوشی  
ای پسر جام میم ده که به پیری برسی  
۷- یارب این آینه حسن چه جوهر دارد  
که در او آه میرا قوت تاثیر نبود

## یکشنبه

۱- هر آنکس را که در خاطر عشق دلیر باریست  
سیندی گودر آتش نه که دارد کاروباری خوش  
۲- می دوساله و محبوب چارده ساله  
همین بس است مرا صحبت صغیر و کبیر  
۳- هست بگذشتی و از خلوتیان ملکوت

به تماشای توانوپ قیامت بر خاست  
۴- ز عشق ناتمام ماجمال یار مستغنی است  
به آب و رنگ و خال و خط چه حاجت روی زیبارا  
۵- درویش نمی پرستی و ترسم که نباشد

اندیشه آفرینش و پروای تو ایست  
۶- بلای گردان جان و تن دعای مستمندان است  
که بیند خیر از آن خرمن که ننگ از خوشه چین دارد  
۷- باغبان گرینچ روزی صحبت گل بایندش  
برجای خار هجران صبر بلبل بایندش

## دوشنبه

۱- دل کز طواف کعبه گویت وقوف یافت  
از شوق آن حریم ندارد سر حجاز  
۲- بوی بپود ز اوضاع جهان می شنوم  
شادی آورد گل و باد صبا شاد آمد  
۳- بعد از بنم چه غم از تیر کج انداز حسود

چون به محبوب گمان ابروی خود پیوستم  
۴- از چشم زخم خویش میادت گزند زاینکه  
در دلبری به غایت خوبی رسیده ای  
۵- جو گل گر خورده ای داری خدا را صرف شکر کن

که قارون را غلظت داد سودای زر اندازی  
۶- خوش هوایی است فرح بخش خدا یا بفرست  
نازنینی که به رویش متی گلگون نوشم  
۷- گوشوار زاو لعل ارچه گران دارد گوش  
دور خوبی گذران است نصیحت بشنو

## سه شنبه

۱- کوکب بخت مرا هیچ منجم نشناخت  
یارب از مادر گیتی به چه طالع زادم  
۲- وفا کنیم و ملامت کشیم و خوش باشیم  
که در طریقت ما کافر نیست رنگین  
۳- گرچه میگفت که زارت بکشم می دیدم

که تپانش نظری بامن دلسوخته بود  
۴- تا چند همچو شمع زبان آوری کسی  
پروانه مراد رسید ای محتسب خموش  
۵- دیده بد بین بیوشان ای کریم عیب پوش

زین دلبرها که من در کج زندان می کنم  
۶- تشنه بادیه را هم به زلالی دریا  
به امید یکه درین ره به خدا میداری  
۷- تخم وفا و مهر درین کینه کشتزار  
آنکه عیان شود که بود موسم درو

## چهارشنبه

۱- فتوی پیر مغان دارم و قولی است قدیم  
که حرام است می آنجا که نه یار است ندیم  
۲- زلف دلدار جو زناز همی فرماید  
بروای شیخ که شد بر تن مخرقة حرام  
۳- نصیحت گوش کن جاناکه از جان دوستتر دارد

جوانان سعاد تمند پند پیر داننا را  
۴- دلت به وصل گل ای بلبل سحر خوش باد  
که در چمن همه گلبانگ عاشقانه تست  
۵- طبیعت عشق مسخادم است و مشق لبک

جو درد در تو نبیند گرا دوا بکند ؟  
۶- زاهد از مابه سلامت بگردگان می رمل  
دل و دین می برد از دست بدان سان که میرس  
۷- دل حافظ که به دیدار تو خورگرفته بود  
ناز پرورد وصال است مجنوا آزارش

## پنجشنبه

۱- چرخ برهم زنم اگر غیر مرادم گردد  
من نه آنم که زبونی کشم از چرخ فلک  
۲- هر چند غرق بحر گناهم ز صد جهت  
تا آشنای عشق شدم ز اهل رحمت  
۳- خواهم شدن به بستان چون غنچه بادل تنگ

و آنجا به نیکنا می برافتم دیدن  
۴- ساعتی ناز فرما و بگردان عادت  
چون به برستیدن ارباب نیاز آمده ای  
۵- پاک و صافی شو از جاء طبیعت بدر ای

که صفایی ند هد آب شراب آلوده  
۶- در آن شمایل مطبوع هیچ نتوان گفت  
جز این قدر که رقیبان تند خو داری  
۷- حافظ هر آنکه عشق تو زبند و وصل خواست  
احرام طوف کعبه دل بی وضو بیست

## جمعه

۱- ز خوف عجزم ایمن کن اگر امید آن داری  
که از چشم بداندیشان خدایت در امان دارد  
۲- صوفی که بی توتوبه زمی گردد بود دوش  
بشکست عهد چون در میخانه دید باز  
۳- چشم برای ساقی و گوشت به قول جنگ

فالی به چشم و گوش درین باب می زدم  
۴- اگر چه مرغ زیرک بود حافظ در هواداری  
به تیر غمزه صیدش کرد چشم آن گمان ابرو  
۵- شده خراب و بدنام و هنوز امیدوارم

که به همت عزیزان برسم به نیکنای  
۶- راز درون پرده ز زندان مست پرس  
کاین حال نیست زاهد عالی مقام را  
۷- ساقی بیا که هائف غیم به مزده گفت  
با درد صبر کن که دوا می فرستمت

# زندگانی

## مغاره نشینان

### درار تفاعات

می باشد و علت موجودیت این پناهگاه های کوهی در ارتفاعات یکی ترس انسان از غافل گیر شدن از شر حیوانات درنده بود و دیگری داشتن چشم انداز وسیع روی جلگه به قصد پیدا کردن و تعقیب کردن شکار.

این باشگاهی باستانی انسانی رو به جانب جنوب بوده و تقریباً از آفتاب و روشنی کافی بر خوردار بود و همچنان در اثر داشتن آفتاب گرمی و حرارت همیشگی داشت.

هكذا نسبت بودن آب در نزدیکی این مغاره حیوانات به کثرت در گرد و نواح آن تردد داشتند.

علاوه بر این مزیتها که تذ داده شد در روز گاران قدیم که مغاره مسکون بود مواد سوخت در ماحول آن بوفرت پیدا میشد و نیاز باشندگان مغاره را مرفوع میساخت از روی تحقیقات دانشمندان امریکایی «داکتر کارلتن کون» چنین معلوم می شود که غار قره کمر شکل (نیم دایره) را داشته زمین آن از قشر متنوع پوشیده شده بود که عمیق ترین آن رنگ نصواری داشت.

همچنان غار قره کمر در دوره های فلز نیز مسکون بوده و باشندگان آن درین دوره ها به رمه داری و گله بانی و نگهداری رمه های بز بیشتر مشغول بوده اند و آثار استخوان حیوانات و افزار سنگی، چقماقی

در مراتب اولیه زندگانی بشر دوره های قدیم حجر مرحله ایست که آنرا دانشمندان و مؤرخان (دور - زندگانی بشر در مغاره های مرتفع) تعبیر کرده اند و قراریکه وضع اقلیمی و جغرافیایی کشور ما نشان میدهد انسانها درین دوره پناهگاههای خوبی در دامنه ها و کمره های کوهها داشته و مخصوصاً دامنه های جبال هندوکش که دارای جلگه های وسیع بیشتر بود برای این نوع - زندگی مساعدتر بود.

مغاره نشینی تقریباً از پنجصد هزار سال قبل باینطرف در صحنه آسیا معمول بوده و بعد از چهارصد و پنجاه هزار سال، در پنجاه هزار سال اخیر باشکریان مغاره نشینی در بسیاری از نقاط آسیا از جمله در چین، افغانستان و ایران مواجیه می شویم. در افغانستان مخصوصاً نام (قره کمر) با مراتب زندگانی مغاره نشینی در ارتفاعات سابقه بس تاریخی دارد.

غار قره کمر در هشت میلی شمال ایبک (سمنگان) بین بلخمری و تاشقورغان در مجاورت قریه ای واقع شده به نام (سرکار) و در دامنه های جنوب شرقی کوهی قرار دارد که برده کده مذکور حاکم است.

ارتفاع این مغاره از سطح دریا دوهزار و سه صد فوت و بلندی آن از روی جلگه چهارصد و پنجاه فوت

و غیره هویدا میسازد که غار مذکور در تمام طول دوره قدیم حجر مسکون بوده ولی از زندگانی دوره جدید حجر در آن اثری نیست.

همچنان طبق تحقیقات (دانشمندان و مؤرخان) از روی آثار مکشوفه که عبارت از افزار سنگی، چقماقی، استخوان حیوانات، خاکستر و ذغال می باشد، چار دوره زندگانی

را در غار مذکور میتوان تعیین کرد. و معلوم است که پناه گزینیان و غار نشینان هر چار دوره شکار می بوده اند و افزار سنگی بسیار ابتدائی داشتند که شکل طبیعی آن دست نخورده بوده و نظایر آنرا در اروپا، امریکا و آسیا معمولاً به اصطلاح علمی افزار دوره «موسترین» می خوانند.

نظیر این افزار در مجاورت قره کمر در دامنه های کوه هم دیده شده است.

باشندگان غار قره کمر در مراحل بعدی زندگی به شکار حیوانات ماهر تر شدند و روشن کردن آتش را با سنگ چقماق فرا گرفتند و آنگاه توانستند لانه و کاشانه خود

را با دادن آتش گرم نمایند. افزار آنها هنوز شکل طبیعی و ابتدائی نسی داشت و از پارچه های گران وزن و تیز چقماق استفاده مینمودند.

با وجودیکه درین مغاره پارچه های تیکر ظروف سفالی نیز به مشاهده رسیده ولی باینهم میتوان حدس زد که زندگانی در غار قره کمر روی حساب مراتب ابتدائی بمراحل اولیه عصر قدیم سر می خورد.

و تحقیقات باستان شناسان نشان میدهد که دوره های قدیم و متوسط جدید در افغانستان قبل تقریباً در حوالی ده هزار سال قبل در اکثر نقاط آسیای غربی حیسات دوره مغاره نشینی تمام شده و دوره جدید حجر آغاز گردیده و این نتیجه بدست می آید که بالاخره در حوالی ده هزار سال قبل شکار با هندوکش بطرف جلگه ها و وادی های رودخانه های بزرگ به حرکت افتادند و در آنجا ها برای خود جای بود و باش تهیه نمودند. و زندگی مغاره ای را ترک نمودند.



میوش خواننده خوش آواز کشور با همکاری استاد هاشم بر محبوبیت خود افزوده است

## کیهان نوردان

کیهان نورد ناسا :

بتاریخ ۲۳ جنوری ۱۹۳۰ در آمریکا -  
واقع اروکلاهما متولد گردیده .

تعلیمات ابتدایی و ثانوی خود را در مکاتب  
اوکلاهما پایان رسانیده بعدا در سال ۱۹۵۱  
از پوهنتون بیت تست اوکلاهما بدریافت  
درجه علمی بچلراف ساینس در رشته تعلیم  
و تربیه موفق گردید . در سال ۱۹۶۰ درجه  
ماستری خود را در شق ریاضیات از پوهنتون  
دولتی اوکلاهما دریافت نمود .

عضو ایروفرس اسوسیشن - جامعه تحقیقات  
امریکا - جامعه پیلوتهای آزمایشی و سکما  
ایکش میباشد .

وی مدال خدمات برجسته ناسا ۱۹۷۴ و  
جایزه کارنامه های برجسته جی اس سی  
(۱۹۷۰) - برنده مدال هوایی - مدال تحسین  
قوای هوایی - مدال قوماندانی پیلوت کیهانی

مدال خدمت دفاع ملی و مدال طلایی سپهر  
شیکانو (۱۹۷۴) .

قبل از آنکه پوگ یک دگروال قوای هوایی  
بمرکز لندن جانسن بیاید وی در پایگاه هوایی  
ادواردز واقع کالیفورنیا ایفای وظیفه مینمود.  
پوگ از آغاز اکتوبر ۱۹۶۵ تا آنوقت بحیث معلم  
در مکتب ایروسیس ریسرچ پایلت سکول کار  
میکرد .

در سال ۱۹۵۱ وی شامل قوای هوایی شده  
بود و یکسال بعد آن به گرفتن کمیشن یعنی  
وظیفه فعال موفق گردید .

پوگ با متجاوز از پنجاه نوع طیاره امریکایی  
وانگلیسی بسوی تخصص آشنایی حاصل نمود  
و یک معلم باصلاحیت در پرواز ملکی میباشد.  
پوگ در اکادمی قوای هوایی امریکا واقع در  
کالرادوسپرنگزین سالهای ۱۹۶۰ و ۱۹۶۳ به  
حیث معلم ریاضیات ایفای وظیفه کرده است.  
در سپتمبر ۱۹۶۵ وی دوسال را بحیث پیلوت  
آزمایشی در وزارت هوانوردی برتا نیه تحت  
پروگرام تبادل بین قوای هوایی امریکا و

برتانیه تکمیل نمود. وی قبل از مکتب پیلوت  
های آزمایشی در فارن برل انگلستان نیز  
فراغت حاصل کرده بود .

پوگ در حدود ۴۸۰۰ ساعت پرواز کرده  
است که ۳۸۰۰ آن در طیارات جپ بوده است.  
دگروال پوگ یکی از ۱۹ نفر کیهان نوردی  
است که در سال ۱۹۶۶ از طرف (نا سا)  
(اداره ملی کیهان نوردی امریکا) انتخاب  
گردیدند. وی بحیث عضو عمده تقویتی کیهان  
نوردان اپولو ۷-۱۱ و ۱۴ اجرای وظیفه کرده  
است .

پوگ پیلوت سکای لاب چهار بود (سومین  
و آخرین دیدار از ورکشاپ مداری سکای لاب)  
که بتاریخ ۱۶ نوامبر ۱۹۷۳ پرتاب گردید  
و ماموریت آن بتاریخ ۸ فبروری ۱۹۷۴ پایان  
یافت .

این طویل ترین پروازی بود (۸۴ روز یک  
ساعت و پانزده دقیقه) که در تاریخ پرواز های  
کیهانی حامل بشر تاکنون انجام یافته است.  
درین پرواز ۳۴۹۵ میلی که ریکارد قایم نمود

جرالد کار قوماندان و دکتور ادوارد گبسن  
(پیلوت علمی) با پوگ همراهی نمودند .  
در طول ۱۲۱۴ مرتبه چرخش خود به دور زمین  
ایشان ۵۶ تجربه - ۲۶ دیما تریشن علمی  
۱۵ آزمایش ترتیبات داخل سفینه و ۱۳ تحقیق  
دانشجویی را انجام دادند . در طول همین مدت  
ایشان معلومات وسیعی راجع به ذخایر زمین  
توسط کوره ها و وسایط خاصی که به ایسن  
منظور در سفینه تعبیه شده بود بدست آوردند  
و همچنین برای مدت ۳۳۸ ساعت تو سسط  
تلسکوپ مخصوص اپولو (عملیات داخل کره  
آفتاب را مورد مطالعه قرار دادند) .

دگروال پوگ و همراهان سکای لاب چهار  
ریکارد جهانی زیست رادر کیهان که عبارت  
است از ۲۰۱۷ ساعت پانزده دقیقه و ۳۲ ثانیه  
مشتراک قایم نمودند که از آن جمله پوگ ۱۳  
ساعت و ۳۱ دقیقه آنرا در خارج ورکشاپ مداری  
سیری کرده است .

دولتی مطبعه



**Get more e-books from [www.ketabton.com](http://www.ketabton.com)**  
**Ketabton.com: The Digital Library**